



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

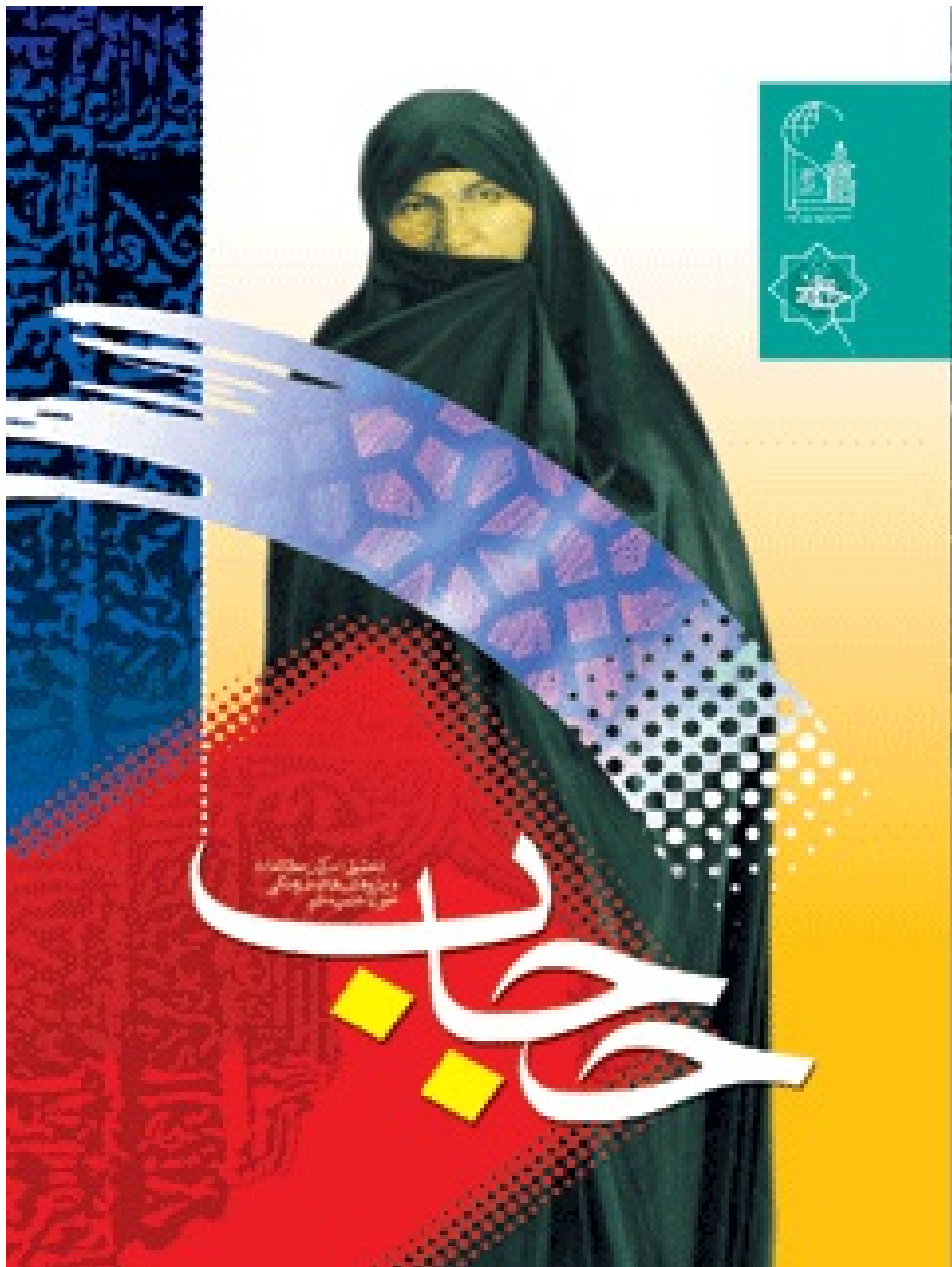
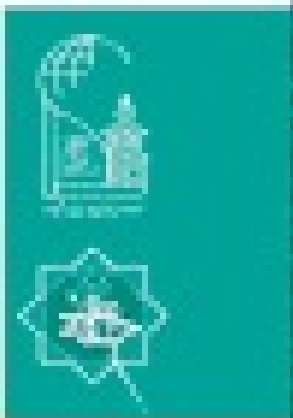
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مجلس المدینة العلمیة
مجلس المدینة العلمیة
مجلس المدینة العلمیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب شناسي چالش ها و كاوش هاي جديد

نويسنده:

حسين مهدي زاده

ناشر چاپي:

مرکز مطالعات و پاسخ گويي به شبهات حوزه هاي علميه

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقيقات رایانه اي قائميه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	حجاب شناسی : چالش ها و کاوش های جدید
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	پیش کش به :
۱۳	فهرست مطالب
۱۶	مقدمه
۱۹	دیباجه
۳۰	ویژگی های نوشتار حاضر
۳۴	فصل اول: مفهوم ، فلسفه و فواید حجاب
۳۴	اشاره
۳۶	مفهوم و ابعاد حجاب
۴۰	رابطه ی حجاب و عفاف
۴۴	هدف و فلسفه ی حجاب
۴۸	آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف
۴۸	اشاره
۴۸	الف) فایده ی حجاب در بُعد فردی
۵۰	ب) فایده ی حجاب در بُعد خانوادگی
۵۱	ج) فایده ی حجاب در بُعد اجتماعی
۵۲	د) فایده ی حجاب در بُعد اقتصادی
۵۴	فصل دوم: تاریخچه ی اجمالی حجاب و حجاب زدایی
۵۴	اشاره
۵۶	علل شکست حرکت های کشف حجاب
۵۶	اشاره

۵۷	الف) فطری بودن حجاب
۶۰	ب) دینی بودن حجاب
۶۱	ج) آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب
۶۴	منشأ حرکت های بی حجایی و بدحجایی
۷۰	ادعای اول: چادر، حجاب دینی و مذهبی نیست.
۸۰	فصل سوم: چار چوب اسلامی حجاب
۸۰	اشاره
۸۲	نگاهی اجمالی به شکل های حجاب قرآنی بانوان
۸۲	اشاره
۸۳	الف) خمار
۸۵	ب) جلباب
۸۶	فلسفه ی تفاوت پوشش زن و مرد
۸۹	کیفیت حجاب و پوشش فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۹۱	رنگ جلباب و چادر قرآنی
۹۴	نگاهی اجمالی به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشکی
۱۰۷	فصل چهارم: تعارض نمایی حجاب و آزادی
۱۰۷	اشاره
۱۰۹	رابطه ی حد و مرزهای پوشش و عقده ها و حسرت ها
۱۱۳	حدود آزادی اظهار نظر درباره ی حجاب و لباس
۱۱۶	رابطه ی حجاب و فشارهای اجتماعی
۱۱۹	رابطه ی حجاب و پوشش و مسئله آزادی
۱۲۲	سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله ی حجاب
۱۲۵	لباس و پوشش و حق انتخاب آن
۱۲۹	فصل پنجم: کارآمدی چادر و حجاب مشکی
۱۲۹	اشاره
۱۳۲	مسئله ی دست و پاگیر بودن حجاب در شکل چادر

- ۱۳۳ حجاب مشکى در تابستان
- ۱۴۱ رابطه ی حجاب مشکى و بيمارى هاى استخوانى
- ۱۴۲ رابطه ی حجاب مشکى و افسردگى و اندوهناكى
- ۱۵۴ آیا بانوان مشکى پوش نمى توانند رنگ هاى غير مشکى را بشناسند؟
- ۱۵۸ نتیجه گيرى
- ۱۶۱ پيش نهادها و توصيه ها
- ۱۷۵ پيوست: استفتائات و دیدگاه هاى مراجع تقلید درباره ی حجاب و لباس
- ۱۹۵ فهرست گزیده منابع
- ۲۰۶ درباره مرکز

حجاب شناسی : چالش ها و کاوش های جدید

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی زاده، حسین

عنوان و نام پدیدآور : حجاب شناسی: چالش ها و کاوش های جدید/ مولف حسین مهدی زاده؛ تهیه کننده مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه؛ ویراستاران محمدجواد شریفی، حمید انصاری

مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، 1381.

مشخصات ظاهری : نه، 187 ص.نمونه

فروست : (پرسمان دینی)

شابک : 98000-37-6918-964 ریال

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Hegabshenasi.

یادداشت : چاپ دوم: 1382؛ 8000 ریال

یادداشت : عنوان روی جلد: پرسش و پاسخ هایی در زمینه حجاب شناسی: چالش ها و کاوش های جدید.

یادداشت : کتابنامه: ص. [177] - 187؛ همچنین به صورت زیرنویس

عنوان روی جلد : پرسش و پاسخ هایی در زمینه حجاب شناسی: چالش ها و کاوش های جدید.

عنوان دیگر : پرسش ها و پاسخ هایی در زمینه حجاب شناسی: چالش ها و کاوش های جدید

موضوع : حجاب

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم. مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت

رده بندی کنگره : 17/230BP/م873ح3 1381

رده بندی دیویی : 297/636

شماره کتابشناسی ملی : م 81-39097

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

حجاب شناسي

چالش ها و كاوش هاي جديد

حسين مهدي زاده

مرکز مطالعات و پژوهش هاي فرهنگي حوزه ي علميه

ص: 2

پیش‌کش به :

فاطمه ی زهرا - علیها السلام - دختر نبوت، همسر ولایت و مادر امامت، بانویی که با انتخاب لباس و پوشش قرآنی، بهترین الگو و مبلغ عملی حجاب برای همه ی بانوان مسلمان و عقیف در تمام تاریخ است. بانویی که انسان هایی تربیت کرد که هر یک تا ابد مشعل هدایت بشریت اند.

ص: 3

مقام معظم رهبري حضرت آيت الله خامنه اي (حفظه الله تعالى):

ساليان دراز، با تمام وسايل روي اين انحراف (بي حجابي و بدحجابي) كار شده است؛ بايد با آن مبارزه كرد، چگونه مي شود با آن مبارزه كرد؟ براي مردم خود ما هم هنوز - حداقل براي يك عده - نامعلوم است.

خيلي از خانم ها متدين و مسلمان اند و به انقلاب عقیده دارند، ولي مسئله ي حجاب براي آنها روشن نيست. حرفي ندارند حجاب را رعايت مي كنند؛ اما واقعاً حجاب در ذهن آنها سؤال و مسئله است.

بايد به اين ها پاسخ داده شود. ما ابهامي نداريم. براي ما و براي خيلي هاي ديگر قضيه روشن است، ولي خوب، بايد اين واضح و پيرامون آن روشن گري شود. براي همه روشن شود؛ و اين كاري است لازم. اين هم كاري فرهنگي است كه بنده زياد روي آن اصرار داشته و دارم. (1)

ص: 4

1- «حجاب و آزادي»، مجموعه ي مقالات كنگره ي اسلام و زن، ص 24 - 25.

مقدمه... هشت

دبیاچه..... 1

ویژگی های نوشتار حاضر.... 12

فصل اول: مفهوم، فلسفه و فواید حجاب

مفهوم و ابعاد حجاب..... 18

رابطه ی حجاب و عفاف.... 22

هدف و فلسفه ی حجاب..... 26

آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف..... 30

الف) فایده ی حجاب در بُعد فردی.... 30

ب) فایده ی حجاب در بُعد خانوادگی.... 32

ج) فایده ی حجاب در بُعد اجتماعی.... 33

د) فایده ی حجاب در بُعد اقتصادی... 34

فصل دوم: تاریخچه ی اجمالی حجاب و حجاب زدایی

علل شکست حرکت های کشف حجاب.... 38

ص: 5

الف) فطري بودن حجاب 39

ب) ديني بودن حجاب.... 42

ج) آگاهي زنان و دختران از فوايد حجاب.... 43

منشأ حرکت هاي بي حجايي و بدحجايي..... 46

رابطه ي حجاب در شکل چادر، با دين و تاريخ ملي.... 52

فصل سوم: چارچوب اسلامي حجاب

نگاهي اجمالي به شکل هاي حجاب قرآني بانوان... 64

الف) خمار.... 65

ب) جلباب... 67

فلسفه ي تفاوت پوشش زن و مرد..... 68

كيفيت حجاب و پوشش فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) 71

رنگ جلباب و چادر قرآني... 73

نگاهي اجمالي به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشكي.... 76

فصل چهارم: تعارض نمایی حجاب و آزادي

رابطه ي حد و مرزهاي پوشش و عقده ها و حسرت ها.... 91

حدود آزادي اظهار نظر درباره ي حجاب و لباس... 95

رابطه ي حجاب و فشارهاي اجتماعي... 98

رابطه ي حجاب و پوشش و مسئله آزادي..... 101

سوء استفاده از عواطف مذهبي جوانان در مقوله ي حجاب... 104

لباس و پوشش و حق انتخاب آن... 107

فصل پنجم: کارآمدی حجاب و چادر مشکی

مسئله ی دست و پاگیر بودن حجاب در شکل چادر... 114

حجاب مشکی در تابستان... 115

رابطه ی حجاب مشکی و بیماری های استخوانی... 123

رابطه ی حجاب مشکی و افسردگی و اندوهناکی... 124

آیا بانوان مشکی پوش نمی توانند رنگ های غیر مشکی را بشناسند؟ 136 نتیجه گیری 140

پیش نهادها و توصیه ها... 143

پیوست: استفتائات و دیدگاه های مراجع تقلید درباره ی حجاب و لباس... 157

فهرست گزیده منابع... 177

ص: 7

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده اند. این آموزه های هستمندان و بایستی از خالق حکیمی تجلی می یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با این فلسفه و حکمت حکیمانه صادر شده است.

زن با عنصر حجاب اسلامی، به تهذیب و تزکیه ی نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم ساخته و زمینه ی رشد معنوی مردان را در اثر حفظ نگاه تأمین می کند؛ هم چنان که خداوند سبحان خطاب به پیامبر می فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشم های خود را از نگاه ناروا بپوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است»؛⁽¹⁾ هم چنین می فرماید: «به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشان را به چادرهای خود فرو پوشند که این کار برای این است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند؛ خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.»⁽²⁾ شایان ذکر است

ص: 8

1- . سوره ی نور (24)، آیه ی 30.

2- . سوره ی احزاب (33)، آیه ی 59.

که حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلیات و ملکات نفسانی آدمیان مؤثر نمی باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز و التهاب های جسمی، و معاشرت های بی بندوبار را کنترل، و بر تحکیم نظام خانواده افزوده، و از انحلال کانون محکم زناشویی جلوگیری نموده، و امنیت اجتماعی را فراهم می سازد.

البته و صد البته که حفظ نظام خانواده از مهم ترین ارزش های آدمی است. آنان که میان نظام خانواده و روابط نامشروع تمایز قایل نیستند؛ به لحاظ معرفتی، نسبی گرایی و معیار سنجش معرفت صحیح از سقیم را انکار می کنند. این گروه، حتی برای رویکرد و اندیشه ی خود نیز ارزش معرفتی قایل نیستند و همیشه در شکاکیت مطلق گرفتارند. کسی که هدفمندانه زیست کند، برای رفتارها و اندیشه ها، معیارمندانه دست به گزینش می زند، تا به اهداف متعالی انسانی و الهی دست یازد؛ و حفظ حجاب و پوشش اسلامی و به تبع آن، حفظ نظام خانواده نیز از آن رو ارزش دارند که تأمین کننده ی سعادت آدمی و منشأ قرب الهی هستند.

حال اگر کسانی با نگاه دینی و اسلامی و یا با رویکرد جامعه شناختی و روان شناختی، مسئله ی حجاب را ارزیابی کنند، به کارکردهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی آن پی برده، به تأیید و ترویج آن اقدام می کنند؛ بنابراین، پوشش اسلامی زن به منزله ی یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر

افراد نامحرم است که مصونیت اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازاری باطنی را فراهم می سازد.

چالش ها و پرسش های معاصر که ذهن نسل جوان را به خود مشغول ساخته، حوزه ی پوشش و حجاب اسلامی را نیز دربر گرفته است؛ مسائلی هم چون: آثار و فواید حجاب، رابطه ی حجاب و عفاف، فلسفه ی تفاوت پوشش زن و مرد، رنگ مشکی چادر، رابطه ی حجاب و آزادی، پوشش و حق انتخاب، نوع حجاب و...

محقق فرزانه جناب حجت الاسلام حسین مهدی زاده از پژوهشگران گروه تربیت و مشاوره ی مرکز، در پاسخ گویی به پرسش های فوق، از توفیق خوبی برخوردار بوده است.

در پایان بر خود لازم می دانم از تلاش محقق عزیز؛ و نیز از حجج اسلام سید محمد علی داعی نژاد (معاونت پژوهشی)، اسدالله طوسی (مدیر گروه تربیت و مشاوره) و حمید کریمی (مدیر پروژه ها) و سایر مدیران و کارمندان مرکز که در آماده سازی این اثر، تلاش مخلصانه نموده اند؛ به ویژه از حضرت حجت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، مدیر مرکز مدیریت حوزه و مدیر مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، تقدیر و تشکر نمایم.

عبدالحسین خسروپناه

جانشین مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی

حوزه علمیه

عید سعید فطر 1423

ص: 10

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (1)

ای فرزند آدم، برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه ی زینت شماس است و لباس تقوا بهترین است. این از آیات خداست؛ باشد که متذکر شده، پند گیرند. ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. پوشش از تن آنان برکند و قبايح آنان را در نظرشان پدیدار نمود؛ همانا که

ص: 1

شیطان و بستگانش شما را می بینند، در صورتی که شما آنها را نمی بینید. ما شیطان را دوست دار آنان که ایمان نمی آورند، قرار دادیم.

پیشینه ی حجاب و پوشش انسان به اندازه ی تاریخ آفرینش اوست. پوشش و لباس هر انسانی پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که او بر در خانه ی وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می کند؛ هم چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی خویش ابراز می کند؛ هر انسانی که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دل بسته است، لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن به در نخواهد کرد. (1)

حجاب و پوشش بارزترین نشانه ی فرهنگی و نماد ملی است که به سرعت تحت تأثیر سایر پدیده های فرهنگی قرار می گیرد.

هر نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی، با تغییر در پوشش مردم مشخص می گردد؛ چنان که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری نیز، در اولین مرحله، از طریق تغییر در پوشش مردم چهره می نماید.

چون استعمار و استکبار نتوانست انقلاب اسلامی ایران را از راه نظامی مهار نماید، اکنون با تغییر تاکتیک و روش، تلاش می کند از طریق

ص: 2

1- . غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 40.

فرهنگی، آن را دچار استحاله و تغییر هویت نماید. یکی از روش های استکبار برای نفوذ فرهنگی، تشکیک و القای شبهه در مبانی دینی مردم است که طی چند سال اخیر شتاب بیش تری گرفته است.⁽¹⁾

به اعتقاد ما چون دشمن به فرهنگ ما هجوم آورده است، باید به جهاد فرهنگی با آن برخیزیم؛ و جهاد فرهنگی، سربازانِ جان برکفِ جبهه ی فرهنگ و اندیشه ی دینی را به حضور در خط مقدم این جهاد مقدس فرا می خواند؛ از این رو، نگارنده با توجه به توانایی خود تلاش نموده تا در این جهاد فرهنگی شرکت نماید.

چون طرح نوشتار حاضر به صورت پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات است؛ لذا مناسب است نخست به تفاوت «پرسش» و «شبهه» اشاره گردد.

تفاوت ماهوی و اصلی پرسش و شبهه این است که معمولاً پرسش به قصد یافتن حق و حقیقت و با نیت صادقانه صورت می گیرد، ولی تشکیک و شبهه به قصد گم کردن حق و حقیقت و با نیت غیر صادقانه صورت می گیرد؛ از این رو عقل و نقل، پرسش از افراد صاحب نظر و

ص: 3

1- . برای آگاهی از افزایش حجم کمی و کیفی شبهات در چند سال اخیر ر.ک: آزادی یا توطئه، (نگاهی به کارنامه ی مطبوعات شبهه افکن).

شایسته را می ستایید و به آن توصیه می کند؛ چنان که قرآن مجید می فرماید:

فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ (1) اگر نمی دانید از اهل ذکر (علما و دانشمندان) سؤال کنید.

هم چنین پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در روایتی فرموده اند:

العلم خزائن و مفاتيحه السؤال فاستلوا رحمكم الله فإنه يوجر اربعة السائل و المتكلم و المستمع و المحب لهم؛ (2) علم گنجینه های است و پرسش، کلیدهای آن؛ پس پرسید آنچه را نمی دانید، تا مشمول رحمت خدا قرار گیرید. همانا چهار گروه در ضمن يك پرسش اجر و ثواب دارند: پرسش کننده، پاسخ دهنده، شنونده و دوست دار آن ها.

در مقابل پرسش گری به جا و شایسته، که به آن توصیه شده است، عقل و نقل، آلوده شدن به شبهات و وقوع در آن ها را امری مذموم و ناپسند می دانند؛ همان گونه که انسان از آلودگی جسمی دوری می جوید، باید از شبهات آلوده کننده ی روح و روان نیز اجتناب نماید:

ایک و الوقوع في الشبهات؛ (3) بر حذر باش از قرار گرفتن در شبهه ها.

ص: 4

1- . سوره ي نحل (16)، آیه ي 43.

2- . محمدي ري شهري، ميزان الحكمه، ج 4، ص 330. واژه سؤال.

3- . آمدی، غرر الحكم و درر الكلم، ص 72، ح 1082.

نه تنها انسان از وقوع در شبهه منع شده است، بلکه پس از وقوع در شبهات و آلودگی ذهن و دین، انسان به شبهه زدایی و پاک سازی مکلف شده است:

نَزَّهُوا أَدْيَانَكُمْ عَنِ الشَّبَهَاتِ وَصُونُوا أَنْفُسَكُمْ عَنِ مَوَاقِفِ الرِّيبِ الْمَوْبِقَاتِ (1)؛ دین خود را از شبهه ها پاک و خالص کنید و خودتان را از مکان های شبهه خیز و هلاک کننده حفظ کنید.

ارسله بالدين المشهور... از احةً للشبهات؛ (2) امیر مؤمنان امام علي (عَلَيْهِ السَّلَام) یکی از اهداف و رسالت های دینی پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را از بین بردن شبهات ذکر کرده است.

در حدیثی درباره ی وجه تسمیه و علت نام گذاری شبهه آمده است:

انَّمَا سَمَّيْتُ الشَّبَهَةَ شَبَهَةً لِأَنَّهَا تُشَبُّهُ الْحَقُّ؛ (3) شبهه را به این علت شبهه می گویند که حق نیست، ولی به حق شباهت دارد.

شبهه باطلی حق نماست که تناسب جزئی و مقطعی در آن رعایت شده است؛ به گونه ای که جلوه ی تناسب فرعی، چشم افراد دارای

ص: 5

1- . همان، ص 73، ح 1085.

2- . نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه ی دوم، ص 46.

3- . آمدی، همان، ص 72، ح 1083.

آگاهی اندك را خیره نموده، باعث می شود آن را حق بدانند؛ ولی به دلیل عدم رعایت تناسبات اصلی و محوری در حوزه ی باطل قرار دارد. میزان تأثیر شبه به مقدار هماهنگی درونی و بیرونی آن بستگی دارد؛ هر چه شبه به مرز حق نزدیک تر باشد، شمار بیش تری را گرفتار می کند و باعث اشتباه دیگران و در دام افتادن آنان می گردد. (1)

در سال های اخیر، روند شبهات درباره ی حجاب شدت یافته است. برای تصدیق این مدعا کافی است به مقالات مطبوعاتی و نمایه های آن مراجعه گردد. مطرح کردن شبهات فراوان در زمینه ی حجاب برتر به همراه عوامل دیگر؛ مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از حجاب اسلامی و ضرورت آن و... موجب افت روند استفاده از مصادیق حجاب برتر در جامعه شده است، که نتیجه ی اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات، رواج پوشش های نامناسب، مانند لباس های نازک، کوتاه و رنگین در بین دختران و زنان جوان در مقابل نامحرمان است؛ چون یکی از عوامل مهم سلامت روحی و روانی جامعه ی اسلامی، روی آوردن بانوان به مصادیق حجاب برتر است؛ لذا سعی نگارنده، پاسخ گویی به شبهات مهم درباره ی حجاب برتر است. سنگ بنای تمام مطالب طرح شده در نوشتار حاضر، این است که پوشش انسان، خصوصاً بانوان، دارای

ص: 6

1- . علی اکبر نصرتی، سحر شبه، ماه نامه ی اطلاع رسانی مبلغان، شماره ی 3، مهر ماه 1377، ضمیمه ی بصائر، ویژه ی خبرنگاران سوم، ص 149.

حداقل و حداکثر است؛ و از مجموع آموزه های اسلامی به روشنی استفاده می شود که اسلام مشوق و طرف دار حجاب و پوشش حداکثر برای زنان و دختران در مقابل نامحرمان است.

ادعای فوق با استناد به آیات و روایات، و حجاب و پوشش بیش تر و برتر فاطمه ی زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) به راحتی اثبات می شود. قرآن کریم می فرماید:

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ عَنْ تِيَابِهِنَّ غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِرِيبَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (1) و زنان سال خورده که از ولادت و عادت باز نشسته اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست، اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه های رویی خود نزد نامحرمان از تن بگیرند و اگر باز هم عفت و تقوای بیش تر گزینند، بر آنان بهتر است.

در آیه ی فوق خداوند نخست به زنان سالمند اجازه داده است در مقابل نامحرم، بعضی لباس های رویی و بیرونی - که در روایت معتبره به جلباب (چادر) تفسیر شده است - (2)

را از خود بگیرند؛ ولی در آخر آیه

ص: 7

1- . سوره ی توبه (9)، آیه ی 60.

2- . عن ابي عبد الله عليه السلام قال: القواعد من النساء ليس عليهن جناح ان يضعن ثيابهن. قال: تضع الجلباب وحده. حر عاملي، وسائل الشيعه، ج 14، ابواب مقدمات نكاح، باب 110، حكم القواعد من النساء، ص 147، حديث 3. درباره ی مفهوم جلباب و هم گرایی و شباهت بسیار نزدیک آن با چادر در فصل دوم به طور استدلالی بحث خواهد شد.

میفرماید: حتی اگر زنان پیر نیز در مقابل نامحرم، چادر خویش را بر زمین نگذارند و عفت ورزند، برای آنان بهتر است؛ بنابراین، از آیه ی مذکور به روشنی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش تر، حتی برای زنان سالمند استفاده می شود، تا چه رسد به زنان و دختران جوان، که احتمال تعرض افراد لایابالی و فاسد نسبت به آنان بیش تر است، و به طریق اولی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش تر برای آنان اثبات می گردد.

علاوه بر این، در روایتی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده است:

یا ایها الناس اتخذوا السراویلات فأنها من استر ثيابکم و حصنوا بها نساءکم اذا خرجن؛⁽¹⁾ ای مردم از شلوارها برای پوشش استفاده کنید؛ زیرا از پوشاننده ترین لباس ها هستند و زنان خود را هنگامی که از منزل خارج می شوند از طریق استفاده از شلوار حفظ کنید.

در روایت فوق عبارت «استر ثيابکم و حصنوا بها نساءکم اذا خرجن» به خوبی دلالت بر مطلوبیت پوشش کامل زنان در خارج از منزل می نماید.

علاوه بر این، امیر مؤمنان امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روایتی، حجاب و پوشش کامل زنان را باعث حفظ عفت و پاکي آنان دانسته اند:

«ان شدة الحجاب ابقي عليهن».⁽²⁾

ص: 8

1- . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 259، واژه ی حجاب.

2- . نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه ی 31.

هم چنین قرآن کریم، استفاده از شکل های حجاب دارای پوشش بهتر و بیش تر، مثل خمار(1) (مقنعه) و جلباب(2)

(چادر) را توصیه نموده است. فاطمه ی زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد، برای دفاع از فدک، از همین حجاب های قرآنی استفاده کرده اند.(3)

آنچه ذکر شد، شواهد و قراین مستحکم و روشنی است که مطلوبیت حجاب و پوشش اکثر و بیش تر را برای بانوان و دختران جوان اثبات می نماید.(4) با توجه به برخورداري حجاب و پوشش از مقدار حداقلی و حداکثری و مطلوبیت حجاب و پوشش اکثری، خصوصاً برای زنان و دختران جوان آشکار خواهد شد که دفاع از پوشش هایی، مانند لباس ضخیم، بلند و دارای رنگ سنگین، مقنعه، چادر مشکی و غیره در نوشته ی حاضر، به این دلیل است که این گونه لباس ها و حجاب ها، مصادیق و نمونه های حجاب و پوشش بیش تر و بهتر برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم به شمار می آیند.

همان خداوندی که برای مصون ماندن جسم از ورود میکروب ها در اعضای بدن انسان، حجاب ها و حفاظ های طبیعی، مانند پوست بدن، پلک

ص: 9

1- . سوره ی نور (24)، آیه ی 31. (و لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ).

2- . سوره ی احزاب (33)، آیه ی 59. (يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ).

3- . طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 97- 98. (لا تخرن حمارها علی راسها واشتملت بجلبابها).

4- . علاوه بر ادله ی مذکور، در لابلای اثر حاضر با شواهد و قراین زیادی که اثبات کننده ی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش تر برای بانوان در مقابل نامحرم است آشنا خواهید شد.

چشم، و... قرار داده است، به عنوان طبیب روحانی، برای جلوگیری از آلودگی روح و روان انسان به گناه، و حفظ پاکی آن، حجاب ها و حفاظ هایی را به شکل دستورهایی الهی و انجام واجبات و ترك محرمات قرار داده است.

در روایتی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده است:

يا عباد الله انتم كالمرضى ورب العالمين كالطبيب فصلاح المرضى فيما يعلم الطبيب ويداوي به لا فيما يشتهي المريض و يقترحه الا فسلمو لله امره تكونوا من الفائزين؛⁽¹⁾ ای بندگان خدا، شما همانند انسان های بیمار، و پروردگار جهان همانند طبیب است، پس خیر و صلاح انسان های مریض در گوش دادن به علم و تدبیر طبیب است، نه پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی و آنچه پیشنهاد می کند؛ متوجه و تسلیم دستور خدا باشید تا از رستگاران قرار گیرید.

تسلیم شدن در مقابل دستورهایی خداوند به وجود آورنده ی حفاظ و لباس تقواست که بهترین لباس و پوشش درونی است:

وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ⁽²⁾

ص: 10

1- . محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج 1، ص 313، به نقل از مجموعه ی ورام، ج 2، ص 117.

2- . سوره ی اعراف (7)، آیه ی 26.

و بدون تردید، لزوم حجاب و پوشش، یکی از مهم ترین واجبات الهی برای زنان و تأمین کننده ی عفت و تقوای آنان است. تقوا در فرهنگ اسلامی يك حجاب و مانع درونی و باطنی در مقابل گناه است که آثار آن در رفتار ظاهری و بیرونی تجلی می یابد. تقوا والاترین ارزش اسلامی و ملاک سنجش ارزش انسان ها نسبت به یکدیگر است:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ (1)

چون تقوا دارای درجات و مراتب مختلف است، قرآن انسان ها را به کسب مراتب و درجات بالاتر آن تشویق نموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ. (2)

اگر تقوا را دارای سه درجه ی «حداقل»، «حد وسط» و «حداکثر» بدانیم، از دو واژه ی «اکرم» و «اتقی» در آیه ی فوق، که افعال تفضیل اند، به روشنی استفاده می شود که در فرهنگ اسلامی، تحصیل حداکثر تقوا مطلوب است؛ بنابراین، نمی توان به حد متوسط تقوا

راضی شد و افراط و زیاده روی در آن را مذموم دانست؛ زیرا برای رشد و تعالی، که به وسیله ی تقوا حاصل می گردد و هدف خلقت انسان است، نمی توان حد و مرزی را تعیین نمود؛ در نتیجه حجاب و پوشش زنان نیز از جمله اموری است که

ص: 11

1- .سوره ی حجرات (49)، آیه ی 13.

2- .سوره ی آل عمران (3)، آیه ی 102.

حداکثر آن مطلوب و راجح است؛ زیرا حجاب و پوشش نقش مهمی در ایجاد عفاف و تقوا دارد.

پس از توضیحات فوق که به منزله‌ی شالوده و سنگ بنای فصل‌های نوشته حاضر می‌باشد شایسته است توضیح مختصری درباره‌ی ویژگی‌های این اثر ارائه گردد.

ویژگی‌های نوشتار حاضر

1. برای پاسخ‌گویی به شبهات، از روش پرسش و پاسخ که در قرآن نیز فراوان به کار رفته، (1) استفاده شده است.

2. تاکنون درباره‌ی پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات حجاب، کتاب‌های بسیار خوبی، مانند کتاب ارزشمند مسئله‌ی حجاب استاد مطهری، نگاشته شده است؛ ولی چون گذشت زمان باعث می‌شود که درباره‌ی مسائل مختلف و از جمله مبانی دینی حجاب، پرسش‌ها و شبهات جدیدی مطرح گردد؛ از این رو، در این اثر پرسش‌ها و شبهات جدید حجاب مورد توجه قرار گرفته است. برای دست‌یابی به پرسش‌ها و

ص: 12

1- . در قرآن کریم، علاوه بر موارد فراوانی که به طور ضمنی، از روش پرسش و پاسخ استفاده شده، در پانزده مورد نیز به طور صریح از روش پرسش و پاسخ استفاده گردیده است. در این موارد، عبارت «یسئلونک» حاکی از پرسش دیگران از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و کلمه‌ی «قل» مبین پاسخ آن پرسش‌هاست؛ مثل «یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربي»: سوره‌ی اسراء (17)، آیه‌ی 85.

شبهاه نو، علاوه بر مراجعه به روزنامه ها و مجلات، كه معمولاً منعكس كننده ي شبهاه جديد و روزمره هستند، به كتاب هايي كه به نحوي پاسخ شبهاه حجاب را مطرح كرده اند نيز مراجعه شده است، تا از ذكر مطالب تكراري پيش گيري شود.

3. علاوه بر شبهاه ها، بعضاً پرسش هاي مهم و متناسب نيز مطرح و پاسخ گفته شده است؛ البته با توجه به تفاوت ماهوي ذكر شده براي پرسش و شبهاه، موارد آن دو به گونه اي متمايز شده اند.

4. احتمالات مختلف هر پرسش و شبهاه، تا حد مقدور، كالبه شكافي شده و پاسخ هر يك از آنها بيان گشته است، تا اولاً در ذهن مخاطب ابهامي نسبت به پرسش و شبهاه ي طرح شده باقي نماند؛ و ثانياً باعث افزايش دقت علمي و موشكافي مخاطبان و افزايش توان پاسخ گويي آنها در مواجهه با پرسش ها و شبهاه هاي ديگر گردد.

5. تمام شبهاه، با ذكر مشخصات و سند و مدرك طرح شده است، تا براي افراي كه به دنبال كشف حقيقت اند، ولي ترديد دارند كه بعضي از مطبوعات در هجوم فرهنگي غرب، پايبگاه دشمن قرار گرفته اند نيز آشكار گردد كه چگونه امروز عده اي از طريق فرهنگي و با سلاح قلم و ابزار مطبوعات، مقاله و كتاب، قلب و ذهن پاك جوانان اين مرز و بوم را با روش تبليغات القايي منفي مورد هدف قرار مي دهند و تلاش مي كنند تا از

طریق غذای روحی و فکری مسموم، مبانی فکری و عقیدتی آنها را متزلزل نمایند.

6. علاوه بر استفاده از تحلیل های عقلی، از ادله ی نقلی و آیات و روایات نیز فراوان استفاده شده است، تا هم کارآمدی و لزوم هماهنگی عقل و نقل در پاسخ گویی به شبهه ها، به طور عملی برای مخاطبان ترسیم شود، و هم جوانان عزیز از معارف نشأت گرفته از دو چشمه ی جوشان قرآن و حدیث، به طور گسترده سیراب شوند.

7. به دلیل ارتباط مباحث حجاب و پوشش با مباحث روان شناسی رنگ ها و روان شناسی لباس و تفاوت های روان شناختی زن و مرد، سعی شده با استفاده از برخی منابع مربوط، نادرستی عمل بعضی از مطبوعات شبهه افکن که قصد دارند با دادن آب و رنگ علمی به بعضی از شبهات، حجاب برتر را مخدوش کنند روشن گردد.

8. چون بخش زیادی از شبهات حجاب در سال های اخیر، مربوط به مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و مخصوصاً چادر مشکی بوده است، از این رو طبیعی است که قسمت فراوانی از مطالب این کتاب، به ویژه فصل های دوم، سوم و پنجم در دفاع از مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و چادر مشکی و اثبات مطلوبیت و برتری این گونه حجاب ها با ادله ی عقلی و نقلی فراوان باشد.

9. یکی از یافته های پژوهشی جدید این اثر، بحث از هم گرایی و مشابهت های بسیار نزدیک چادر مشکی با جلباب قرآنی است. نگارنده در ضمن تحقیق و پژوهش درباره ی جلباب قرآنی، به قراین و شواهد متعددی دست یافته است که حاکی از شباهت های بسیار نزدیک چادر مشکی و جلباب قرآنی است.

10. سطح مطالب کتاب به گونه ای است که دانش آموزان دختر مقاطع راهنمایی و دبیرستان می توانند از آن استفاده کنند.

در پایان یادآور می شوم؛ چنانچه این نوشتار تأثیر مطلوبی در مخاطبان داشته باشد به برکت همراهی آن با کلمات نورانی قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است و اگر تأثیر نامطلوبی داشته باشد به خاطر ضعف علمی نگارنده است؛ چون طبیعی است که آثار علمی افراد عادی غیر معصوم، کم و بیش دارای اشکالات و نواقصی است؛ بنابراین، از خوانندگان ارجمند تقاضا دارم ما را از لطف خود محروم نمایند و اشکالات و نواقص این اثر را متذکر شوند، تا در چاپ های بعدی مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

حسین مهدی زاده

دی ماه 1381

ص: 15

فصل اول: مفهوم، فلسفه و فواید حجاب

اشاره

ص: 16

فصل اول این اثر، پاسخ گوی شبهات و سؤالاتی درباره ی مفهوم و ابعاد حجاب اسلامی، رابطه ی حجاب و عفاف، فلسفه ی تشریح حکم حجاب و آثار و فواید حجاب و پوشش اسلامی است.

مفهوم و ابعاد حجاب

* مفهوم حجاب چیست و از نظر قرآن و حدیث، حجاب و پوشش اسلامی دارای چه ابعاد و اقسامی است؟

* حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است(1).

استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است(2). این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب

ص: 18

1- . جوهری، صحاح اللغة، الحجاب: الستر؛ فیومی، المصباح المنیر، حجه حجباً من باب قتل: منعه و منه قیل للستر الحجاب لانه یمنع المشاهده.

2- . در قرآن این کلمه در هشت مورد به کار رفته که بیش تر به معنای حاجز، مانع، حایل و پرده است.

نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (1).

در این نوشتار مراد ما از حجاب، پوشش اسلامی است، و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویب اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.

بنابراین، حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

گاهی مشاهده می کنیم که بسیاری از زنان محجبه در پوشش خود از رنگ های شاد و زیبا و تحریک برانگیز استفاده می کنند که به اندامشان زیبایی خاصی می بخشد و در عین پوشیده بودن بدن زن، زیبایی اش

ص: 19

آشکار است، گویی که اصلاً لباس پوشیده است(1)؛

و این دور از روح حجاب است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده اند:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ(2)؛ ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا ببوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ(3)؛ ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا ببوشند.

ص: 20

1- . علامه سیدمحمدحسین فضل الله، مجله ی پیام زن، «جوانان، ورزش و حجاب» شماره ی 74، ص 19.

2- . سوره ی نور (24)، آیه ی 30.

3- . سوره ی نور (24)، آیه ی 31.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:

فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (1)؛ پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند:

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (2)؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

ص: 21

1- . سوره ی احزاب (33)، آیه ی 32.

2- . سوره ی نور (24)، آیه ی 31.

چشم و دل را پرده مي بایست اما از عفاف *** چادر پوشیده بنیاد مسلمانی نبود(1)

شبهه: بعضی با تمسک به شعر فوق، ادعا نموده اند که بین حجاب و عفاف رابطه ای نیست؛ عفاف لازم است، اما حجاب لازم نیست. گاه همین مطلب با تمسک به حجاب و پوشش زنان روستایی و زنان شالیزار شمال کشور توجیه می شود که آنها حجاب کامل ندارند، ولی عقیف هستند. (2) آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: قبلاً ذکر شد که حجاب در کتاب های لغت به معنای پوشش، پرده و مانع آمده است. به نگهبان، حاجب می گویند؛ چون مانع ورود اغیار و بیگانگان در يك حریم و محیط خاص می گردد.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله ي يك حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه ي لغوی عفت نیز وجود دارد(3)؛

ص: 22

1- . پروین اعتصامی، دیوان شعر، ص 154.

2- . کیهان لندن، 11/3/1374.

3- . الف) العفة: الكفّ عما لا یحلّ ولا یجمل؛ ابن منظور، لسان العرب، واژه ي عفت. ب) العفة: حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة، راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، واژه ي عفت. ج) عفت عن الشيء: امتنع عنه؛ فیومی، المصباح المنیر، واژه ي عفت.

بنابراین، دو واژه ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترك اند. تفاوتی که بین منع و بازداري حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداري در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداري در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت يك حالت دروني است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی های عمومی انسان است؛⁽¹⁾

بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهري و عفت و بازداري باطني انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهري بیش تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه ی باطني و دروني عفت، تأثیر بیش تري دارد؛ و بالعکس هرچه عفت دروني و باطني بیش تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهري بیش تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می گردد. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می دهد که بدون قصد تبرّج و خودنمایی، لباس های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس هایی مثل چادر را نیز بر ندارند، بهتر است.

ص: 23

1- ر. ک: خسرو باقري، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامي»، بحث ویژگی های عمومی انسان، ص 66 - 73.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ عَنْ نِيَابِهِنَّ عُيْرَ مَتَرِّجَاتٍ بَيْنَهُنَّ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (1)

علاوه بر رابطه ي قبل، بين پوشش ظاهري و عفت باطني، رابطه ي علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به اين معنا که مقدار حجاب ظاهري، نشانه اي از مرحله ي خاصي از عفت باطني صاحب حجاب است. البته اين مطلب به اين معنا نيست که هر زني که حجاب و پوشش ظاهري داشت، لزوماً از همه ي مراتب عفت و پاکدامني نیز برخوردار است.

با توجه به همين نکته، پاسخ اين اشکال و شبهه ي افراي که براي ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهري، تخلفات بعضي از زنان با حجاب را بهانه قرار مي دهند آشکار مي گردد؛ زیرا مشکل اين عده از زنان، ضعف در حجاب باطني و فقدان ايمان و اعتقاد قوي به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهري است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامي ابعادي گسترده دارد و يکي از مهم ترين و اساسي ترين ابعاد آن، حجاب دروني و باطني و ذهني است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقايد و ايمان

ص: 24

1- . سوره ي نور، آيه ي 60؛ اين که ثياب در آيه ي شريفه را به چادر معنا کرديم، به علت روايات متعددي است که آن را به جلباب تفسير کرده است. و در مباحث آينده آشکار خواهد شد که جلباب به معنای چادر است. براي آشنايي با رواياتي که ثياب در آيه ي شريفه را به جلباب تفسير کرده اند، ر.ک: وسائل الشيعه، ج 14، ابواب مقدمات نکاح، باب 110، باب القواعد من النساء.

راسخ دروني برخوردار مي‌کند؛ و اساساً اين حجاب ذهني و عقيدتي، به منزله ي سنگ بناي ديگر حجاب ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهري است؛ زيرا افکار و عقايد انسان، شکل دهنده ي رفتارهاي اوست.

البته، همان گونه که حجاب و پوشش ظاهري، لزوماً به معنای برخورداري از همه ي مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهري نیز قابل تصور نیست. نمی توان زن یا مردی را که عريان یا نیمه عريان در انظار عمومي ظاهر مي شود عفيف دانست؛ زیرا گفتيم که پوشش ظاهري یکی از علامت ها و نشانه هاي عفاف است، و بين مقدار عفاف و حجاب، رابطه ي تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. (1)

بعضي نیز رابطه ي عفاف و حجاب را از نوع رابطه ي ریشه و میوه دانسته اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه ي عفاف، و عفاف، ریشه ي حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهري داشته باشند، ولي عفاف و طهارت باطني را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهري است. از سوي ديگر، افراي ادعای عفاف کرده و با تعابيري، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب ها کار دارد»، خود را سرگرم مي کنند؛ چنین انسان هایی باید در قاموس اندیشه ي خود این نکته ي اساسي را بنگارند که

ص: 25

1- ر.ک: مهریزی، حجاب؛ سیدعلی سادات فخر «حجاب ارزش یا روش»، کتاب نقد، ش 17 (فمینیسم) و ناهید طیبی، «حجاب و عفاف، مروري دوباره» مجله ي پیام زن، ش 95 و 96. مؤسسه فرهنگي دارالحدیث، مجله ي حدیث زندگی، ویژه ي عفاف. شماره ي 6، مرداد و شهریور 1381.

درون پاك، بيروني پاك مي پرورانند و هرگز قلب پاك، موجب بارور شدن ميوه ي ناپاكِ بي حجابي نخواهد شد. (1)

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا؛ (2) زمين پاك نيكو گياهش به اذان خدا نيكو برآيد و زمين خشن ناپاك بيرون نياورد، جز گياه اندك و كم ثمر.

هدف و فلسفه ي حجاب

* هدف از تشريع حجاب اسلامي و فلسفه ي حجاب و پوشش چيست؟

* هدف اصلي تشريع احكام در اسلام، قرب به خداوند است كه به وسيله ي تزكيه ي نفس و تقوا به دست مي آيد:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ (3) بزرگوار و با افتخارترين شما نزد خدا با تقواترين شماست.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛

ص: 26

1- . ناهيد طيبي، «حجاب و عفاف مروري دوباره»، مجله ي پيام زن، شماره ي 95، ص 75 (با كم ي دخل و تصرف).

2- . سوره ي اعراف (7)، آيه ي 58. 4. سوره ي جمعه (62)، آيه ي 2.

3- . سوره ي حجرات (49)، آيه ي 13.

اوست خدایي که میان عرب امی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه ی جهالت و گمراهی بودند.

از قرآن کریم استفاده می شود که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی هم چون:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛ (1) ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ (2) و هرگاه از زنان رسول متاعی می طلبید از پس پرده بطلبید، که حجاب برای آن که دل های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است.

ص: 27

1- . سوره ی نور (24)، آیه ی 30.

2- . سوره ی احزاب (33)، آیه ی 53.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ عَنْ نِيَابِهِنَّ غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِرِزْقٍ وَرِزْقٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (1) و زنان سالخورده که از ولادت و عادت بازنشسته اند و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست که اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند، نزد نامحرمان جامه های خود را از تن بگیرند و اگر بازهم عفت و تقوای بیش تر گزینند، بر آنان بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و آگاه است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ (2) ای پیغمبر با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فروپوشند که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار

ص: 28

1- . سوره ي نور (24)، آيه ي 60.

2- . سوره ي احزاب (33)، آيه ي 59.

نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.

چون نگاه به نامحرم توسط مردان، باعث تحريك و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد می شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، به مردان نیز دستور به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر آنان حرام کرده است؛ چنان که از امام رضا(علیه السلام) نقل شده است:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجَبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدَّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ؛⁽¹⁾ نگاه به موهای زنان با حجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و آنان را به فساد فرا می خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته.

از مجموع آیات و حدیث فوق به خوبی استفاده می شود که هدف و فلسفه ی وجوب حجاب اسلامی، ایجاد تزکیه ی نفس، طهارت و عفت و پاکدامنی در بین افراد جامعه، و ایجاد صلاح و پیش گیری از فساد است.

ص: 29

1- . مجلسی، بحار الانوار، ج 104، ص 34.

* حجاب و پوشش دارای چه آثار و فوایدی است؟

* حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم ترین فواید آن عبارت اند از:

الف) فایده‌ی حجاب در بُعد فردی

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی بندوبار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. غریزه‌ی جنسی، غریزه‌ی نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیش تر اطاعت شود بیش تر سرکش می‌گردد؛ هم چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعله‌ورتر می‌گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی‌حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه‌ی جنسی بیش تر شده است، هجوم مردم به مسئله‌ی سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است. این مطلب پاسخ روشن و قاطع به افرادی است که قایل اند همه‌ی گرفتاری‌هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غریزه‌ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت هاست؛ و اگر به کلی هرگونه محدودیتی

برداشته شود و روابط جنسي آزاد شود، اين حرص و ولعي که وجود دارد، از بين مي رود.

البته از اين افراد بايد پرسيد؛ آيا غرب که محدوديت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است، حرص و ولع جنسي در بين آنان فروکش کرده است يا افزايش يافته است؟! (1)

پاسخ هر انسان واقع بين و منصفي به اين سؤال اين است که نه تنها حرص و ولع جنسي در غرب افزايش يافته است، بلکه هر روز شکل هاي جديدتري از تمتعات و بهره برداري هاي جنسي در آنها رواج و رسميت مي يابد.

يکي از زنان غربي منصف، وضعيت جامعه ي غرب را در مواجهه با غريزه ي جنسي اين گونه توصيف کرده است:

کساني مي گویند مسئله ي غريزه ي جنسي و مشکل زن و حجاب در جوامع غربي حل شده است؛ آري، اگر از زن روي گرداندن و به بچه و سگ و يا هم جنس روي آوردن حل مسئله است، البته مدتي است اين راه حل صورت گرفته است!! (2)

ص: 31

1- . براي آگاهي از ابعاد گسترش اين حرص و ولع ر.ك: جلال رفيع، يادداشت ها و ره آوردهاي سفر نيويورک، در بهشت شداد آمريکاي متمدن، آمريکاي متوحش.

2- . احمد صبوري اردوباري، آيين بهزيستي اسلام، ج 3، ص 302.

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیش تر کانون خانواده می گردد؛ و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این گونه بیان کرده است:

در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی

خود را نیز بر باد داده است؛ و همه ی خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده ها ایجاد می کنند. (1)

ج) فایده ی حجاب در بُعد اجتماعی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می یابد. برخلاف نظام ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت های اجتماعی را با لذت جویی های جنسی درهم می آمیزند، (2) اسلام می خواهد با رعایت

ص: 33

1- . غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 69-70.

2- . برای آگاهی از گستره ی کشانده شدن لذت های جنسی به محیط های کاری و اجتماع، و اعترافات صریح بعضی از زنان کشورهای غربی درباره ی مزاحمت های جنسی نسبت به زنان و کودکان، ر.ک: احمد صبوری اردوباری، بهای یک نگاه؛ محمدتقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج 2، و روح الله حسینیان، حریم عفاف.

حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت‌ها پاک شده، و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود(1).

(د) فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی

استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط این که خود چادر مشکی دست‌خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می‌گردد، به گونه‌ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح‌های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارند روی می‌آورند.

یکی از دانشجویان محجبه درباره‌ی رواج فرهنگ مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است:

ص: 34

1- . سه بُعد قبل، از کتاب مسئله‌ی حجاب، استاد مطهری، ص 84-94، (با دخل و تصرف) اقتباس شده است.

یادم می آید آن وقت ها که حجاب نداشتم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی شدم فردا بپوشم! احساس می کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را به عاریه بگیرم و بپوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم ها سلب کرده بود. (1)

علاوه بر فواید یاد شده، به طور فهرست وار فواید و آثار دیگری نیز برای حجاب و پوشش می توان نام برد، که مهم ترین آنها عبارتند از:

- حفظ ارزش های انسانی؛ مانند عفت، حیا و متانت در جامعه و کاهش مفاسد اجتماعی.

- هدایت، کنترل و بهره مندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی.

- تأمین و تضمین سلامت و پاکي نسل افراد جامعه. (2)

ص: 35

1- . ر.ك: احمد اردوباري، آيين بهزيستي اسلام، ج 3، ص 222.

2- . براي آگاهي بيشتري درباره ي آثار و فواید حجاب و پوشش ر.ك: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومين نمايشگاه تشخيص و منزلت زن در نظام اسلامي؛ هم چنين درباره ي ضررهاي بدحجابي ر.ك: اسدالله محمدي نيا، آنچه بايد يك زن بداند، بخش هاي 3، 4 و 5.

فصل دوّم: تاریخچه ی اجمالی حجاب و حجاب زدایی

اشاره

ص: 36

فصل دوم این اثر پاسخ‌گویی شبهات و پرسش‌های گوناگون، درباره‌ی علل شکست حرکت‌های استعماری کشف حجاب و عوامل گسترش حجاب اسلامی و منشأ حرکت‌های بدحجابی و بی‌حجابی در کشورهای اسلامی، و ارتباط حجاب، در شکل چادر، با دین و مذهب است.

علل شکست حرکت‌های کشف حجاب

اشاره

* چرا حرکت‌های گسترده‌ی کشف حجاب و حجاب‌زدایی، از سوی عوامل وابسته به استعمارگران، در بعضی کشورهای اسلامی، مثل افغانستان، ترکیه، ایران و... با شکست مواجه شده است؟

* حداقل سه علت مهم برای شکست حرکت‌های حجاب‌زدایی در کشورهای اسلامی می‌توان ذکر کرد:

ص: 38

به نظر مي رسد که عامل اصلي گرايش انسان ها، مخصوصاً زنان، به حجاب و پوشش، تأمين يك نياز فطري و دروني به نام حيا و شرم است.

شرم، يکي از صفات مخصوص انسان است؛ و انسان تنها حيواني است که اصرار دارد، دست کم، بعضي از اندام هاي خود را بپوشاند. پروفيسور اسوالد شوارتز، طبيب و روان شناس اتريشي، در کتاب روان شناسي جنسي درباره ي احساس شرم در انسان ها مي نويسد:

علاوه بر مردم شناسي، تجزيه و تحليل روان شناسي نيز ثابت مي کند که احساس شرم، يکي از صفات عمده ي نوع بشر است. هيچ قبيله ي اوليه اي، هر قدر هم بدوي بوده باشد، شناخته نشده است که از خود، شرم بروز ندهد و بچه هاي کوچک نيز شرم دارند. در طي دوران رشد بشر و هم چنين در خلال رشد افراد، بر وسعت موضوعاتي که مورد حمايت شرم قرار مي گيرند افزوده مي شود. حمايت، وظيفه ي مخصوصي است که به عهده ي شرم گذارده شده است. کاملاً معلوم است که شرم، قبل از همه چيز از اعضاي تناسلي و وظائف آنها حمايت مي کند... ادعاي پيش رفت و مدرنيزم خرقة اي بر تن بي خبري از ارزش هاي اساسي است؛ و شرم، نخستين قرباني اين گمراهي اخلاقي

است؛ مثلاً نهضت اعتقاد به لختي، نمونه ي وحشتناكي از اين ادعاست. (1)

علاوه بر مطالعات مردم شناسي و روان شناسي جنسي، از مطالعات تاريخي نيز استفاده مي شود كه انسان در هيچ مقطعي بدون پوشش زندگي نكرده است؛ (2)

و اين مطلب حاكي از وجود شرم و حياي ذاتي انسان است. از آيات مربوط به خلقت حضرت آدم و حوا نيز فطري بودن پوشش و حجاب استفاده مي شود. خداوند در قرآن به انسان ها هشدار مي دهد كه مواظب باشند مبدا همان گونه كه فتنه و فریب شیطان باعث برهنگی آدم و حوا گردید، موجب فریب و برهنگی آنان نیز بشود:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا. (3)

قرآن هم چنین از وسوسه ي شیطان براي برهنگی آدم و حوا خبر مي دهد:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ

سَوَاتِهِمَا. (4)

ص: 40

1- . به نقل از غلامعلي حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 68.

2- . براي آگاهی بیش تر ر.ك: روت ترنرویل کاکس، تاریخ لباس، ترجمه ي شیرین بزرگمهر؛ سیدمهدی قانع، «انسان، پوشش و ریشه هاي تاريخي»، مجله ي پیام زن، شماره هاي 18، 19 و 20.

3- . سوره ي اعراف (7)، آیه ي 27.

4- . سوره ي اعراف (7)، آیه ي 20.

و بالاخره قرآن از کارایی وسوسه ی شیطان نسبت به آدم و حوا و خوردن از شجره ی ممنوعه و در نتیجه، آشکار شدن زشتی های آدم و حوا و اقدام آن دو به پوشاندن بدن خود با برگ درختان خبر می دهد:

فَدَلَاهُمَا بِعُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتَا لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ. (1)

از تعبیر «بِنَزَعِ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا» و «لِيَبْدِيَ لَهُمَا مَا وَّرِي عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا» در آیات فوق به روشنی استفاده می شود که انسان قبل از ارتکاب خطا در بهشت دارای پوشش بوده است؛ هم چنین از تعبیر «طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» نیز استفاده می شود که به دلیل برخورداري آدم و حوا از حیا و شرم فطري، پس از برهنه شدن، فوراً بدن خود را با برگ درختان پوشاندند.

البته، علاوه بر عامل فطري که در پیدایش اصل پوشش دخالت اساسی داشته است، عوامل دیگری، مثل محفوظ ماندن بدن از سرما و گرما، گرایش به تجمل و زیبایی، شرایط محیطی، جغرافیایی، قومی و... در پیدایش تعدد و تنوع و مدل های مختلف پوشش مؤثر بوده اند.

ص: 41

حجاب یکی از احکام مسلم دین اسلام است که اصل آن از ضروریات می باشد و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد؛ بنابراین، به دلیل شدت وضوح دینی و شرعی بودن حجاب و پوشش، نیازی به بحث درباره ی آن نیست. (1)

همین دینی بودن حجاب باعث شده تا در تاریخ مبارزه با حرکت های حجاب زدایی، روحانیت و عالمان دینی، در صف نخست این گونه مبارزات قرار داشته باشند. در قضیه ی کشف حجاب به وسیله ی رضاخان، عالمان دینی و حوزه های علمیه، به دو صورت علمی و عملی با آن مبارزه نمودند. مواجهه ی علمی عالمان دینی در نگارش مقالات، رساله ها و کتاب های علمی در تبیین حجاب و فلسفه و فواید آن تبلور یافت. مواجهه ی عملی عالمان دینی در تحمل زندان ها، شکنجه ها و تبعیدها تحقق یافت که یکی از نقطه های اوج آن، قصه ی غم انگیز مسجد گوهرشاد مشهد مقدس است. (2)

ص: 42

- 1- . به رغم این که دینی و شرعی بودن حجاب از واضحات است، برخی در دینی بودن آن شبهه کرده اند. برای مطالعه ی بیش تر درباره ی شبهه ی مذکور و پاسخ آن ر.ک: مهدی مهریزی، «حجاب»، ص 19 - 27.
- 2- . برای آشنایی با قصه ی کشف حجاب و مبارزه ی علمی و عملی علمای دینی با کشف حجاب رضا خان ر.ک: مؤسسه ی فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب؛ حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، واقعه ی کشف حجاب؛ مدیریت پژوهش انتشارات و آموزش، خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه ی کشف حجاب؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد؛ فاطمه استادملک، حجاب و کشف حجاب در ایران.

بدون تردید، بین آگاهی و اعتقاد بیش تر و عمیق تر زنان نسبت به فواید حجاب و پوشش، و رعایت بیش تر حجاب توسط آنها، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد که نمونه‌ی بارز آن را در حجاب فاطمه‌ی زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و دیگر زنان اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) و اصرار آنان بر حفظ حجاب در شرایط سخت اسارت و اعتراض‌های افشاگرانه‌ی آنها در مقابل هتاک‌های مخالفان اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) می‌توان مشاهده نمود. (1)

نقش آگاهی زنان نسبت به فواید و فلسفه‌ی حجاب، در مقابله با نقشه‌های حجاب‌زدایی استعمارگران در مبارزه‌ی مردم الجزایر با دولت استعمارگر فرانسه (2) و هم‌چنین مقاومت دانشجویان دختر محجبه در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه نیز،

ص: 43

-
- 1- . به کلام حضرت زینب (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خطاب به یزید توجه کنید: امن العدل يا ابن الطلقاء تخديرك حريرك و امانك و سوقك بنات رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سبایا قد هتكت ستورهن و ابدیت و جوههن؛ ای پسر آن مردمی که جد من اسیرشان کرد و پس از آن آزادشان فرمود، آیا عادلانه است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده‌نشانی و دختران رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را اسیر به این سوی و آن سوی کشانی؛ پوشش آنها را بدری، روی آنان را بگشایی؟! شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص 254.
 - 2- . محبوه‌ی پلنگی، «زنان در الجزایر»، پیام زن، شماره‌ی 50 - 59.

قابل توجه است. جلوه ي ديگر تأثير آگاهي زنان بر عليه بي حجابي، قيام زنان آگاه ايراني در مقابل كشف حجاب رضا خان است. امام خميني (ره) در اين باره فرموده اند:

زن هاي ايراني هم قيام كردند بر ضدش و تودهنی به او زدند که ما نمی خواهیم این طور چیزی (کشف حجاب) را. (1)

البته مقاومت زنان آگاه و عفيف ايراني در مقابل نقشه هاي استعمارگران، حتي قبل از واقعه ي كشف حجاب رضاخان نیز سابقه داشته است. يکي از نويسندگان خارجي در تمجيد از ايستادگي زنان با حجاب ايراني در مقابل استعمارگران نوشته است:

درود و عزت بي حد، به زنان رويسته ي ايران باد. وي به عزم ثابت سيصد زن شجاع اشاره مي کند که با چادر سياه و نقاب سفيد، در حالي که بسياري از آنان در زير لباس طپانچه داشتند، به مجلس رفتند تا نمايندگان از تسليم کشور به بيگانگان احتراز نمايند. به اعتراف اين نويسنده ي آمريکايي، آن بانوان شجاع اعلام داشتند که اگر وکلای مجلس بخواهند در حفظ شرف و عزت ايران تسامح به خرج دهند و يا

ص: 44

1- . امام خميني، صحيفه ي نور، ج 2، ص 30.

ترديد نمايند، هم آنان و هم شوهران و فرزندان خویش را خواهند کشت، تا لااقل اجسادشان گواهي بر شرف ايراني باشد. (1)

يکي از نويسندگان داخلي نيز درباره ي رابطه ي حجاب و آگاهي زنان و نقش آن در خنثي کردن توطئه هاي استعمار غربي مي نويسد:

حجاب مال نسل آگاهي است که به پوشش اسلامي بر مي گردد، اين نسلي است که با اين پوشش اسلامي مي خواهد به استعمار غربي و به فرهنگ اروپايي بگويد: پنجاه سال کلك زدي، کارکردي، نقشه کشيدي که مرا فرنگي مآب کني، من با اين لباس به تو مي گويم نه، و به تمام پنجاه سال کارت فاتحه مي خوانم. (2)

ص: 45

-
- 1- . غلامرضا گلي زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پيام زن، ش 70، ص 15، به نقل از: مورگان شويستر، اختناق ايران، ترجمه ي اسماعيل راين، ص 241.
 - 2- . علي شريعتي، مجله ي زن روز، ش 1659، ص 77.

منشأ حرکت های بی حجابی و بدحجابی

* با توجه به ریشه های فطری حجاب و پوشش، منشأ بعضی حرکت های بدحجابی و بی حجابی در تاریخ کشورهای اسلامی چیست؟

* اولاً، فطری بودن يك مقوله، مانع تأثیرگذاری حرکت های تبلیغی، به نفع یا بر ضرر آن نیست؛ مثلاً دین يك مقوله ی فطری است، ولی در طول تاریخ، حرکت های تبلیغی انبیا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) به نفع دین، باعث تحکیم و گسترش آن بوده و برعکس، حرکت های تبلیغی مخالفان انبیا، مثل شیاطین جن و انس شبیه افکن باعث تضعیف و آسیب پذیری آن گردیده است. همین مطلب، در مورد حجاب و پوشش به عنوان يك مقوله ی فطری نیز صادق است. همان گونه که تبلیغ و تبیین صحیح فلسفه ی حجاب در گسترش و تعمیق آن نقش دارد، در مقابل شبیه پراکنی ها و سم پاشی ها و تبلیغ منفی مخالفان نیز در آسیب پذیری فرهنگ حجاب و پوشش در جوامع اسلامی تأثیر مهمی دارد. قراین و شواهد مختلف حاکی از این است که یکی از ترندهای مهم استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی، ترویج بی بندوباری از طریق گسترش بدحجابی و بی حجابی است؛ و این واقعیتی است که مسترهمفر، جاسوس استعمار پیر انگلیس، در خاطرات خود به طور صریح به آن اعتراف نموده است:

ص: 46

در مسئله ي بي حجابي زنان، بايد كوشش فوق العاده اي به عمل آوريم، تا زنان مسلمان به بي حجابي ورها كردن چادر، مشتاق شوند... پس از آن كه حجاب زن، با تبليغات وسيع از ميان رفت، وظيفه ي مأموران ما اين است كه جوانان را به عشق بازي و روابط نامشروع با زنان تشويق كنند؛ و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامي گسترش دهند. لازم است زنان غير مسلمان، كاملاً بدون حجاب ظاهر شوند، تا زنان مسلمان از آنان تقليد كنند. (1)

فرانس فانون، درباره ي نقش حجاب زدايي دولت استعمارگر فرانسه در کشور اسلامي الجزاير مي گوید:

اولين اقدام ضد فرهنگي كه فرانسه در الجزاير صورت داد، تلاش براي از بين بردن حجاب بود، و در اين كار موفق شد؛ و هر چه بدن زن الجزايري را بيش تر عريان كرد، چنگال استعمارگر، بيش تر به حلقوم الجزايري فرو رفت؛ اما مجدداً زن الجزايري شخصيت خود را بازيافت و مبارزه عليه مطامع استعمار نيز آغاز گرديد. (2)

ص: 47

-
- 1- . غلامرضا گلي زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله ي پيام زن، ش 70، ص 15، به نقل از: خاطرات همفر، ترجمه ي دكتور محسن مؤيدي، ص 84.
 - 2- . روح الله حسينيان، حريم عفاف، حجاب و نگاه، ص 48، به نقل از: جنگ الجزاير، (فصل الجزاير بي حجاب).

همین نویسنده، در کلام دیگری، درباره ی نقش بی حجابی در تشدید حمله ی استعمارگر فرانسه به الجزایر گفته است:

هر چادری که دور انداخته می شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان می دهد. پس از دیدن هر چهره ی بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن اشغالگر ده برابر می گردد. (1)

علاوه بر نقش استعمار در حجاب زدایی از کشور اسلامی الجزایر، حجاب زدایی در کشور های اسلامی افغانستان توسط امان الله خان، ترکیه توسط آتاتورک و ایران توسط پهلوی اول و دوم، داستان مفصل و غم انگیزی دارد² که پرداختن به آن، نوشته ی مستقیمی را می طلبد.

از آن جا که مخاطب ما بیش تر زنان و دختران فرهیخته و عقیف ایرانی هستند که با آثار فکری و قلمی مواجه اند، مناسب است به نقش بعضی روشن فکران و مطبوعات وابسته، در همفکری و همکاری با حجاب زدایی استعمار در قضیه ی کشف حجاب اشاره نماییم.

ص: 48

1- . مینا هاشمی، «حجاب زیبایی شعار، کارآبی شعور»، سالنامه ی زن، بهمن ماه 1371، ص 34، به نقل از فراتس فانون، سال پنجم انقلاب الجزایر یا بررسی جامعه شناسی یک انقلاب، ترجمه ی دکتر تابنده، ص 44. 2. برای آشنایی با گوشه هایی از این داستان غم انگیز ر.ک: غلامرضا گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پیام زن، شماره های 70 و 71.

يحيي دولت آبادي پس از اشاره به وقایع عصر خود مي نويسد:

اينك در تهران كانون بانوان تأسيس شده و زن هاي روگشوده با مردان معاشرت مي نمايند؛ و روزه روز دايره ي رفع حجاب در تهران و ولايات وسعت مي گيرد...؛ پس سد حجاب را در ايران شكسته بايد دانست.(1)

روزنامه ي آزادي چاپ خراسان، در سر مقاله اش در تاريخ 28 تير ماه 1314 به ستايش از كشف حجاب پرداخته و روي كار آمدن رضا خان را به ظهور كوكب درخشان در آسمان ايران تعبير نموده است.(2)

امام خميني (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامي ايران، به عنوان شاهدي امين و صادق كه خود ناظر اوضاع آن زمان بوده است، نقش بعضي مطبوعات و روشن فكران وابسته را در كشف حجاب چنين توصيف کرده است:

قلم هاي مسموم خطاكار و گفتار گويندگان بي فرهنگ، در اين نيم قرن سياه اسارت بار عصر ننگين پهلوي، زن را به منزله ي كالايي خواستند در آورند و آنان را كه آسيب

ص: 49

1- . حيات يحيي، ج 4، ص 434.

2- . گلي زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله ي پيام زن، شماره ي 71، ص 41.

پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای آن نیست. هر کس بخواهد شمه ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه ها و مجله ها و شعرهای اوپاش و ارادل زمان رضا خان، از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد، مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه، و شکسته باد قلم های روشن فکرانه ی آنان؛ و گمان نشود که آن جنایات، با اسم آزاد زنان و با اسم آزاد مردان، بدون نقشه ی جهان خواران و جنایتکاران بین المللی بود. (1)

ثانیاً، اثرپذیری زنان و دختران مسلمان از تبلیغ های کشورهای استعماری و تقلید بدون منطق زنان از مدل های پوشش غربی نیز در این زمینه نقش مؤثری داشته است. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله تعالی) در این مورد فرموده اند:

عده ای از چادر فرار می کنند به خاطر این که هجوم تبلیغاتی غرب دامن گیرشان نشود؛ اما به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رونمی آورند، چون آن را هم مورد تهاجم قرار می دهد. تصور نکنید اگر ما فوراً چادر را کنار گذاشتیم دست از سر ما بر می دارند؛ آنها به این چیزها قانع

ص: 50

نیستند، بلکه می‌خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان در این جا، مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عمل شود. (1)

یکی از دانشمندان اسلامی نیز در این مورد گفته است:

مشکل بسیاری از زنان شرق این است که آنان در عین حال که هم چنان به ارزش‌های اخلاقی، عفت و شرافت معتقدند، از آداب و رسوم و سنت‌های غربی در مسئله‌ی بی‌حجابی و خودآرایی تقلید می‌کنند و این امر آنان را در حالت دوگانگی قرار می‌دهد. (2)

رابطه‌ی حجاب در شکل چادر، با دین و تاریخ ملی

شبهه: بعضی در دینی و مذهبی بودن حجاب در شکل چادر شبهه نموده و این گونه ادعا کرده‌اند که «چادر به احتمال خیلی زیاد از زمان قاجاریه در ایران جا افتاده است و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد». (3)

در شبهه‌ی فوق دو ادعا مطرح شده است که به طور مستقل طرح و پاسخ داده می‌شود.

ص: 51

1- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص 261 - 262.

2- علامه محمدحسین فضل‌الله، پیام زن، ش 74، ص 23.

3- فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی 1627، 2 مهر ماه 1379، ص 4.

ادعای اول: چادر، حجاب دینی و مذهبی نیست.

پاسخ: اولاً، دقت و پژوهش در آیه ی 59 سوره ی احزاب، صحت ادعای مذکور را مورد تردید جدی قرار می دهد. خداوند در این آیه خطاب به پیامبرش فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛

ای پیغمبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را با چادر خود فرو پوشند، که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوس رانان آزار نکشند؛ بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

«جلایب» جمع «جلباب» است و جلباب در کتاب های لغت معتبر، مثل لسان العرب، صحاح اللغة و معجم الوسیط، به «ملحفه» معنا شده است و ملحفه پوششی گسترده است که زن خود را در آن می پیچد. (1)

قبل از بررسی معنا و مفهوم جلباب، باید دید چادر رایج در بین زنان مسلمان و ایرانی چه نوع پوششی است و عناصر و مؤلفه های اصلی تشکیل دهنده ی

ص: 52

1- . الملحفة: بالكسر، هي الملائنة التي تلتحف بها المرأة (واللحاف) كل ثوب يتغطي به: فيومي، المصباح المنير، ريشه ي لحف.

آن چیست؟ با اندک تأملی می توان گفت چادر دارای دو مؤلفه ی اصلی ذیل است:

1. اندازه ی چادر: پوشش وسیع، که از بالای سر تا پایین پای زن را می پوشاند.

2. کارکرد چادر: پوششی جلوباز که از بالای سر، روی لباس های دیگر پوشیده می شود و به نحو خاصی کنترل و جمع و جور می گردد.

حال باید بررسی نمود آیا جلباب قرآنی که در بعضی تفاسیر از آن به ملحفه تعبیر شده است،⁽¹⁾ دو عنصر ذکر شده برای چادرهای رایج فعلی را دارد یا نه؟ اگر دو عنصر یاد شده را بتوان برای جلباب اثبات نمود، می توان ادعا کرد که جلباب قرآنی همانند چادرهای رایج فعلی بوده است و گرنه نمی توان چنین ادعایی کرد؛ از این رو، به بررسی دو مؤلفه ی اندازه و کارکرد جلباب می پردازیم:

الف) اندازه ی جلباب: تقریباً همه ی کتاب های لغت در این که جلباب پوششی وسیع است اتفاق نظر دارند، ولی دیدگاه های کتاب های لغت و

ص: 53

1- . به عنوان مثال ر.ک: شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج 8، ص 361؛ میرزا محمد مشهدی، کنزالدقائق، ج 8، ص 226 و فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج 4، ص 203، ذیل آیه ی 59 سوره ی احزاب، (آیه ی جلابیب).

تفسیر درباره ی اندازه ی دقیق جلباب متفاوت است. از مجموع کلمات لغویین و مفسرین در مورد اندازه ی جلباب، سه دیدگاه قابل اشاره است:

دیدگاه اول: جلباب پوششی فراگیر بوده که از بالای سر تا پایین پا را می پوشانده است. این دیدگاه از کتاب های لغوی و تفسیری فراوان استفاده می گردد. (1)

دیدگاه دوم: جلباب پوششی بزرگ تر از خمار (مقنعه) بوده که کم تر از مقدار ردا، یعنی تقریباً تا زانوها را می پوشانده است. این دیدگاه از بعضی از کتاب های لغت، مثل مصباح المنیر فیومی استفاده می شود. (2)

ص: 54

- 1- . به عنوان نمونه، ر.ک: شیخ طوسی، تفسیر تیان؛ بیضاوی، تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل و علامه طباطبایی، تفسیر المیزان؛ شیخ محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ذیل آیه ی جلابیب؛ هم چنین از ابن عباس، مفسر بزرگ قرآن کریم این دیدگاه استفاده می شود که در ضمن بررسی اقوال سه گانه خواهد آمد. در کتاب الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، ذیل آیه ی 59 سوره ی احزاب (آیه ی جلابیب) آمده است: «جلابیب جمع جلباب اسم جامد للملاءة التي تشتمل بها المرأة قال المبرّد: الجلباب ما یستر الكل مثل اللحفة»؛ هم چنین این دیدگاه از کلام ابن عربی در کتاب احکام القرآن در ذیل آیه ی جلباب نیز استفاده می شود. علاوه بر کتب تفاسیر، از بعضی کتاب هایی که به طور مفصل درباره ی احکام زنان بحث کرده اند دیدگاه اول صریحاً استفاده می شود؛ مثلاً در کتاب المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشریعة الاسلامیة، ج 3، ص 3222 آمده است: «انّ الملاءة التي تشتمل بها المرأة فتلبسها فوق ثيابها و تعطي بها جمیع بدنها من رأسها الي قدمها و الجلباب بهذا التعریف شبيه العباءة»
- 2- . الجلباب: ثوب اوسع من الخمار دون الرداء: فیومی، المصباح المنیر، ریشه ی جلب.

دیدگاه سوم: جلباب همان خمار (مقنعه) است؛ پوششی که فقط سر و سینه ها را می پوشانده است. این دیدگاه از مفردات راغب اصفهانی به دست می آید. (1)

ما معتقدیم شواهد مختلفی وجود دارد که صحت دیدگاه اول و مخدوش بودن دیدگاه دوم و سوم را ثابت می کند که بعضی از آنها عبارت اند از:

شاهد اول: درباره ی پوشش حضرت فاطمه ی زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک این گونه نقل شده است:

لائت خمارها علي رأسها و اشتملت بجلبابها. (2)

یعنی فاطمه ی زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) خمار و مقنعه ی خویش را بر سر و جلباب، یعنی پوششی که شامل و در بر گیرنده ی تمام آن وجود مبارک بود بر تن کردند.

از نحوه ی پوشش حضرت در قضیه ی مذکور دو نکته استفاده می شود:

ص: 55

1- . الجلابيب: القمص و الخمر الواحد الجلباب: راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ریشه ی جلب.

2- . طبرسي، الاحتجاج، ج 1، ص 98.

نکته ي اول: پوشش حضرت در بیرون منزل، همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام «خمار» و «جلباب» بوده است؛ بر این اساس، نظر طرف داران دیدگاه سوم، مثل راغب اصفهانی در مفردات که جلباب را به خمار معنی کرده است، مخدوش می گردد.

نکته ي دوم: از عبارت «و اشتملت بجلبابها»، به روشنی استفاده می شود که جلباب، پوششی سرتاسری بوده که تمام آن وجود مبارك، از سر تا قدم ها را فرا می گرفته است؛ بنابراین، نظر طرف داران دیدگاه دوم؛ که قایل بودند جلباب تقریباً تا زانوها را می پوشانده است، مخدوش می گردد.

شاهد دوم: از کتاب های لغوی، مثل مصباح المنیر فیومی که گفته اند: «الجلباب ثوب اوسع من الخمار؛ جلباب پوششی گسترده تر از خمار است»، تباین و مستقل بودن «خمار» و «جلباب» به خوبی استفاده می شود.

شاهد سوم: احادیثی هم چون حدیث نبوی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) «و لغير ذي محرم اربعة اثواب: درع و خمار و جلباب و ازار»⁽¹⁾ که از جلباب و خمار به عنوان دو پوشش مستقل نام برده است نیز، شاهد بطلان دیدگاه سوم است.

شاهد چهارم: زمخشری در تفسیر کشاف و آلوسی در تفسیر روح المعانی از ابن عباس، صحابی پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و شاگرد امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) نقل

ص: 56

1- . طبرسی، مجمع البیان، ج7، ص155.

کرده اند که جلباب پوششی بوده که از بالا تا پایین بدن را می پوشانده است؛⁽¹⁾

که با این شاهد بطلان دیدگاه دوم اثبات می شود.

حاصل این که اندازه ی جلباب قرآنی به مقداری بوده است که همانند چادرهای زمان حاضر از بالای سر تا پایین پا را می پوشانده است.

ب) کارکرد جلباب: برای فهمیدن کارکرد جلباب و کیفیت پوششی آن، لازم است معنای «ادناء» در آیه ی «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» معلوم شود. آلوسی از ابن عباس و قتاده و زمخشری در تفسیر کشاف از ابن سیرین نقل کرده اند که مراد از «یدنین» قرار دادن جلباب در بالای ابرو و گردن و جمع و جور کردن و قرار دادن گوشه های جمع شده ی آن در بالای بینی است،⁽²⁾

که معمولاً بانوان متدین و حساس نسبت به رعایت حجاب در مواجهه با نامحرم این کار را انجام می دهند. از عبارت ابن عباس، قتاده و ابن سیرین معلوم می شود که جلباب همانند چادرهای فعلی، پوششی جلو باز بوده است که واژه ی «یدنین» در آیه ی شریفه نیز مؤید این

ص: 57

1- عن ابن عباس: الرداء الذي يستر من فوق الي اسفل: زمخشری، تفسیر کشاف، و آلوسی، تفسیر روح المعانی، ذیل آیه ی جلباب (آیه ی 59 سوره ی احزاب).

2- عن ابن سیرین سألت عبیدة السلمانی عن ذلك (یدنین) فقال ان تضع رداءها فوق الحاجب ثم تدیره حتی تضعه علی انفها. شبهه تعبیر مذکور عبارت های مختلفی در تفسیر آلوسی، ذیل آیه ی جلباب نقل شده است که نحوه ی کارکرد جلباب را بیان می کند؛ مثلاً از ابن عباس و قتاده این گونه نقل شده است. «تلوي الجلباب فوق الجبينين و تشده ثم تعطفه علي الانف و ان ظهرت عينها لكن تستر الصدر و معظم الوجه».

مدعاست؛ بنابراین، از نظر کارکرد و کیفیت پوشش نیز جلباب قرآنی، شبیه چادرهای امروزی بوده است.

به رغم این که بحث بر سر الفاظ و نام گذاری نیست و مهم این است که حقیقت و مصداقی از پوشش، شبیه چادرهای فعلی، در صدر اسلام موجود بوده است، ولی با این همه، خوش بختانه در کتاب های واژه های قرآنی و کتاب هایی که درباره ی جلباب بحث نموده اند، جلباب به چادر معنا شده است و این مؤید بسیار خوبی است بر این که آنها نیز به دلیل اشتراك مؤلفه ها و عناصر جلباب و چادر، همانند ما، از جلباب قرآنی معنای چادر را فهمیده اند.⁽¹⁾

ثانیاً، گذشته از آنچه که برای اثبات مشابهت معنای چادر و جلباب گفته شد، چگونه ممکن است که مراجع تقلید، به عنوان بزرگ ترین رهبران دینی اسلام در زمان غیبت، چادر را پوشش مطلوب و بهتر معرفی

ص: 58

1- . ر.ك: لسان التنزیل، تألیف قرن 4 و 5، ه. ص 103، به اهتمام مهدی محقق؛ تفسیر ابوالفتح رازی، ج 8، ص 191، ذیل آیه ی 59 سوره ی احزاب؛ میرزا ابوالحسن شعرانی، نثر طویلی، واژه ی جلباب؛ عبدالرحیم صفی پور، منتهی الارب فی لغة العرب، ج 1، ص 186، واژه ی جلب؛ ر. پ. آ: دزی، فرهنگ البسه ی مسلمانان، ص 117 و فیاض زنجانی، «رساله ی حجابیه»، مجله ی کیهان اندیشه، شماره ی 60، خرداد و تیرماه، سال 1374، ص 112. و نسخه ی کهن تفسیر مفردات قرآن، ص 190، قسمت مفردات، سوره ی احزاب.

کنند، (1) ولی در عین حال، گوینده ی محترم بدون ارائه ی هیچ دلیل و مدرکی، ادعا نماید که چادر هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد؟! حاصل این که، با توجه به مشابهت بسیار نزدیک جلباب قرآنی با چادر، از نظر اندازه و کارکرد، می توان ادعا کرد که چادر ارتباط وثیقی با دین اسلام و قرآن دارد؛ و بدین ترتیب ادعای اول که چادر ارتباطی با دین و مذهب ندارد ابطال می گردد.

ادعای دوم: حجاب در شکل و قالب چادر مربوط به زمان قاجاریه است.

پاسخ: اولاً، این ادعا، نیازمند ارائه ی سند و مدارک معتبر تاریخی است، اما ایشان سند و مدرکی برای کلام خود ارائه نکرده اند؛ بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و مدرک و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، فرض می کنیم ایشان با ارائه ی سند و مدارک تاریخی اثبات می کردند که چادر در زمان قاجار در ایران رسم شده است، پس از اثبات ارتباط مستحکم چادر با قرآن در نقد ادعای اول و این که به هر حال، چادر یکی از مصادیق پوششی است که تأمین کننده ی حجاب پیش تر و

ص: 59

1- ر. ک: سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان (مطابق با نظرات آیات و مراجع تقلید) ص 65. و استفتائات آخر کتاب.

بہتر زنان و لذا مطلوب اسلام نیز هست، زنان ایرانی به خاطر استفاده از چادر به عنوان الگوی پوشش مناسب در مواجهه با نامحرم به خود می‌بالند، نه این که از آن گلایه مند باشند.

ثالثاً، بر اساس شهادت و گواهی منابع حجاب و لباس، اسناد و مدارک تاریخی زیر مبین آن است که پیشینه‌ی تاریخی که حجاب در شکل چادر، به صدها سال قبل از پیدایش قاجار در ایران بر می‌گردد.

الف) در زمان ایران باستان به تصاویری از بانوان ایرانی بر می‌خوریم که علاوه بر لباس، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می‌پوشاندند؛⁽¹⁾

ب) زنان عهد هخامنشی و اشکانی، عموماً چادر بر سر داشته و پیراهن‌های بلندی که تا مچ پای آنان را می‌پوشانده به تن می‌کرده‌اند.⁽²⁾

ج) زنان عهد ساسانی، گاهی چادر گشاد و پُرچین به سر می‌کردند که تا وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره ساخته شده است که در آن هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند.⁽³⁾

ص: 60

1- مهدی قانع، «انسان پوشش و ریشه‌های تاریخی» پیام زن، شماره 19، ص 69.

2- غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 25.

3- مهدی مهریزی، حجاب، ص 46.

به این ترتیب، ادعای دوم گوینده ی محترم نیز ابطال گردید و آشکار شد که حجاب در شکل چادر، علاوه بر ریشه ی عمیق دینی، دارای ریشه ی عمیق تاریخی و ملی نیز هست و صدها سال قبل از پیدایش قاجار از آن استفاده می شده است.

ص: 61

فصل سوم این اثر، پاسخ گوی شبهات و سؤالاتی درباره ی چارچوب های ارزشی و دینی حجاب و بعضی از مصادیق حجاب برتر، مثل چادر مشکی است.

نگاهی اجمالی به شکل های حجاب قرآنی بانوان

اشاره

شبهه: بعضی با طرح این پرسش که «چه اشکالی دارد در چهارچوب شرعی، هرکس هرچور که خواست لباس بپوشد؟»⁽¹⁾

خواسته اند این شبهه را القا کنند که اسلام، فقط چارچوب کلی برای پوشش بیان کرده است و به صورت جزئی، شکل خاصی از حجاب و پوشش در متون دینی اسلام ذکر نشده است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: از نظر اسلام چارچوب واجب پوشش و حجاب زنان - که بیش تر مورد چالش و سؤال است - پوشاندن تمام بدن در مقابل نامحرم

ص: 64

1- . کتایون میر شفیعی، روزنامه ی نوروز، 18 / 4 / 80، ص 8، ستون سوم.

است، به استثنای صورت و مچ دست ها به پایین، که طبق نظر مشهور فقها پوشاندن آنها واجب نیست؛ البته بعضی از فقهای فعلی، به طور احتیاط و جوی، پوشاندن صورت و دست ها را نیز لازم می دانند؛⁽¹⁾

ولی حتی افرادی که پوشاندن آن را واجب نمی دانند، در اصل مطلوبیت و استحباب آن بحثی ندارند.⁽²⁾

علاوه بر پوشش لباس های معمولی، مثل پیراهن و شلوار، که زنان و مردان در داخل منزل استفاده می کنند، برای حجاب بیرون از منزل و در مقابل نامحرم، در قرآن و احادیث برای تأمین حجاب واجب زنان، از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلباب» است.

الف) خمار

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛⁽³⁾ زنان باید سر، سینه، و دوش خود را با مقنعه بپوشانند.

خُمُر جمع خمار، و مراد از آن پوشش مخصوص سر و اطراف سر

ص: 65

1- . به استفتاءات پایان کتاب مراجعه گردد.

2- [2]. مرتضی مطهری، پاسخ های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله ی حجاب، ص 13.

3- . سوره ی نور (24)، آیه 31.

در بعضی تفاسیر، در ذیل آیه ی شریفه، از عایشه نقل شده است:

زناني بهتر از زنان انصار ندیدم. وقتی این آیه ی شریفه نازل شد، هر يك از آنها به سمت لباس های مخصوص خود رفتند و از آن تکه ای جدا کردند و خمار و مقنعه ای مشکی پوشیدند، گویی بالای سر آنها کلاغ نشسته است. (2)

از قضیه ی ذکر شده استفاده می شود که رنگ خمار و مقنعه در زمان صدور آیه، مشکی بوده است. برای این قضیه، از کتاب های لغت نیز می توان مؤیداتی ذکر کرد؛ مثلاً از بعضی کتاب های لغت، استفاده

ص: 66

1- . الخمار: ثوب تَغَطِّي به المرأة راسها والجمع خُمُر فيومي، المصباح المنير؛ هم چنین در مجمع البحرين طريحي، ذیل واژه ی خُمُر آمده است: قوله فليضربن بخُمُرهن، اي مقنعهن. خُمُر جمع خمار و هي المقنعه؛ همچنين ر.ك: شيخ طوسي، تفسير تبيان، ج 7، ص 43؛ بانو امين، تفسير مخزن العرفان، ج 9، ص 105، ذیل آیه ی شریفه ی 31 نور، (آیه ی خمار).

2- . «ما رأيت نساءً خيراً من نساء الانصار لما نزلت هذه الآية قامت كل واحدة منهم الي مرطها المرحل فصدعت منه صدعة فاخترمن، فاصبحن كانّ علي روسهنّ الغربان»: زمخشري، تفسير كشاف، ج 3، ص 231، ذیل آیه ی شریفه ی 31 سوره ی نور. حديث مذکور، با الفاظ و تعابیر مختلف در کتاب های متعدد، اهل تسنن آمده است؛ از جمله: صحيح البخاري، شرح العسقلاني، ج 8، ص 49؛ تفسير ابن كثير، ج 3، ص 284، ذیل آیه ی شریفه ی خمار و المفصل في احكام المرأة و البيت المسلم في الشريعة اسلامية، ج 3، ص 320.

مي شود در ریشه ي لغوي خمار (خ - م - ر) سياهي اخذ شده است. (1) به مشروبات الكلبي نيز از آن جهت «خمر» اطلاق مي گردد كه باعث سياهي و تيره گي عقل انسان مي گردد. مخفي نماند كه در آيه ي شريفه ي خمار، نكات تفسيری و ادبی و لغوي فراواني وجود دارد كه مقاله ي مستقلي را مي طلبد. (2)

ب) جلاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ (3) اي پيغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو كه خویش را به چادر فروپوشند؛ كه اين كار براي اين كه آنها به عفت و حریت شناخته شوند، تا از تعرض و جسارت هوس رانان آزار نكشند، بر آنان بسيار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

ص: 67

- 1- . المختمة من الضأن: السوداء ورأسها ابيض و من المعز ايضاً: خليل، العين، ذيل ريشه ي خمر و الخمری من الالوان؛ الاسود الضارب الي الحمرة كلون الخمر الاسود: شرتوني، اقرب الموارد، ذيل ريشه ي خمر.
- 2- . براي پي بردن به بعضي از نكات ر. ك: سيد حسن مصطفوي، «التحقيق في كلمات القرآن الكريم» ذيل ريشه ي خمر.
- 3- . سوره ي احزاب (33)، آيه ي 59.

همان گونه که قبلاً گذشت جلایب در آیه ی شریفه، جمع جلباب است و جلباب به معنای پوشش گسترده و فراگیر تمام بدن است، که زنان بر روی لباس های دیگر می پوشند؛ امروزه در زبان فارسی به چنین پوششی چادر گفته می شود. بر اساس تحقیقی که نگارنده انجام داده، بین جلباب قرآنی و چادرهای رایج، از نظر مفهوم، اندازه، کارکرد و حتی رنگ، همگرایی و شباهت های بسیار نزدیکی وجود دارد. (1)

علاوه بر قرآن که دو شکل خاص از پوشش فوق را برای زنان در مقابل نامحرم توصیه کرده است، در برخی احادیث نیز چهار پوشش ویژه برای زنان در مقابل نامحرم، به نام پیراهن، مقنعه، چادر، و ازار معرفی شده است.

عن النبي (صلي الله عليه وآله وسلم): ولغير ذي محرم اربعة اثواب: درع و خمار و جلباب و ازار. (2)

فلسفه ی تفاوت پوشش زن و مرد

شبهه: چرا حجاب زن و مرد تفاوت دارد و چرا باید مقدار پوشش بدن زنان بیش تر از مردان باشد؟ آیا این تفاوت غیر عادلانه و تبعیض آمیز

ص: 68

1- . برای آگاهی بیش تر ر.ک: «نقد ادله مخالفین چادر مشکي» روزنامه جمهوری اسلامی، 3 و 4 بهمن ماه 79.

2- . طبرسي، مجمع البيان، ج 7، ص 155.

نیست؟(1)

پاسخ: احکام تشریحی اسلام، متناسب با ویژگی های تکوینی و به منظور تأمین مصالح و دفع مفاسدی است که افراد را تهدید می کند. تفاوت زن و مرد در بسیاری از احکام تشریحی، از جمله حجاب نیز نشأت گرفته از تفاوت های تکوینی آنها است.

تحقیقات علمی در فیزیولوژی و روان شناسی، در باب تفاوت های جسمی و روحی زن و مرد، ثابت کرده است که مردان نسبت به محرک های چشمی حساس تر از زنان اند و برعکس، زنان در مقابل محرک های لمسی حساسیت بیش تری دارند.(2)

تحقیقات و تجربه های علمی نشان می دهد که آن اندازه که مرد از نگاه کردن به تن و اندام زن تحریک می شود، زن از مشاهده ی مرد تحریک نمی شود. در روان شناسی جنسی نیز ثابت شده است که تمامی سطح بدن زن برای مرد محرک است، اما در مرد چنین نیست.(3)

دین مقدس اسلام نیز متناسب با ویژگی ها و تفاوت های تکوینی زن و مرد، احکام و تعالیم نورانی خود را تشریح کرده است؛ مثلاً برای حفاظت

ص: 69

1- مقاله «آزادی و برابری زن در اسلام»، نشریه ی آوای زن، شماره ی 21.

2- غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 63، به نقل از: «تفاوت های زن و مرد از نظر فیزیولوژی و روان شناسی»، دکتر محمود بهزاد، مجله ی نگین، شماره ی 134، تیرماه 1355.

3- غلامعلی حداد عادل، همان، ص 64، به نقل از کتاب: The psychology of clothes، ص 107.

مردان از مفسد ناشی از حساسیت بیش تر آنان نسبت به محرک های چشمی شهوت انگیز، آنها را به مراقبت و کنترل بیش تر چشم در مواجهه با نامحرم مأمور کرده است. در حدیثی از امام رضا(عَلَيْهِ السَّلَام) نقل شده است:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجَبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَالْيَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفَسَادِ؛ (1) خداوند نگاه کردن به موهای زنان ازدواج کرده و غیر آنها را حرام کرده است؛ زیرا نگاه شهوت انگیز مردان، باعث تهییج جنسی، و تهییج جنسی باعث فساد است.

در مقابل، به دلیل لطافت و حساسیت بیش تر زنان نسبت به محرک های لمسی، برای حفاظت آنان از مفسد ناشی از این ویژگی، آنها را به حجاب و پوشش بیش تر در مواجهه با مردان نامحرم دستور داده است؛ به گونه ای که طبق فتوای مشهور فقها، زنان باید در مقابل نامحرم همه ی بدن، به استثنای وجه و کفین را بپوشانند؛ ولی این مقدار پوشش برای مردان واجب نیست؛ و این حکم اسلام، غیر عادلانه و تبعیض آمیز نیست؛ زیرا متناسب با ویژگی های متفاوت زن و مرد است.

نکته ی دیگری که تبیین کننده ی تفاوت حکم حجاب و پوشش زن و مرد از نظر اسلام می تواند باشد، تفاوت تکوینی و فطری آنها از نظر مقدار

ص: 70

1- . حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 140، روایت 12.

حیا و شرم است. در روایتی تصریح شده است: «الحیاء عشرة اجزاء فتسعة في النساء و واحد في الرجال»⁽¹⁾؛ حیا و شرم ده قسمت است، که نه قسمت آن در زنان و یک قسمت آن در مردان است. آثار و شواهد تاریخ گذشته و حال پوشش زن و مرد نیز حاکی از این است که معمولاً پوشش زنان بیش تر از مردان بوده است:⁽²⁾

بنابراین، یکی از علل دیگر پوشش بیش تر زنان نسبت به مردان، زیاده‌ی حجب و حیای آنان نسبت به مردان است که در روایت به آن تصریح شده و تجربه و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است.

کیفیت حجاب و پوشش فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

* حضرت فاطمه ی زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان بهترین الگوی تربیتی زن مسلمان، در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم، چه نوع حجاب و پوششی داشته اند؟

* در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه ی زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) وقتی می خواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بروند، از پوشش های

ص: 71

1- . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 570، واژه ی حیاء.

2- . سید مهدی قانع، «انسان، پوشش و ریشه های تاریخی»، مجله ی پیام زن، شماره ی 19، ص 68.

خاصي، مثل جلباب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده مي کردند؛⁽¹⁾ علاوه بر اين، يکي از حوادثي که بيانگر مقدار حجاب حضرت فاطمه ي زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بيرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ايشان به مسجد براي دفاع از قضيه ي فدک است. در داستان غم انگيز غصب فدک آمده است: وقتي ابوبکر و عمر تصميم گرفتند که حضرت را از فدک محروم نمايند، ايشان با شکل خاصي از حجاب و پوشش، براي دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوي داستان، شکل خاص حجاب حضرت را اين گونه توصيف نموده است:

لائت خمارها علي رأسها و اشتملت بجلبابها و اقبلت في لمة من حفدتها و نساء قومها تطأ ذيوها؛⁽²⁾ حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را، به گونه اي که تمام بدن آن حضرت را مي پوشاند و گوشه هاي آن به زمين مي رسيد، به تن کردند و به همراه گروهي از نزديکان و زنان قوم خود به سوي مسجد حرکت نمودند.

ص: 72

1- . صدوق، علل الشرايع، ج 1، ص 163: «فتجلببت بجلبابها و تبرقعت ببرقعها و ارادت النبي (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)».

2- . طبرسي، الاحتجاج، ج 1، ص 98.

قضيه ي فوق گوياي آن است که پوشش بيرون از منزل حضرت «خمار» و «جلباب» بوده که قرآن به عنوان حجاب زنان در بيرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن ياد کرده است.

رنگ جلباب و چادر قرآني

* چادر و جلباب قرآني که حضرت فاطمه زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بيرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن استفاده کرده اند چه رنگي داشته است؟

* قرآن به زبان عربي مابين نازل شده است و براي عرب زبانان قابل فهم بوده است؛ بنابراین، بايد بررسي نمود که زنان صدر اسلام، که نخستين مخاطبان آيه ي جلباب بوده اند، از واژه ي جلباب چه برداشتي داشته اند و تبادل و سبقت ذهني آنها از آن چه بوده است. در کتاب سنن ابي داود از ام سلمه، همسر گرامي پيامبر اکرم(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قضيه اي نقل شده است که مابين تبادل ذهني زنان عرب آن زمان است.

وقتي آيه ي جلباب «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ»⁽¹⁾ نازل شد، زن هاي انصار از خانه هایشان خارج شدند، درحالي که

ص: 73

1- . سوره ي احزاب (33)، آيه ي 59.

پوشش های مشکی داشتند؛ گویی کلاغ بالای سر آنها نشسته است. (1)

در کتاب عون المعبود، شرح سنن ابی داود در توضیح قضیه ی یاد شده، آمده است:

چون پوشش هایی که زنان انصار به عنوان جلایب از آن استفاده کرده بودند دارای رنگ مشکی بوده است، آنان به کلاغ که رنگ آن مشکی است تشبیه شده اند. (2)

بعضی از تفاسیر مهم، مانند تفسیر الدر المنثور سیوطی، روح المعانی و تفسیر المیزان نیز در ذیل آیه ی جلاب جریان تاریخی فوق را نقل کرده اند. علاوه بر شاهد تاریخی مذکور، که سکوت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مقابل رنگ مشکی پوشش زنان انصار، نیز دلیل بر تقریر و تأیید آن است، شواهد لغوی فراوانی نیز برای اثبات این مدعا وجود دارد که اساساً در ریشه ی لغوی جلاب رنگ مشکی اخذ شده است؛ زیرا جلاب در لغت از ریشه ی جَلَب است و یکی از معانی جَلَب در بسیاری از کتاب های لغوی معتبر، تیرگی و سیاهی است. (3)

مثلاً جَلَب اللیل به معنای سیاهی شب آمده

ص: 74

-
- 1- . لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «يَدْنِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» خَرَجَ نِسَاءُ الْأَنْصَارِ كَأَنَّ عَلِيَّ رُؤْسَهُنَّ الْغُرْبَانَ مِنْ أَكْسِيَةِ سَوْدٍ يَلْبَسْنَهَا: سنن ابی داود، ج 2، ص 182.
 - 2- . عون المعبود، شرح سنن ابی داود، ج 11، ص 159.
 - 3- . به عنوان نمونه ر. ك: لسان العرب، القاموس المحيط، اقرب الموارد، منتهی الارب فی لغة العرب، محیط المحيط، معجم الوسیط ذیل ریشه ی جَلَب.

است. ابن منظور، صاحب کتاب لغت معتبر لسان العرب، پس از نقل شعری که بخشی از آن «و جُلِب اللیل یطرده النهار» است تصریح نموده که گوینده ی شعر از جُلِب، سواد و سیاهی را اراده کرده است. (1)

علاوه بر این، در بعضی از کتاب های لغوی معتبر، شواهدی از زبان عربی نقل شده، که جُلِب در آنها به معنای تیرگی و سیاهی به کار رفته است؛ (2)

هم چنین در برخی از کتاب هایی که درباره ی انواع لباس های اسلامی نوشته شده اند، جلباب به پوشش گسترده ی مشکی که زن روی لباس های دیگر می پوشد معنا شده است. (3)

از مجموع شواهد لغوی، تفسیری و تاریخی مذکور، به روشنی استفاده می شود که رنگ جلباب و چادر زنان عرب هنگام نزول آیه ی شریفه، مشکی بوده است؛ بنابراین، می توان گفت که چادر مشکی منشأ و ریشه ی قرآنی دارد.

حال که ثابت شد چادر مشکی ریشه ی قرآنی و اسلامی دارد، پرسش مهم این است که آیا حکومت اسلامی - که فلسفه ی وجودی آن اجرای احکام قرآن است و برای تحقق احکام اسلام و قرآن این همه شهید و جانباز تقدیم خدا و قرآن نموده است - می تواند در مراکز اداری خود، به

ص: 75

-
- 1- . لسان العرب، ذیل ریشه ی جلب.
 - 2- . العین خلیل و تاج العروس زبیدی، ذیل ریشه ی جلب.
 - 3- . الجلباب: کساء اسود تلبسه المرأة فوق ثيابها، الخطیب العدنانی، الملابس و الزینة فی الاسلام، (فی اسماء و انواع الملابس القدیمة و الحدیثة)، ص 190.

عنوان مهم ترین مراکز الگوسازی، چادر مشکی را به عنوان حجاب برتر و یکی از ملاک های گزینش زنان مورد توجه قرار دهد یا خیر؟

پاسخ سؤال فوق مثبت است؛ زیرا پس از اثبات ریشه ی قرآنی و اسلامی برای چادر مشکی، وظیفه ی مسئولان يك حکومت قرآنی و اسلامی است که زمینه ی ترویج و تبلیغ عملی آموزه های قرآنی و از جمله استفاده از چادر مشکی را در مراکز اداری خود فراهم نمایند؛ و حتی هنگام گزینش کارمندان زن، التزام عملی به حجاب قرآنی و اسلامی را به عنوان یکی از ملاک های گزینش و ارزش یابی مورد توجه قرار دهند.

با توجه به آنچه ذکر شد پاسخ این پرسش و شبهه که «چرا چادر سیاه در ادارات ملاک ارزشیابی است»، (1) روشن می گردد.

نگاهی اجمالی به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشکی

شبهه: آن گونه که بعضی ادعا کرده اند آیا از روایات می توان کراهت حجاب تیره، مثل چادر مشکی را اثبات نمود؟ (2)

پاسخ: اولاً، چگونه ممکن است که بر اساس ادله ی طرح شده در مباحث قبلی، رنگ جلباب و چادر قرآنی، همانند رنگ چادرهای رایج فعلی مشکی باشد، ولی بتوان در روایات معصومین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حدیث معتبری

ص: 76

-
- 1- . فاطمه خاتمی، روزنامه ی ایران، شماره ی 1627، 2 مهر ماه 79، ص 4.
 - 2- . فاطمه خاتمی، روزنامه ی ایران، شماره ی 1627، 2 مهر ماه 79، ص 4.

مخالف قرآن، درباره ي كراهت استفاده از چادر مشكي پيدا نمود؟ آیا ممكن است اهل بيت (عَلَيْهِ السَّلَام) به عنوان بهترين مفسران و شارحان قرآن مجيد، در احاديث خود مطلبي خلاف قرآن فرموده باشند؟ پر واضح است كه پاسخ اين سؤال منفي است؛ زيرا يكي از ملائك هاي صحت و سقم احاديث، موافقت و مخالفت محتوای آنها با قرآن است. براساس ملائك ياد شده، فرضاً اگر روايتي درباره ي كراهت پوشش مشكي بانوان وارد شده باشد فاقد ارزش و اعتبار است.

ثانياً، روايتي كه از ظاهر آنها كراهت سياه پوشي استفاده مي شود، از نظر سند ضعيف اند. فقيه ژرف انديش، مرحوم صاحب جواهر(1) و مرحوم خويي(2)

نيز به ضعف سندي روايات مورد نظر تصريح کرده اند؛ بنابراین، به دليل ضعف سند، اين گونه روايات قابل استناد نيستند و نوبت به بررسي دلالت آنها نمي رسد.

ثالثاً، ممكن است ادعا شود به دليل متعدد بودن روايتي كه ظاهر آنها دلالت بر كراهت پوشش سياه دارد؛ و نيز به دليل اين كه ضعف سند روايات در مستحبات و مكروهات، مانند مورد بحث، خيلي مهم نيست، پس مي توان در دلالت آنها بحث كرد.

ص: 77

-
- 1- . محمد حسن نجفي، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، ج 8، ص 233.
 - 2- . ابوالقاسم خويي، شرح عروة الوثقي، كتاب الصلاة، ج 1، مكروهات لباس مصلي.

با فرض صحت ادعای فوق، بر اساس فحوص و جست و جوی مفصلی که در احادیث انجام گرفت، حتی يك حديث درباره ي كراهت پوشش چادر مشكي بانوان نیافتیم؛⁽¹⁾ بنابراین، همان گونه که مرحوم صاحب جواهر فرموده اند، روایات مربوط به کراهت سیاه پوشی، شامل زنان نمی شود. ایشان در کتاب فقهی عمیق و معروف خود نقل کرده اند:

طبق تصریح کتاب های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش سیاه مختص مردان است؛ زیرا شارع مقدس پوشش غلیظ تر و بیش تری برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم قرار داده است⁽²⁾ و رنگ مشکی، در مقایسه با رنگ های دیگر، به نحو بهتری پوشش غلیظ تر و بیش تر را تأمین می کند.⁽³⁾

ص: 78

1- . برای آشنایی با این روایات ر.ک: فروع کافی، ج 2، کتاب الصلاة باب اللباس الذي تکره الصلاة فيه و ما لا تکره، ص 397، و کتاب الزی و التجمل باب لبس السواد، ص 449؛ وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج 3، کتاب الصلاة، ابواب لباس مصلی و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، کتاب الصلاة، ابواب لباس مصلی.

2- . بعضی از روایاتی که شارع مقدس در آنها پوشش غلیظ را در مواجهه با نامحرم خواسته و از پوشیدن لباس نازک نهی کرده است در زیر ذکر می شود: الف) عن امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ): من رَقَّ ثوبه، رَقَّ دینه؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 211، و ج 3، ص 249. ب) عن ابي عبد الله عليه السلام قال: لا يصلح للمرأة المسلمة ان تلبس من الخمر و الدرود ما لا یواری شیئا؛ الحر العاملي، وسائل الشیعة، ج 3، ابواب لباس مصلی، باب 21، حدیث 2.

3- . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 8، ص 235.

بنابراین، طبق نقل مرحوم صاحب جواهر، کراهت پوشش مشکي، مختص مردان است.

به دليل اختصاص کراهت پوشش مشکي به مردان، آن هم در غير از کفش، عمامه و عبا، حتي يك نفر از فقيهان برجسته ي شيعه به کراهت چادر مشکي زنان فتوا نداده است، بلکه برعکس، بعضي از مراجع تقليد، مثل رهبر معظم انقلاب اسلامي، آيت الله خامنه اي به عدم کراهت چادر مشکي تصريح کرده اند و بعضي نيز، مانند آيت الله فاضل لنکراني و آيت الله تبريزي بالاتر از عدم کراهت، به برتري حجاب با چادر مشکي فتوا داده و فرموده اند:

چادر مشکي بهترين نوع حجاب است. (1)

ص: 79

1- . مسائل جديد از دیدگاه علما و مراجع تقليد، ج 1، ص 35، 36 و 38؛ ويژه نامه ي فرهنگ اسلام، بهار سال 1379، ص 70؛ هم چنین ر. ک: استفتائات آخر کتاب.

* آیا می توان از ظاهر بعضی روایات، مثل روایت «پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از پوشش لباس مشکي، غیر از سه مورد خَفَّ (نوعي کفش چرمي نازک) عمامه و کسا کراهت داشت»، (1) استفاده نمود که پوشش لباس مشکي به طور مطلق و مشترک برای مرد و زن کراهت دارد؟

* اولاً، با فرض چشم پوشي از ضعف سند روایت فوق، تردیدی نیست که اساساً زن و مرد در برخی از موارد، از جمله پوشش و لباس، دارای احکام متفاوتی هستند؛ بنابراین، در خصوص احکام پوشش، نمی توان به قاعده ي اشتراك زن و مرد در احکام تمسك جست؛ مثلاً جامه ي زربافت و حریر برای زن جایز است، ولی برای مرد جایز نیست (2).

مقدار پوشش زنان، طبق نظر مشهور فقها، همه ي بدن به استثنای گردی صورت و دو دست از مچ تا نوک انگشتان است، (3)

ولی مقدار پوشش مردان کم تر است؛ حتی از نظر رنگ پوشش نیز، استفاده از لباس احرام

ص: 80

1- . كان رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يكره السواد الا في ثلاث: الخفّ و العمامة و الكساء ر.ك: محمد بن يعقوب كليني، فروع كافي، ج 6، ص 449، روایت 1.

2- . ر.ك: توضيح المسائل مراجع تقليد، شرايط لباس نماز گزار؛ هم چنین كتاب «احكام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعي آنان» مطابق با نظرات آیات و مراجع تقليد، ص 52 و 57.

3- . همان، صفحه ي 62 - 63.

سفید برای مردان مستحب است، ولی زنان مجازند، به استثنای بعضی لباس های خاص مثل حریر محض، با هر لباسی، حتی دارای رنگ غیر سفید محرم شوند⁽¹⁾.

بنابراین، با توجه به احکام ویژه ی بانوان و آقایان در مورد لباس، نمی توان ادعا نمود که حکم کراهت در روایت فوق مطلق است و به طور مشترك شامل زن و مرد می شود.

ثانیاً، بر فرض بپذیریم که روایت مذکور، مختص بیان حکم رنگ پوشش مردان نیست و شامل زنان نیز می گردد، به دلیل روایاتی که ظاهر آنها کراهت خواندن نماز در لباس مشکي، به استثنای سه مورد است،⁽²⁾ بعضی از فقها حکم کراهت لباس مشکي را نیز مختص به حالت نماز دانسته اند.⁽³⁾

ثالثاً، بر فرض که روایت مذکور عام باشد و به طور مشترك، شامل زنان و مردان و نیز حالت نماز و غیر نماز گردد، باز روایت یاد شده دلالت

ص: 81

-
- 1- . صدوق، المقنع، ص 229، و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 9، ص 41.
 - 2- . روي لا تصلّ في ثوب اسود فأما الخفّ او الكساء او العمامه فلا بأس؛ شيخ كليني، فروع كافي، ج 3، ص 403.
 - 3- . الطباطبائي اليزدي، العروة الوثقي، كتاب الصلاة، ص 201، و شهيد اول، الدروس الشرعية، ج 1، ص 147.

ندارد بر این که پوشیدن لباس مشکی، مانند چادر مشکی برای زنان کراهت دارد؛ زیرا در روایات متعدد که از نظر مضمون و محتوا با روایت مورد بحث موافق اند، سه نوع پوشش، به نام های خفّ، عمامه و کسا از کراهت استثنا شده اند؛ و با توجه به این که کسا از نظر لغت، و به قرینه ی حدیث شریف کسا، لباس بلندی است که تمام بدن را فرا می گیرد؛ بنابراین، عبای سیاه برای مردان و چادر مشکی برای زنان کراهت ندارد؛ و به نظر می رسد براساس همین استثنای کسا در روایت مورد بحث، هیچ یک از فقهای برجسته ی شیعه به کراهت پوشیدن چادر مشکی فتوا نداده است؛ بلکه برخی، چادر مشکی را بهترین نوع حجاب دانسته اند.

* مگر کراهت رنگ مشکی در دین اسلام یک حقیقت نیست؟ پس کدام دلیل سبب می شود در یک جامعه ی اسلامی ما مبلغ رنگ سیاه شویم (1)؟

* توضیح: پرسش کننده ی محترم با قطعی دانستن حکم کراهت رنگ مشکی به طور مطلق از نظر اسلام، این گونه القا نموده است که استفاده ی افراد از لباس تیره و مشکی، نوعی تبلیغ فاقد دلیل به حساب

ص: 82

مي آيد. عبارت فوق متضمن دو پرسش است؛ لذا هر پرسش را به طور مستقل پاسخ مي دهيم.

* پرسش اول: مگر کراهت رنگ مشكي در دين اسلام يك حقيقت نيست؟

پاسخ: با فرض پذيرش کراهت اجمالي پوشش مشكي در دين اسلام، ترديدي نيست که حکم مذکور براي هر نوع لباس و براي همه ي افراد، اعم از زن و مرد، و براي همه ي زمان ها نيست؛ يعني موارد متعددي از حکم کراهت سياه پوشي استثنا شده است که مهم ترين آنها عبارت اند از:

الف) عدم کراهت بعضي از پوشش هاي مشكي خاص. قبلاً نقل شد که پيامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از پوشش مشكي کراهت داشت، مگر در سه مورد: خفّ (نوعي کفش چرمي نازك)، عمامه و کسا(1).

لباس بلندي که تمام بدن را مي پوشاند و شامل عبا و چادر مشكي بانوان نيز مي گردد؛ بنا بر اين، چند پوشش مشكي استثنا شده، کراهتي ندارند.

ب) عدم کراهت لباس مشكي براي بانوان. ترديدي نيست که در اسلام پوشش زن و مرد از جهات مختلف، مثل نوع، مقدار و حتي رنگ،

ص: 83

1- . كليني، فروع كافي، ج 6، ص 449، روايت 1.

متفاوت است. همان گونه که قبلاً از مرحوم صاحب جواهر نقل شد، طبق تصریح کتاب های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش مشکي، مختص مردان است، نه بانوان.

ج) عدم کراهت پوشش مشکي در مراسم عزاداري. استفاده از رنگ مشکي در مراسم عزاداري براي زنان و مردان کراهتي ندارد؛ از اين رو، سيره ي عملي مردم متدين و حتي غير متدين، پوشيدن لباس مشکي در اين مراسم است. در «سفينة البحار» رواياتي ذکر شده است که بر جواز و مطلوبيت پوشيدن لباس مشکي در مراسم عزاداري دلالت دارد.⁽¹⁾

با توضيحات فوق آشکار گرديد که القاي اين فکر که کراهت رنگ مشکي در اسلام، يك حکم كلي و صددرصد است، غير عالمانه و مغالطه آميز است.

ص: 84

1- . محدث قمي، سفينة البحار، ج 1، ص 67، واژه ي سواد، و علي ابوالحسني، سياه پوشي در سوگ ائمه ي نور.

* پرسش دوم: کدام دلیل سبب می شود که در یک جامعه ی اسلامی ما مبلغ رنگ سیاه شویم؟

* پاسخ: باید از ایشان سؤال کرد مراد شما از تبلیغ چیست؟

الف) اگر مراد شما تبلیغ نظری و علمی به صورت نوشتن کتاب و مقاله است، در پاسخ می گوئیم:

اولاً، چنین تبلیغی غالباً در دفاع و پاسخ گویی از شبهات و سم پاشی بر ضد انواع حجاب اسلامی مثل چادر مشکی است.

ثانیاً، بر فرض که تبلیغ نظری و علمی، حتی به صورت غیر دفاعی و ابتدایی درباره ی چادر مشکی بانوان زیاد باشد؛ اگر این گونه تبلیغ مستند به ادله و شواهد قوی و با روش صحیح انجام گیرد، نباید از آن برآشفته شوید، بلکه اگر آن را قبول ندارید، به طور منطقی و استدلالی می توانید آن را نقد نمایید.

ثالثاً، ای کاش شما نیز به این پرسش پاسخ می دادید که با استناد به چه دلیلی در جامعه ی اسلامی به تبلیغ لباس های نازک، کوتاه و رنگارنگ برای بانوان و دختران اقدام می کنید؟ متأسفانه در اغلب مقالاتی که به تبلیغ لباس های مذکور پرداخته می شود، به جای برخورد اثباتی، یعنی ترویج و

تبلیغ لباس مورد نظر خود با دلیل و منطق، غالباً از طریق سلبی، یعنی تخریب حجاب برتر، مثل چادر مشکی اقدام می‌شود. (1)

ب) اگر مراد شما از تبلیغ، تبلیغ عملی چادر مشکی در سطح جامعه است، باید گفت که به دلیل برخورداری حجاب مذکور از حمایت ادله عقلی و نقلی، این گونه تبلیغ هیچ منع عقلی و شرعی ندارد. با دقت در پاسخ فوق، نادرستی این سخن که چرا کسی برای این سؤال که چرا تیره پوشی تبلیغ و ترویج می‌شود پاسخی ندارد، (2)

نیز آشکار می‌گردد.

شبهه: برخی با این عبارت که «در سال‌های نخست انقلاب اسلامی، بیش تر خانم‌ها از چادرهای رنگ روشن و گلدار استفاده می‌کردند که پوشش خوب و کاملی نیز بود»، (3) خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که چادرهای زنان در سال‌های نخست انقلاب واجد چهارچوب شرعی بوده است. آیا ادعای مذکور درست است؟

پاسخ: اولاً، بر فرض بپذیریم که خانم‌ها در اول انقلاب از چادرهای گلدار و رنگ روشن استفاده می‌کردند، مگر هر کاری که در سال‌های

ص: 86

1- گیو نمازی، روزنامه ی نوروز، 18/4/80، ص 8، ستون اول.

2- همان.

3- فاطمه خاتمی، روزنامه ی ایران، 79/7/2، ص 4.

نخست و پراشتهاب انقلاب - که به طور طبیعی به دلیل مسائل روزمره و پیچیده ی انقلاب، فرصت تبیین و تعمیق مبانی دینی وجود نداشته است - توسط بانوان انجام شده است، شرعاً خوب و قابل دفاع است که اکنون پس از بیست سال، عمل کرد آن زمان، ملاک و معیار و حجت شرعی باشد؟⁽¹⁾ روشن است که عمل مقطعی عده ای از زنان در سال های نخست پر التهاب انقلاب، شرایط سیره ی متشرعه را ندارد تا قابل پذیرش باشد؛ و از این رو، نمی توان به آن استناد نمود؛ زیرا استفاده ی زنان از چادر رنگارنگ و گلدار در مواجهه با نامحرم، در صورتی که باعث جلب توجه نامحرم و تحریک مردان گردد، مخالف حجاب مورد قبول قرآن و سیره ی عملی فاطمه ی زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) و زنان انصار است، که در بیرون منزل از جلباب و چادر مشکی استفاده می کردند.

ثانیاً، داوری در باب پوشش خوب و کامل و شرعی، مسئله ای دقیق و پیچیده و تخصصی است که کارشناسان و متخصصان مسائل اسلامی،

ص: 87

1- . البته مخفی نماند که در حال و هوای اوایل انقلاب که زنان پس از ده ها سال بی حجابی زمان طاغوت، تازه به دوران انقلاب اسلامی قدم گذاردند، رعایت همان نوع و مقدار از حجاب نیز از سوی آنان قابل تقدیر است ولو این که حجاب آنها در حد حجاب شرعی برتر نبوده است.

يعني فقها و مراجع تقليد بايد در مورد آن اظهار نظر نمايند(1)؛

همانند مسائل پزشکي که اموري تخصصي اند و افراد غير متخصص در پزشکي، عقلاً و شرعاً مجاز به اظهار نظر درباره ي آنها نيستند.

ص: 88

1- . در پيوست آخر کتاب، تعدادي از نظرات مراجع تقليد را به عنوان کارشناسان و متخصصان مسائل اسلامي حجاب و لباس آورده ايم.

فصل چهارم: تعارض نمایی حجاب و آزادی

اشاره

ص: 89

فصل چهارم این نوشته به کالبدشکافی و پاسخ گویی به شبهات و پرسش هایی درباره ی رابطه ی آزادی و لباس و حق انتخاب پوشش توسط افراد، و برخی محدودیت های معقول و مشروع در امر حجاب و پوشش پرداخته است.

رابطه ی حد و مرزهای پوشش و عقده ها و حسرت ها

شبهه: محدودیت ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد و ایجاد عقده و حسرت می گردد؟(1)

پاسخ: واقعیت این است که محدودیت ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد نمی شود، بلکه دقیقاً برعکس، آزادی به معنای نفی محدودیت ها، باعث عدم احترام به افراد و انهدام ارزش ها می گردد. برای تصدیق این سخن، کافی است نیم نگاهی به طرز لباس پوشیدن افراد در

ص: 91

قسمت هاي مرفه نشين شهرهاي بزرگ، مثل تهران بيفكنيم و ببينيم كه چگونه اين افراد با سوء استفاده از آزادي، ارزش ها و هنجارهاي ديني مربوط به پوشش اجتماعي را كه قانوناً ملزم به رعايت آن هستند، زير پا مي گذارند و حتي آنها را به تمسخر مي گيرند.

اما اين كه گفته اند محدوديت در لباس، تنها باعث ايجاد عقده و حسرت در افراد مي شود، كلامي مبهم است و معلوم نيست مراد گوينده، چه اشخاصي هستند؟ اگر مراد گوينده اين است كه محدوديت ها در مورد لباس زنان و دختران جوان، باعث شكل گيري عقده ها و حسرت هاي جنسي و رواني در پسران جوان مي گردد، واقعيت اين است كه برعكس، آزادي پوشش به معنای نفي محدوديت در لباس بانوان و دختران جوان، باعث انعقاد حسرت ها در پسران مي گردد، و با اندك تأملي تصديق مي گردد در جامعه اي كه بخش عظيم آن جواناني هستند كه به دليل شرايط سني و تحريكات مختلف رواني به وسيله ي محصولات آلوده ي فرهنگي، مانند بعضي از فيلم ها، رمان ها و نوارهاي مبتدل، در معرض طغيان غرايز جنسي هستند و از طرفي ازدواج نيز در جامعه بسيار سخت شده است، چگونه ممكن است آزادي پوشش دختران جوان و نفي محدوديت در لباس، باعث شكل گيري عقده ها و حسرت هاي روحي و رواني پسران جوان در باره ي مسائل جنسي نگردد.

چه زيبا، امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روايتي فرموده اند:

النظر سهم من سهام ابليس مسموم كم من نظرة اورثت حسرة طويلة؛(1) نگاه ناپاك، تيري از تيرهاي مسموم و آلوده ي ابليس است و چه بسيار نگاهی که باعث عقده و حسرت طولاني مي گردد.

همين واقعيت در شعر شاعر اين گونه بيان شده است:

زدست دیده و دل هر دو فریاد *** که هرچه دیده بیند دل کند یاد

ولي اگر مراد گوینده ي محترم اين است که محدوديت در لباس و پوشش بانوان و دختران جوان، باعث شکل گيري عقده ها و حسرت هايي در خود دختران مي گردد؛ چون در آرزوي پوشيدن لباس هاي رنگين و مدل هاي مختلف آن ناکام مي شوند، در پاسخ مي گوييم.

اولاً، در فرهنگ اسلامي و قرآني، زنان نه تنها در استفاده از زينت آلات و لباس هاي زيبا منع نشده اند، بلکه تشويق نيز شده اند. جواز استفاده ي زنان از لباس زربافت و حرير، از جمله شواهد در نظر گرفتن علاقه ي فطري زنان به خودآرايي و زيباگرابي است.

امام باقر(عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روايتي فرموده است:

ص: 93

1- . محمد بن يعقوب كليني، فروع كافي، ج 5، كتاب النكاح، ص 559، حديث 12.

لاينبغي للمرأة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق في عنقها قلادة؛(1) سزاوار نيست زني خود را بدون زيور واگذارده، لااقل گردن بندي به گردن آويزد.

ولي اسلام در کنار توصيه ي زنان به خودآرايي، به منظور پاك ماندن محيط اجتماعي، به حجاب و پوشاندن زينت ها و زيبايي ها و عدم تبرج و خودنمايي در مقابل نامحرم نيز دستور داده است؛ چون نمايش زينت ها و لباس هاي زيبا باعث تحريك و تهيج مي شود.

و لا يبدن زينتهن الا لبعولتهن(2) غير متبرجات بزينة(3) و لا تبرجن تبرج الجاهلية الاولى(4).

ثانياً، رعايت اندازه و حدود لباس و پوشش، در معدودي از زنان و دختران كه در اثر تربيت نادرست، حاضرند براي اشباع غريزه ي خودآرايي، زيبايي هاي ظاهري و باطني خود را، حتي به مردان نامحرم نيز نمايش دهند، ممكن است عقده ها و حسرت هايي براي برخي ايجاد نمايد، ولي در مجموع، نمي توان انكار نمود كه حجاب، دستوري حكيمانه است كه براي سلامت روحي و رواني همه ي پسران جوان و حتي زنان،

ص: 94

-
- 1- . حر عاملي، وسائل الشيعه، ج 14، كتاب النكاح، ص 114، حديث 1.
 - 2- . سوره ي نور (24)، آيه ي 31.
 - 3- . سوره ي نور (24)، آيه ي 60.
 - 4- . سوره ي احزاب (33)، آيه ي 33.

خصوصاً گروهی که اندام و یا لباس زیبا ندارند مفید است. چه زیبا گفته است یکی از زنان مسلمان:

حجاب، حتی از ایجاد عقده‌ها و حسادت‌ها در میان زنان جلوگیری می‌کند. چرا باید زنی به خاطر این که اندام زیبا ندارد احساس حقارت و کوچکی کند و دیگری به واسطه‌ی داشتن اندام موزون و زیبا به دیگران فخر بفروشد. (1)

حدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی حجاب و لباس

شبهه: بعضی با این عبارت که «اصلاً مگر ما حق داریم راجع به لباس پوشیدنمان نظر بدهیم؟» (2) خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که افراد حق اظهار نظر درباره‌ی لباس را ندارند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، واقعاً جای تعجب است؛ با وجود این که برگزاری هم‌اندیشی با حضور جوانان و انتشار نظرهای آنها در سطح عمومی به وسیله‌ی روزنامه، خود بهترین دلیل و شاهد است که جوانان حق اظهار

ص: 95

1- فاطمه هرسن، حدیث هدایت در نشست با چند تن از بانوان غیر ایرانی (اتریشی) اینک دیگر رو به شرق نماز می‌گذاریم، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی 46، دی ماه 74، ص 23.

2- گیو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس پوشیدن، روزنامه‌ی نوروز، 18 / 4 / 80، ص 8.

نظر درباره ی لباس پوشیدن را دارند؛ لکن معلوم نیست چرا گوینده ی محترم به طور غیر واقعی، و به دور از صداقت، با تبلیغ به روش القایی در صدد تلقین وجود زور و فشار درباره ی لباس است.

ثانیاً، بدون تردید گوینده ی محترم قبول دارد که اظهار نظر نیز، همانند هر عمل دیگری باید مطابق قاعده و روشمند باشد؛ یعنی اظهار نظر در زمینه ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی مثل مسئله ی حجاب، حداقل باید براساس یکی از دو قاعده ی عقلایی زیر باشد:

الف) خود فرد در زمینه ای که اظهار نظر می کند متخصص و کارشناس باشد.

ب) به نظر متخصصان و کارشناسان، استناد و تکیه کند.

با دقت و مطالعه ی اظهار نظرهای افراد شرکت کننده در هم اندیشی، به روشنی فهمیده می شود که متأسفانه هیچ یک از دو قاعده ی عقلایی فوق در آن رعایت نشده است.

ثالثاً، درباره ی اظهار نظر افراد غیر متخصص، مثل جوانان شرکت کننده در هم اندیشی مذکور، سه دیدگاه مهم قابل طرح است:

الف) دیدگاه افراطی. دیدگاهی که می گوید افراد غیر متخصص نیز، حتی بدون استناد به نظر کارشناسان و یا حضور آنان در هر مسئله ی مهمی حق اظهار نظر دارند. برگزاری هم اندیشی جوانان درباره ی لباس، بدون حضور و نظر کارشناسان، و چاپ گزارش آن توسط روزنامه ی نورو،

مؤید این است که دیدگاه مذکور مورد قبول گزارش دهنده ی محترم و هم فکران ایشان است.

نقد: دیدگاه فوق قابل دفاع منطقی نیست؛ زیرا تردیدی نیست که اظهار نظر افراد ناآگاه درباره ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، بدون استناد به نظر کارشناسان و بدون حضور آنها، باعث طرح نظرات نادرست در اذهان مردم، خصوصاً جوانان می گردد. مهم تر این که وقتی این گونه نظرها در «روزنامه» منتشر گردد، پیامدهای منفی آن چندین برابر است؛ زیرا از مصادیق آشکار تشویش اذهان عمومی است.

ب) دیدگاه تقریبی. دیدگاهی که می گوید افراد به طور مطلق، هرگز حق اظهار نظر درباره ی هیچ مسئله ای را ندارند.

نقد: این دیدگاه نیز غیر منطقی است، و قابل دفاع عقلانی نمی باشد؛ زیرا مهم ترین لازمه ی منفی آن، احترام نگذاشتن به شخصیت افراد و تقویت استبداد رأی در جامعه است که امر مردودی می باشد. امیرمؤمنان امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در روایتی تصریح فرموده اند:

من استبدًا برأيه هلك و مَنْ شاور الرجال شاركها في عقولها(1)؛ هر انسانی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک و

ص: 97

1- . نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، حکمت 161، ص 500.

گمراه می شود؛ و هر کسی که با دیگران مشورت کند، در عقل های آنها شرکت جسته است.

ج) دیدگاه اعتدالی. دیدگاهی که می گوید افراد غیر کارشناس با استناد به نظر کارشناسان یا با حضور آنها، درباره ی مسائل مهم، از جمله لباس می توانند اظهار نظر کنند. این دیدگاه ایرادهای دو دیدگاه قبل را ندارد؛ بنابراین، دیدگاهی منطقی و قابل دفاع عقلانی است.

ما معتقدیم هم اندیشی جوانان درباره ی لباس اگر با مطالعه و تحقیق قبلی و با استناد به نظر کارشناسان و یا با حضور آنان برگزار می گردید، بسیاری از مطالب نادرست مطرح شده (1)

با تذکرات و راه نمایی های آنها جرح و تعدیل می شد و فرهنگ سازی به مفهوم صحیح و دقیق آن صورت می گرفت.

رابطه ی حجاب و فشارهای اجتماعی

شبهه: بعضی با این عبارت که «نگاه ارزشی به رنگ، موجب شده تا افراد کنترل های محسوس و غیر محسوسی را بر نوع پوشش خود از سوی اطرافیان و محیط های مختلف احساس کنند» (2)

ص: 98

-
- 1- ر.ك: مقاله ی نگارنده «هم اندیشی منطقی با جوانان درباره ی لباس» پاسخ به مقاله ی روزنامه ی نوروز با عنوان «هم اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن» روزنامه ی جمهوری اسلامی، تاریخ 19 و 21 شهریور 1380.
 - 2- اژدر شهابی، روزنامه ی آفتاب، 24 شهریور 1380، ص 6.

خواسته اند این گونه القای شبهه نمایند که نگاه ارزشی از سوی افراد و محافل دینی به حجاب دارای رنگ تیره، مثل چادر مشکی باعث می شود افراد دیگری که از حجاب های غیر مشکی استفاده می نمایند تحت فشار اجتماعی، روحی و روانی قرار گیرند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: این که هنجارها، ارزش ها، آداب و رسوم هر جامعه ای یک نوع فشار روحی و روانی بر افراد مخالف با آن هنجارها وارد می نماید، اجمالاً مورد قبول است؛ ولی این مطلب اختصاص به عدم استفاده از چادر مشکی ندارد؛ زیرا اگر یک زن محجبه نیز بخواهد با چادر مشکی وارد یکی از شهرهای کشورهای اروپایی - که زنان آن جا معمولاً بی حجاب یا بدحجاب هستند و اساساً از چادر مشکی استفاده نمی کنند - وارد شود، یا مثلاً در داخل ایران، زن محجبه ای از یک شهر مذهبی با چادر مشکی وارد منطقه ای گردد که غالباً بدحجاب هستند و یا از چادر کم تر استفاده می کنند، با فشارهای اجتماعی که از ناحیه ی محیط بدحجاب بر او وارد می شود مواجهه است؛ بنابراین، وجود این گونه فشارهای اجتماعی نشأت گرفته از فرهنگ و آداب و رسوم جوامع، مختص زنان غیر محجبه نیست، بلکه امری عمومی است.

نکته مهم این است که نوع پوشش در جامعه ی اسلامی باید معقول و مشروع و قابل دفاع عقلانی و شرعی باشد. هر فردی باید با توجه به ملاک

یاد شده عمل نماید و نیز تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نگردد و به تعبیر قرآن، در راه خدا و احکام الهی تلاش کند و از سرزنش دیگران نهراسد:

يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم. (1)

در روایتی از امام کاظم (عَلَيْهِ السَّلَام) در درباره ی چشم و هم چشمی نکردن و دهن بین نبودن و تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نشدن، چنین آمده است:

یا هشام: لو كان في يدك جوزة وقال الناس في يدك لؤلؤة وقال الناس انها جوزة ما ضرك و انت تعلم انها لؤلؤة؛ (2) ای هشام اگر گردویی داشته باشی و همه بگویند لؤلؤ است سودت ندهد و تو خود می دانی که گردوست و اگر لؤلؤی در دستت باشد و مردم بگویند گردوست، زیانت نرساند و تو خود می دانی که لؤلؤ است.

ص: 100

1- . سوره ی مائده (5)، آیه ی 54.

2- . ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص 45.

رابطه ي حجاب و پوشش و مسئله آزادي

شبهه: بعضي با اين عبارت كه «چرا نمي گذارند آن طور كه دوست داريم لباس بپوشيم»⁽¹⁾ خواسته اند اين گونه ادعا نمايند كه در لباس پوشيدن آزاد نيستند. آيا ادعاي مذكور صحيح است؟

پاسخ: اولاً، برخي عبارت هاي گوينده ي محترم، مثل اين عبارت كه «مونا شاهرخي و بهزاد خليفه، همين لباسي را كه پوشيده اند دوست دارند»⁽²⁾

حاكي از عدم صحت ادعاي فوق است؛ زيرا عبارت ذكر شده گوياي اين است كه افراد ياد شده همان لباسي را كه دوست دارند پوشيده اند و در پوشيدن لباس آزاد بوده اند.

ثانياً، واقعيت خارجي، حاكي از لباس پوشيدن افراد براساس ملاك هاي مورد علاقه ي خود و با تفاوت بسيار از نظر جنس، مدل و رنگ است كه روزانه در كوچه و خيابان نيز با آن مواجهيم، و برخي عبارت هاي روزنامه ي نوروز نيز تكذيب كننده ي ادعاي ياد شده است؛ زيرا گزارش دهنده ي محترم نيز به يك دنيا تفاوت در لباس هاي افراد شركت كننده در هم انديشي كه نمونه ي كوچكي از يك دنيا تفاوت در لباس پوشي افراد جامعه است تصريح کرده است «به نحوه ي لباس

ص: 101

1- . گيو نمازي، روزنامه ي نوروز، 18 / 4 / 80، ص 8، ستون دوم.

2- . همان.

پوشیدن ها که نگاه می کنی متوجه کلی تفاوت می شوی. مهدی جبرکش را با تی شرت مشکی و شلوار جین می بینی که کنار امیر رسولی با پیراهن چهار خانه ای که یقه اش را کیب بسته نشسته است. بین لباس های ملیحه و کتایون یک دنیا تفاوت دیده می شود.» (1)

ثالثاً، اگر مراد گوینده این است که افراد به طور مطلق و بدون پذیرش هیچ حد و مرزی، هر لباسی را که دوست دارند بتوانند بپوشند ولو مطابق هنجارها و ارزش های معقول و مقبول جامعه نباشد، پاسخ این است که چنین آزادی مطلقی وجود ندارد و به فرض وجود، معقول نیست. موجود نیست، چون ما عملاً مشاهده می کنیم حتی در کشورهایی، مثل فرانسه که می گویند مهد آزادی است چگونه از پوشش دلخواه دختران محجبه جلوگیری می کنند، اما معقول نیست؛ زیرا عقل نیز حکم می کند که تمام اعمال و رفتار اعضای جامعه، از جمله لباس پوشیدن، باید تحت ضابطه و قانون مشخص و معقولی انجام گیرد تا آن جامعه در فرهنگ پوشش دچار هرج و مرج نگردد.

رابعاً، اگر در موردی فردی دوست داشته باشد لباس خاصی را بپوشد، لکن خودش با تأمل و دلیل منطقی، یا با تذکر و راه نمایی دیگران، یا حتی تحت تأثیر فشار اجتماعی برآمده از فرهنگ صحیح جامعه و

ص: 102

1- . همان.

آداب و رسوم مردم، پوشش و حجاب منطقی دیگری را ترجیح داد، شبیه آنچه که در گزارش هم اندیشی نیز آمده است «ملیحه رضاخان با اشاره به مقنعه اش می گوید حقیقت این است که می خواستم روسری سر کنم، اما فکر کردم شاید این جا (نشست هم اندیشی) زیاد خوب نباشد»⁽¹⁾

تردیدی نیست که در این گونه موارد، آزادی فرد سلب نشده است، بلکه فرد بر اساس پذیرش این اندیشه منطقی طرح شده در ضمن هم اندیشی «لباس خوب، لباسی است که در عین سادگی، مناسب هم باشد. هر لباسی برای جایی خوب است و باید عرف و فرهنگ را در انتخاب لباس رعایت کرد»⁽²⁾

بلوغ فکری خویش را به نمایش گذارده و به طور منطقی پذیرفته است که نباید تابع احساسات و علایق زودگذر بود، بلکه باید بر اساس ملائک و معیارهای معقول و مشروع، به تناسب هر جایی لباسی متناسب با آن را انتخاب کرد؛ و ممنوعیت استفاده از لباس شهرت در احکام نورانی اسلام نیز بر اساس همین نکته است. این عین حریت و آزادی مطلوب است که انسان خودش را از قید و بند شهوت و از جمله شهوت مدپرستی رایج در جامعه آزاد نماید و چه نیکو فرموده است امیر مؤمنان امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ):

ص: 103

1- . گیو نمازی، هم اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه ی نوروز 18/4/80 ص8، ستون آخر.

2- . همان.

من ترك الشهوات كان حراً؛⁽¹⁾ هر کسی که شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی را ترك نماید، آزاد است.

سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله ی حجاب

* «دختری که در آرزوی پوشیدن يك بلوز بلند و شلوار گشاد است، نه نامسلمان است، نه بی‌دین و نه هرج و مرج طلب؛ بد نیست گاهی به صداقت او هنگام نماز هم بیندیشیم»؛⁽²⁾ چه مغالطات و سوء استفاده‌ای از عواطف مذهبی جوانان در تعبیر فوق صورت گرفته است؟

* اولاً، ما نیز قبول داریم که هر دختر جوانی که در آرزوی پوشیدن لباس‌های فوق‌است، لزوماً نامسلمان و یا بی‌دین نیست، بلکه برعکس، معتقدیم چون زنان به طور فطری و غریزی بیش‌تر از مردان به خودآرایی و زیبایی خود اهمیت می‌دهند، در احکام نورانی اسلام که مطابق با فطرت انسان است با تشویق زنان به آرایش و خودآرایی، زمینه‌ی اشباع و پاسخ‌گویی این نیاز زنان به خوبی فراهم شده است؛ ولی اسلام علاوه بر

ص: 104

1- . محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ج2، ص352، واژه‌ی حریت.

2- . گیو‌نمازی، روزنامه‌ی نوروز، 18 / 4 / 80، صفحه‌ی 8، ستون پنجم.

نیاز فطری مذکور، نیاز فطری دیگر زنان به حجاب و پوشش را نیز در نظر گرفته است؛ و چه زیبا در احکام متعالی خویش بین دو نیاز فطری و غریزی زنان، یعنی نیاز به خودآرایی و نیاز به حجاب و پوشش جمع نموده است. از طرفی زنان را تشویق نموده که از زیورآلات و دیگر پوشش های زیبا استفاده نمایند و از طرف دیگر، به زنان دستور داده است از طریق حجاب و پوشش، از ارائه و نمایش آن به نامحرم و در نتیجه، تحریک روحی و روانی دیگران اجتناب نمایند.

ثانیاً، منکر صداقت جوانان عزیز نمازخوان در موقع نماز نیستیم، بلکه به صداقت آنان می اندیشیم و به آن احترام می گذاریم؛ ولی معتقدیم نباید آن گونه که عبارت گوینده می محترم القا می کند، عواطف مذهبی جوانان، مثل صداقت در نماز، مورد سوء استفاده و مغالطه قرار گیرد.

ثالثاً، معتقدیم اگر صداقت در نماز همراه با عفت و نجابت در پوشش مقابل نامحرم نباشد، مقدار صداقت در نماز هم مورد تردید قرار می گیرد؛ زیرا احکام نورانی اسلام احکامی یک پارچه است که باید به تمام آنها مؤمن و عامل بود.

هم چنین معتقدیم اعمال صالح در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، به گونه ای که انجام یک عمل صالح در تشویق انسان به سمت کارهای صالح دیگر و ترک کارهای منکر و ناپسند مؤثر است؛ با این توضیح که

مثلاً قرآن نماز را بازدارنده از کارهای ناشایست و نامطلوب معرفی می کند:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. (1)

و از طرفی چون قرآن شکل حجاب بیرون از منزل بانوان در مقابل نامحرم را مقنعه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (2) و چادر «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (3) معرفی می نماید؛ بنابراین، پوشیدن بلوز بلند و شلوار گشاد بدون مقنعه و چادر را برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم کاری ناشایست و نامطلوب می داند؛ زیرا باعث جلب توجه نامحرم و تحریک روحی و روانی می گردد، و روشن است که یک دختر متدین و نماز خوان، کاری که قرآن آن را نامطلوب می داند، انجام نخواهد داد.

ص: 106

1- . سوره ی عنکبوت (29)، آیه ی 45.

2- . سوره ی نور (24)، آیه ی 31.

3- . سوره ی احزاب (33)، آیه ی 59.

شبهه: بعضی با این عبارت «سیاه که در اسلام مکروه است. من نمی دانم! مقررات می گوید رنگ تیره، جوراب ضخیم، ماتتوی بلند و گشاد، آستین بلند، شلوار پارچه ای گشاد، همین و همین و همین» (1) این گونه القای شبهه کرده اند که مقررات موجود لباس پوشیدن زنان در کشور، خلاف اسلام است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

توضیح: نگارنده ی محترم به ناحق در بخشی از یک سناریوی خود ساخته، با قطعی گرفتن کراهت رنگ سیاه به طور مطلق از دیدگاه اسلام به مخاطب این گونه القا نموده که چون در مقررات فعلی، اصرار و اجبار بر استفاده از لباس های تیره و سیاه است؛ بنابراین مقررات موجود، خلاف اسلام است.

پاسخ: اولاً واقعیت بیرونی لباس پوشیدن بانوان در سطح جامعه و استفاده از انواع و اقسام جوراب های نازک و ماتتوهای کوتاه و شلوارهای تنگ با رنگ های بسیار متنوع، حاکی از این است که یا اساساً مقررات یاد شده وجود خارجی ندارد، یا بر فرض وجود، متأسفانه به آن عمل نمی شود؛ ولی به هر حال، نتیجه ی هر دو احتمال مذکور واقعیت نداشتن

ص: 107

اجبار بر پوشش خاصي است که عبارت گوینده ي محترم، به دروغ و به طور غير واقعي القا کننده ي آن است.

ثانياً، فرض مي کنيم ادعای ایشان واقعيّت خارجي داشته باشد، همان گونه که قبلاً گذشت حجاب تيره براي بانوان و دختران (در مواجهه با نامحرم) کراهتي ندارد؛ بنا براین، ادعای کراهت لباس تيره و مشکي براي بانوان و دختران اساساً نادرست است؛ اما موارد ديگر، مثل جوراب ضخيم، مانتوي بلند و غيره، چون در راستاي تأمين حجاب بيش تر و بهتر بانوان است، مورد قبول اسلام است؛ لذا مقررات مذکور بر فرض وجود، خلاف اسلام نيست.

شبهه: بعضي با اين عبارت که «بايد به انسان دنياي امروز اجازه داد که خودش لباس انتخاب کند»⁽¹⁾ خواسته اند اين شبهه را القا کنند که انسان امروزي در انتخاب لباس آزاد نيست و به او اجازه نمي دهند خودش لباس انتخاب کند. آیا ادعای مذکور صحيح است؟

پاسخ: اولاً، واقعيّت خارجي رفتن افراد، اعم از مرد و زن، دختر و پسر، جوان و غير جوان به مغازه هاي لباس فروشي و گاهي صرف

ص: 108

1- . گيو نمازي، روزنامه ي نوروز، 18 / 4 / 80، صفحه ي 8، ستون چهارم.

ساعت ها وقت براي انتخاب يك مدل و رنگ خاص، حاكي از اين است كه افراد در انتخاب لباس آزادند؛ البته طبيعي است كه در هر جامعه اي به تناسب هنجارها و ارزش هاي حاكم بر جامعه، نوع خاصي از لباس ها و پوشش ها در مغازه ها وجود دارد كه به نحوي انتخاب افراد را محدود مي كند، ولي اين امر عمومي است و اختصاص به جامعه ي ما ندارد.

ثانياً، در اين كه انسان موجودي انتخاب گر است، تفاوتي بين انسان امروز و ديروز نيست؛ مهم كيفي و ارزشمند بودن انتخاب است. دو شرط زير در کنار يكدیگر يك انتخاب را كيفي و ارزشمند مي كند:

الف) انتخابي كه از روي شناخت و آگاهي صحيح و كامل صورت مي گيرد.

ب) انتخاب آگاهانه اي كه منجر به تأمين منافع و مصالح حقيقي انسان، اعم از منافع اخروي، دنيوي، فردي و اجتماعي گردد. در خصوص انتخاب لباس نيز همين دو شرط صادق است.

ثالثاً، فرض كنيد دختر جواني با لباس بسيار نازك و بدن نما از منزل بيرون بيايد؛ اگر از او سؤال كنيد اين چه نوع لباسي است كه پوشيده اي؟ و او در جواب بگويد لباسي است كه خودم انتخاب کرده ام؛ آيا عقل سليم و شرع حكيم چنين اجازه اي به او مي دهد كه با لباس مذکور وارد جامعه شود و باعث تحريك و تهيج جنسي جوانان گردد؟ ما مطمئن هستيم كه

پاسخ شما نیز به این سؤال منفي است؛ زیرا شما نیز انسان منطقي و معقولي هستيد و چهارچوب هاي معقول و مشروع را قبول داريد.

ص: 110

علاوه بر فواید بسیار زیاد فردی و اجتماعی حجاب در شکل چادر، حجاب چادری بانوان در انقلاب های دینی، یک سمبل و نماد مبارزه با اهداف استعماری و استکباری نیز هست. قبلاً در فصل اول کلامی از فرانتس فانون درباره ی سمبل و نماد ضد استعماری بودن حجاب چادری زنان در انقلاب الجزایر بر ضد دولت فرانسه نقل شد. به اعتراف دشمنان انقلاب اسلامی، این سمبل و نماد بودن در مورد حجاب چادری بانوان ایرانی نیز وجود دارد. ریون کرکت (ادوارد شرلی) صهیونیست و مسئول سابق شبکه جاسوسی سیاه در ایران می گوید: «چادر نمادی است که وجود انقلاب را در سر هر چهار راه به نمایش می گذارد؛ با چادر می توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده و جاوید است»⁽¹⁾ به رغم این که دشمنان چنین صریح خشم خود را درباره ی چادر اظهار

ص: 113

1- . هفته نامه ی فیضیه، کشف حجاب به روش مدرن، 15 بهمن 1379 ص 1.

مي دارند، متأسفانه عده اي در داخل در صدد مخدوش جلوه دادن کارآمدي حجاب در شکل چادر هستند؛ از اين رو، فصل پنجم اين اثر به بررسي کارآمدي حجاب و پوشش اسلامي در غالب چادر و چادر مشكي پرداخته است.

مسئله ي دست و پاگیر بودن حجاب در شکل چادر

شبهه: بعضي در کارآمدي چادر اين گونه شبهه کرده اند که «اين نوع حجاب دست و پاگیر است.»⁽¹⁾ آیا ادعای مذکور صحيح است؟

پاسخ: اولاً، گرچه حجاب در شکل چادر رایج ایرانی، ممکن است برای برخي افرادی که از سنين کودکی استفاده از آن را تمرین نکرده اند، مقداري مشکل باشد، ولي برای همه ي زنان، خصوصاً بانواني که تجربه ي کافي استفاده از آن را دارند مشکل نیست. به همین دلیل اگر از زنان متدیني که از سنين قبل از بلوغ به استفاده از چادر عادت کرده اند سؤال شود که آیا استفاده از چادر برای شما دست و پاگیر است، پاسخ آنها منفي است.

ثانياً، یکی از علل دست و پاگیر دانستن چادرهاي ایرانی و سختي کنترل آن برای بعضي از بانواني که خیلی استفاده از آن را تمرین

ص: 114

1- زیبا میر حسيني، پیام زن، شماره ي 49. ص 45. لازم به تذکر است که پاسخ شبهه ي مذکور، به طور مختصر در خود مجله نیز آمده است.

نکرده اند، باز بودن جلوي آن است، که براي حل اين مشکل نيز زنان و دختران مي توانند از «عباءة» چادرهاي مشکي زنان عرب که داراي آستين است استفاده نمايند که کنترل آن آسان است. هم اکنون نيز عده اي از زنان و دختران ايراني از اين نوع چادر استفاده مي کنند.

حجاب مشکي در تابستان

شبهه: بعضي گفته اند: «چون رنگ مشکي نور را جذب مي کند، پس در تابستان معمولاً نمي توان دختران را به حجاب تيره (مثل چادر مشکي) تشويق کرد».⁽¹⁾

آيا اين ادعا صحيح است؟

پاسخ: اولاً، پوشش تيره و مشکي در بعضي از مناطق که داراي تابستان گرم است، اساساً براي دسته اي از بانوان و دختران باعث مشقت نيست و براي دسته اي ديگر، بر فرض مشقت آور بودن، قابل تحمل است.

دسته اول (کساني که در تابستان گرم، حجاب مشکي براي آنها مشقت ندارد) بانوان و دختران معتقد و مؤمني هستند که به نقش حجاب برتر، مثل چادر مشکي، اعتقاد و باور راسخ دارند؛ از اين رو نسبت به بعضي مشکلات احتمالي آن، احساس مشقتي ندارند.

ص: 115

1- . عباس اللهيار، روزنامه ي ايران، شماره ي 1623، 28 شهريور ماه 79، ص 6.

اساساً وقتي انسان عملي را از روي عقیده ي راسخ انجام دهد نسبت به عوارض و پیامدهای سخت آن احساس مشقتي ندارد. در سیره ي انبيای الهي و معصومین (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، اصحاب و یاران ائمه ي اطهار (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و عالمان مجاهد، نمونه های بسیار زیادی وجود دارد که در برابر مشقت های نشأت گرفته از پذیرش يك عقیده و ایمان، احساس مشقتي نداشته اند. (1)

در روایتی از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز تصریح شده است؛ «ما صَدَّ عُنْفَ بَدَنِ عَمَّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ النِّيَّةُ»؛ (2) جسم و بدن انسان، در مقابل کارهایی که بر اساس نیت و اعتقاد درونی قوی انجام می گیرد، احساس ضعف و مشقت نمی کند.

در جریان اسارت زنان اهل بیت (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پس از قیام خونین عاشورا و هم چنین کشف حجاب زنان به وسیله ي رضاخان در ایران، حکایت ها و خاطرات تاریخی و ماندگار فراوانی از مقاومت و پایداری زنان مؤمن و عفیف در مقابل بی حجابی نقل شده است. (3) مطالعه ي این حکایت ها برای بانوان و دختران جوان و عفیف بسیار آموزنده و افتخارآمیز است.

ص: 116

1- . به عنوان نمونه ر.ک: سید اسماعیل گوهری، آرزوی شهادت در بیان معصومین (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ص 75.

2- . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 10، ص 270.

3- . ر.ک: احمد عابدینی، «عاشورا حفظ کرامت و حجاب» مجله ي پیام زن، شماره ي 69، ص 38 و حکایت کشف حجاب، از سری کتاب های تاریخ تهاجم فرهنگی، نشر مؤسسه ي فرهنگی قدر ولایت.

از این قضایا به خوبی استفاده می‌شود که زنان مؤمن، نه تنها احساس مشقتی نسبت به حجاب نداشته‌اند، بلکه برعکس، جدایی آنها از حجاب برتر، مثل چادر مشکی، باعث اذیت و آزار روحی آنان بوده است. در قضیه‌ی کشف حجاب رضاخان نقل شده است که برداشتن چادر از سر زنان باعث گردید که عده‌ای از آنها از شدت غصه و ناراحتی دق و فوت نمایند. (1)

اما دسته‌ی دوم (کسانی که ممکن است حجاب تیره و مشکی برای آنها مشقت داشته باشد، ولی سختی و مشقت آن را تحمل می‌کنند) بانوان و دخترانی هستند که به دلیل قرار داشتن در محیط دینی و مذهبی خانواده و جامعه، از کودکی به این گونه حجاب عادت نموده‌اند؛ لذا در بزرگ سالی، سختی احتمالی حجاب مشکی برای آنها قابل تحمل است.

در علم روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، در مبحث عادت گفته می‌شود که اگر انسان از کودکی به انجام کاری عادت کرد، نه تنها انجام آن برایش مشقت آور نیست، بلکه برعکس، ترک و جدایی از آن عمل برایش مشقت دارد. همین نکته‌ی مهم، رمز و راز توصیه‌ی ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) به والدین در عادت دادن فرزندان به کارهای شایسته‌ی، مثل

ص: 117

1- . غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 48.

نماز و اذکار آن و روزه ي ناقص در سنين کودکی است. (1) بر اساس همین تأثیر شگرف مقوله ي تمرین و عادت متربی به کارهاي شایسته، و به موازات آن آگاهی بخشی درباره ي آثار مثبت کارهاي خیر است که معمولاً در کتاب هاي تربیت اسلامي از روش هاي تربیتی، هم چون «تلقین به نفس» و «تحمیل بر نفس» در کنار دیگر روش هاي تربیتی مهم، مثل «اعطای بینش» بحث مي شود. (2)

بنابراین، با استثنا شدن دو دسته ي قبل نمی توان به طور مطلق و کلي ادعا نمود که حجاب مشکي در تابستان مناطق گرم، برای همه ي بانوان و دختران، فارغ از هر مقدار اعتقاد دینی و هر نوع محیط تربیتی مشقت دارد و نمی توان به آن تشویق کرد.

ثانیاً، اجمالاً می پذیریم که ممکن است حجاب مشکي در تابستان برخی از مناطق بسیار گرم برای بعضي از افرادی که از دو دسته ي قبل نیستند مشقت آور باشد، ولی نمی پذیریم تحمل هر گونه مشقت و سختي به طور مطلق غیر معقول و نامطلوب باشد. طبق آموزه هاي معصومین (علیهم السّلام) که تجربه ي زندگی انسان ها و واقعیت خارجي نیز مؤید آن است، اساساً زندگی دنیا بدون سختي و مشقت وجود خارجي ندارد. در احادیث، دنیا

ص: 118

-
- 1- . برای آشنایی با توصیه هاي مذکور به عنوان نمونه ر.ک: فروع کافی، ج 3، ص 409، و ج 4، ص 124.
 - 2- . برای اطلاع از روش هاي مذکور و نقش تربیتی آنها ر.ک: دکتر خسرو باقري، نگاهی دوباره به تربیت اسلامي، ص 68 - 86.

خانه ي محنت و سختي معرفي شده است: «الدنيا دار المحنة»⁽¹⁾ و «دار بالبلاء محفوفة»⁽²⁾. فلسفه و رمز و راز آميختگي دنيا با سختي و مشقت نيز اين است که انسان در وصول به سعادت الهي که براي آن خلق شده است به تحمل سختي هايي که سازنده ي کمال انساني هستند نيازمند است و به تعبير قرآن، چه بسا کاري داراي سختي باشد و انسان از انجام آن اکراه داشته باشد، ولي خداوند خير و نيکي انسان را در آن قرار مي دهد:

فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. ⁽³⁾

علاوه بر اين در متون ديني، دست يابي به کرامت ها و بهشت جاودان در گرو تحمل سختي دانسته شده است:

المكارم بالمكاره ⁽⁴⁾ بالمكاره تنال الجنة. ⁽⁵⁾

اساساً فلسفه ي همراهي بعضي از احکام و تعاليم، مثل روزه، حجاب و جهاد با کلفت و سختي، در واقع، براي تأمين نياز مندي مذکور بدون هيچ گونه تبعيض بين زن و مرد است؛ مثلاً اگر استفاده از حجاب کامل در تابستان مناطق گرم براي برخي بانوان و دختران با سختي و مشقت همراه

ص: 119

-
- 1- . آمدي، غرر الحکم و درر الکلم، ص 131.
 - 2- . همان.
 - 3- . سوره ي نساء (4)، آيه ي 19.
 - 4- . سيد اصغر ناظم زاده ي قمي، جلوه هاي حکمت، گزيده ي موضوعي کلمات امير المؤمنين علي (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ص 504.
 - 5- . همان.

است، طبق گفته ی قرآن کریم، بعضی از احکام الهی ویژه ی مردان، مانند جهاد نیز با سختی و مشکلات همراه است:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ. (1)

نکته ی جالب این است که همان گونه که بعضی افراد، امروزه به بهانه ی گرما، در حجاب و پوشش زنان در تابستان تشکیک می نمایند، طبق فرموده ی قرآن، عده ای راحت طلب برای جهاد مردان در هوای گرم نیز تشکیک می کرده اند و می گفتند در هوای گرم برای جهاد کوچ و هجرت نکنید «قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» (2)

که خداوند به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرماید در جواب آنها بگو:

نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ (3) اگر می دانستند حرارت آتش جهنم از حرارت گرمای تابستان بیش تر است.

علاوه بر نقل، عقل نیز در مواردی که تحمل سختی در زندگی دنیا باعث دست یابی به هدف والاتر و بالاتر است، حکم به مطلوبیت آن می کند؛ مثلاً اگر تأمین سلامت جسمانی انسان، به عنوان هدفی مهم، به انجام عمل جراحی سخت یا خوردن فلان داروی بسیار تلخ و مشقت آور

ص: 120

1- . سوره ی بقره (2)، آیه ی 216.

2- . سوره ی توبه (9)، آیه ی 81.

3- . همان.

نیازمند باشد. عقل و نقل هر دو حکم به لزوم تحمل سختی و مشقت می کنند، تا غرض بالاتر، که حفظ سلامتی جسمانی است، تأمین گردد.

چون شارع مقدس به عنوان یک طبیب روحانی (1)

تشخیص داده است که سلامت روحی و روانی افراد جامعه متوقف بر رعایت حجاب برتر، مثل چادر مشکی در مقابل نامحرم است، لذا پوشش چادر مشکی، حتی در هوای گرم، عقلاً و نقلاً امری راجح و مطلوب است؛ و برخلاف شبهاتی که بعضی با تبلیغات القایی منفی، به منظور فرهنگ سازی بر ضد چادر مشکی منتشر می کنند، تجربه ی بیش از بیست سال پس از انقلاب اسلامی و گسترش سریع استفاده از چادر مشکی در بین زنان و دختران مؤمن و عفیف، خود بهترین شاهد است که استفاده از این نوع حجاب مشکل نیست، و لذا قابل تشویق است. براساس نظرسنجی و تحقیقی که به تازگی صورت گرفته است 65 درصد از پاسخ گویان، استفاده از چادر مشکی را در مجامع عمومی پسندیده اند. (2)

علاوه بر عقل، ائمه (عَلَيْهِ السَّلَام) و خاندان اهل بیت نیز نظراً و عملاً انسان را به تحمل مشکلاتی، که در راستای سعادت و تکامل جسمانی و روحانی

ص: 121

1- ر. ک: دیباچه ی کتاب، روایت «یا عباد الله انتم کالمرضی و ربّ العالمین کالطیب...».

2- زنان و تازه های اندیشه، ماهنامه ی تحلیلی - خبری زنان، مهرماه 1380، پیش شماره ی 2، ص 51، به نقل از روزنامه ی ایران 30/5/80.

اوست، تشویق نموده اند. در بُعد نظری، امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در وصیته به فرزند خود، امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرموده اند:

عَوِّذُ نَفْسِكَ التَّصَبُّرِ عَلَيِ الْمَكْرُوهِ؛ (1) نفس خود را به صبر و بردباری بر کار سخت عادت بده.

در روایت دیگری، ایشان کارهایی را که انسان با اکراه و سختی بر خویشتن تحمیل می نماید از بهترین اعمال دانسته اند:

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ. (2)

در بُعد عملی نیز، فرزند امام سجاد (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید:

وقتی جدم امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) شهید شد، زنان بنی هاشم در عزای حضرت، لباس مشکی پوشیدند و این لباس را در گرما و سرما تغییر نمی دادند. (3)

حاصل این که صرف سخت بودن بعضی از احکام، مانند پوشیدن چادر مشکی در هوای گرم، باعث نمی شود که این گونه حجاب قابل ترویج و تشویق نباشد.

ص: 122

-
- 1- . نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه ی 31.
 - 2- . همان، حکمت 249.
 - 3- . البحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج 7، ص 118.

رابطه ي حجاب مشكي و بيماري هاي استخواني

شبهه: بعضي اين گونه ادعا کرده اند که استفاده از لباس هاي با رنگ سياه (مانند مقنعه و چادر مشكي) روي سلامتي خانم ها تأثير منفي دارد و باعث بيماري هاي استخواني مي گردد. (1) آیا ادعای مذکور صحيح است؟

پاسخ: اولاً، اگر گوینده ي محترم با استناد به پژوهش هاي ميداني مشخص و متعدد ادعا کرده بود که پوشش لباس هاي مشكي، علت ايجاد بيماري هاي استخواني است، آن وقت در حد يك احتمال مي توانستيم به ادعای مذکور توجه و آن را مورد مطالعه و بررسي بيش تر قرار دهيم؛ ولي از آن جايي که ادعا کننده هيچ دليل و مدرک علمي معتبري براي ادعای خود ارائه نکرده است؛ بنابراین، ادعای ایشان فاقد دليل و مدرک، و در نتيجه، فاقد ارزش و اعتبار علمي است.

ثانياً، برعکس ادعای فوق، کارشناسان، وجود رابطه ي بين پوشش لباس هاي مشكي و ايجاد بيماري هاي استخواني را انکار کرده اند. «استفاده

ص: 123

1- . فاطمه خاتمي، روزنامه ي ايران، شماره ي 1627، 2 مهر ماه 1379، ص 4.

از چادر و مقنعه - که مصداق بارز و رایج آن در جامعه ی امروزی ما چادر و مقنعه ی مشکی است - بیماری استخوانی ایجاد نمی کند. (1)

رابطه ی حجاب مشکی و افسردگی و اندوهناکی

شبهه: بعضی افراد این گونه ادعا کرده اند که استفاده ی مکرر از لباس هایی با رنگ تیره و سیاه (مثل مقنعه و چادر مشکی) می تواند به افسردگی بینجامد. (2) آیا ادعای مذکور صحیح است؟

ص: 124

- 1- . دکتر طباطبایی، روزنامه ی ایران، 28 شهریور ماه 1379.
- 2- . ر.ک: علیرضا امیر پور، روزنامه ی ایران، 3 مهر ماه 79، ص 4، و مجله ی زنان شماره ی 22، بهمن و اسفند ماه 73، ص 4؛ بر خلاف ایشان که خیلی با احتیاط اظهار نظر کرده اند، مجله ی زنان طی مصاحبه ای با مردم کوچه و بازار، با روش تبلیغ تلقینی و القایی، به طور صریح، ولی بدون ارائه ی هیچ دلیل و مدرک معتبری این فکر را ترویج نموده است که سیاه پوشی باعث افسردگی است. برخلاف مجله ی زنان در روزنامه ی آفتاب، در تاریخ 24 شهریور 1380، ص 6، آمده است: «ثابت شده است که رنگ سیاه ناخواسته روحیه ی افسردگی و ناامیدی را در افراد تشدید می کند». خوشبختانه ایشان نیز همانند روزنامه ی ایران، مقداری با احتیاط اظهار نظر کرده است؛ چون از واژه ی «تشدید» به خوبی آشکار می گردد که ایشان نیز قبول دارند پوشش سیاه، سبب ایجاد افسردگی نیست، بلکه فقط ممکن است بعضی از افرادی که در اثر عوامل دیگر دچار افسردگی شده اند، استفاده از لباس مشکی باعث تشدید افسردگی آنها گردد؛ البته دو نکته درباره ی این ادعا به نظر می رسد. نکته ی اول این که، ایشان ادعا نموده اند برای استفاده از لباس های رنگ سیاه چنین اثری ثابت شده است، اما متأسفانه همانند همه ی افرادی که چنین ادعاهایی می کنند، هیچ سند و مدرکی از کارشناسان قابل اعتماد و پژوهش های قابل اطمینان ارائه نداده اند. نکته دوم این که، اگر روان شناسان متخصص و متعهد درباره ی فردی که دچار افسردگی است تشخیص دادند که پوشش سیاه در مورد این فرد خاص باعث تشدید افسردگی او می گردد، در چنین موردی عقل و شرع به هیچ وجه او را ملزم به استفاده از لباس مشکی نمی کنند؛ کما این که درباره ی افرادی که دچار افسردگی نمی باشند نیز چنین الزامی وجود ندارد. آنچه که مطرح است این است که براساس یافته های روان شناسی رنگ ها، چون رنگ مشکی، رنگ صامت و غیر فعال است، استفاده ی زنان از این رنگ در مقابل نامحرم، باعث آرامش روحی و روانی افراد جامعه می گردد و به همین دلیل استفاده از چادر و پوشش مشکی برای بانوان در خارج از منزل و در مقابل نامحرم رجحان و مطلوبیت دارد.

پاسخ: از دو کلمه ي «مکرر» و «مي تواند» فهميده مي شود که ایشان دو مطلب را قبول دارد.

مطلب اول: ادعا کننده ي محترم قبول دارد که اگر استفاده از پوشش و لباس سیاه، مثل چادر مشکی، به طور مکرر و دایمی نباشد، بلکه فقط در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم باشد، باعث افسردگی نخواهد بود.

مطلب دوم: از کلمه ي «مي تواند» مي فهميم ادعا کننده ي محترم قبول دارند که حتي استفاده مکرر و دایمی از لباس سیاه فقط، به طور احتمالي ممکن است به افسردگی منجر شود؛ يعني این گونه نیست که بین پوشش مکرر و دایمی لباس تیره و مشکی و افسردگی رابطه ي قطعي و لزومی باشد.

بنابراین، مدعای ایشان مبين يك رابطه ي احتمالي بين استفاده ي مکرر از لباس سیاه و افسردگی است؛ ولي همین رابطه ي احتمالي نیز نادرست است؛ زیرا:

ص: 125

اولاً، ادعا کننده ي محترم، حتي براي اثبات همين رابطه ي احتمالي نيز دليل و مدرک ارائه نکرده است؛ بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دليل و مدرک و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمي است.

ثانياً، همين رابطه ي احتمالي و بدون دليل و مدرک گوینده ي محترم نيز نادرست است؛ زیرا یکی از روان پزشکان معتقد است «این حرف که پوشش تیره بانوان یا آقایان در جامعه دليل افسردگی است کاملاً سخن غلطی است و هیچ پایه ي علمي ندارد»؛⁽¹⁾

هم چنین بر اساس نتایج مشورت های علمي که نگارنده با بعضی از روان شناسان و روان پزشکان انجام داده، ممکن است افسردگی بعضی از افراد، علت تمایل آنها به پوشش سیاه باشد، ولي پوشش سیاه افراد علت ایجاد افسردگی آنها نیست؛⁽²⁾

و بین این دو نکته تفاوت بسیار ظریفی است و خلط بین آن دو باعث اظهار نظر نادرست ادعا کننده ي محترم گردیده است.

ص: 126

1- . دکتر برهانی (متخصص اعصاب و روان)، هفته نامه ي 19 دي (قم) شماره ي 155، 28/5/81، ص 9.

2- . یکی از قراین و شواهدی که مؤید این ادعاست که پوشش سیاه علت ایجاد افسردگی نیست این است که بسیاری از بانوان روان پزشک و روان شناس نیز از پوشش های مشکی استفاده می کنند.

اگر ادعا شود که همین تمایل احتمالی بعضی افراد افسرده به پوشش سیاه نیز مبین نوعی رابطه‌ی اجمالی بین افسردگی و پوشش تیره و مشکي است، باید گفت:

اولاً، رابطه‌ی فوق نیز، مانند رابطه‌ی قبلی، احتمالی و بدون ارائه‌ی دلیل و مدرک است و در نتیجه فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، بر فرض که رابطه‌ی احتمالی مذکور، با پژوهش‌های میدانی تأیید شود، باز هم نتیجه‌ی این پژوهش‌ها قطعی و قابل اعتماد نخواهد بود؛ زیرا کنترل تمامی عوامل و علایم تأثیرگذار در نتایج پژوهش‌های میدانی بسیار مشکل است.

توضیح مختصر این که، افسردگی از بیماری‌های روحی و روانی بسیار پیچیده‌ای است که دارای عوامل و علایم و تظاهرات رفتاری مختلف و حتی متضاد است؛ مثلاً بعضی افراد افسرده ممکن است به بی‌اشتهایی و عده‌ای دیگر به پرخوری متمایل شوند. در خصوص پوشش نیز ممکن است بعضی از افراد افسرده، به پوشیدن لباس تیره و عده‌ای نیز به لباس‌هایی با رنگ غیر تیره متمایل پیدا کنند؛ بنابراین، حتی استناد به پژوهش‌های میدانی نیز اثبات‌کننده‌ی مدعای مذکور نخواهد بود.

پس استفاده از چادر مشکي برخلاف ادعاهای به ظاهر علمی بعضی از افراد، نه تنها عارضه‌ی منفی ندارد، بلکه با فلسفه‌ی حجاب و پوشش زنان در مقابل نامحرم، یعنی عدم تهییج و تحریک و ایجاد آرامش روانی در

جامعه نیز سازگار است. امروزه در روان شناسی رنگ ها، این که رنگ مشکی رنگی صامت و غیر فعال است و باعث تحریک و جلب توجه نمی شود، یک واقعیت مسلم است. در کتاب روان شناسی رنگ ها درباره ی رنگ سیاه گفته شده است که «سیاه نمایانگر مرز مطلق است»؛⁽¹⁾

بنابراین، فردی که در مقابل نامحرم و در بیرون منزل، از حجاب مشکی استفاده می کند با این کار، مرز مطلق و کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می نماید. وقتی که خانمی در بیرون منزل چادر مشکی به سر می کند، می خواهد نشان دهد که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم حیا و عفت است، نه جای بی حیایی و هرزگی و هوسبازی؛ او با حجاب مشکی خود می خواهد نگاه تیز هرزگی و ابتذال را بشکند و نگذارد نامحرمی در حریم عفت و پاکی و نجابت او وارد شود و حرمت او را از بین ببرد.

هم چنین در روان شناسی رنگ ها آمده است که سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه ی مقابل «بله» یعنی رنگ سفید است؛⁽²⁾

بنابراین، وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می کنند، در واقع می خواهند به او «نه» بگویند؛ و در مقابل، آنهایی که لباس سفید می پوشند، در واقع راه

ص: 128

1- . دکتر ماکس لوشر، «روان شناسی رنگ ها»، ترجمه ی ویدا ابی زاده، ص 97.

2- . همان.

نگاه ها را به سوي خود باز مي گذارند و آنهابي كه لباس هاي رنگارنگ و جذاب مي پوشند خواسته يا ناخواسته خود را در معرض نگاه هاي هرزه و آلوده قرار مي دهند. از نظر رواني نيز وقتي انسان پارچه ي مشكي را مي بيند، ديگر چندان رغبتي براي نگاه كردن ندارد و خودبه خود نظر را برمي گرداند؛ و در مقابل، نگاه به رنگ هاي روشن چشم را باز مي كند و براي ديدن و استمرار آن رغبت ايجاد مي كند؛ و استفاده ي بانوان از لباس هاي رنگارنگ نيز باعث جلب توجه مردان نامحرم مي گردد.

در حديثي نقل شده است:

حضرت موسي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در يكي از مجالس خود نشسته بود كه ناگهان ابليس در حالي كه كلاه رنگين بر سر داشت وارد شد؛ وقتي به حضرت موسي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نزديك شد، كلاه رنگين خود را برداشت و به حضرت موسي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سلام كرد. حضرت موسي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پرسيد: تو كيستي؟ گفت: من ابليس هستم. حضرت موسي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت: خدا تو را هلاك كند، براي چه نزد من آمده اي؟ ابليس گفت: به خاطر مقام و منزلت تو در نزد خدا، آمدم سلامي به تو بگويم. آن حضرت سؤال كرد: آنچه بر سر داري (كلاه رنگارنگ) براي

ص: 129

چیست؟ ابلیس در پاسخ گفت: به وسیله ی آن قلوب فرزند آدم را می ربایم. (1)

بدون تردید، همان گونه که دنیا، در شکل کلاه رنگارنگ ابلیس، باعث فریفته شدن عده ی فراوانی می گردد، مظاهر رنگین دنیا، مثل لباس های رنگارنگ در اندام زنان و دختران جوان نیز، باعث فریفتگی مردان و جوانان می گردد و هیچ انسان منصفی در این مطلب تردید ندارد.

با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت که رنگ حجاب قرآنی (خمار و جلباب) نیز - آن گونه که از شواهد لغوی، حدیثی و تاریخی استنباط می گردد - مشکئی بوده است؛ و با عنایت به آنچه بیان شد که از نظر روان شناسی، رنگ مشکئی رنگی صامت و غیر فعال است و این ویژگی در تأمین فلسفه ی حجاب بانوان نقش بسیار مؤثری دارد. باید به نگاه روان شناسانه ی عمیق و حی قرآنی و به انتخاب زنان مسلمان و ایرانی آفرین گفت که در زمانی که هنوز روان شناسی در غرب از مادر علم متولد نشده بود، مادران و بانوان مسلمان و ایرانی به برکت تقوای الهی و نورانیت تعالیم دین مبین اسلام، روان شناسانه تر از دانشمندان امروزی، چادر مشکئی را برای حجاب بیرون از منزل خویش انتخاب نموده اند. (2)

ص: 130

1- . فیض کاشانی، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج 5، ص 177.

2- . حجت الله رحمانی، «اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکئی؟» نشریه ی فیضیه، ص 3، دوشنبه 7 آذر 1379 (با دخل و تصرف).

شبهه: برخی با این عبارت که «فریاد شادی ام را آوای شوم می دانند. چشم هایم را به روی شادی می بندند. من می خواهم سپید پوشم، شاد باشم، شادی کنم.» (1) خواسته اند ادعا نمایند که سفیدپوشی شادی آور و بالعکس سیاه پوشی، باعث حزن و اندوه می گردد. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً وارد نمودن اتهام مخالفت با شادی به عده ای نامعلوم، روش معقول و منطقی نیست. ای کاش گوینده ی محترم مرجع ضمیرهای «می دانند» و «می بندند» در عبارت فوق را مشخص می نمود، تا به طور صریح و شفاف می توانستیم با ایشان گفت وگویی منطقی داشته باشیم؛ به هر حال چون مخاطب اتهام یاد شده معلوم نیست، از بررسی آن صرف نظر می کنیم.

ثانیاً، این که گفته اند می خواهند لباس سپید بپوشند، باید گفت نوع و رنگ پوشش افراد، اعم از زن و مرد، در هر جامعه ای، متأثر از عوامل و شرایط مختلف شغلی، زمانی، مذهبی و غیره است؛ (2)

مثلاً پزشکان و

ص: 131

-
- 1- . مانا دشت گلی، «نکند پدرم مرا نشناسد»، روزنامه ی نوروز، 24 شهریور، 1380، ص 8.
 - 2- . یکی از افرادی که در زمینه ی عوامل و انگیزه های افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ لباس تحقیقات خوبی نموده است، نویسنده ی زن عرب زبان کتاب «دراسات فی سیکولوجیة الملابس» است. وی در فصل پنجم کتاب خود (ص 123 - 132) عواملی هم چون محیط، ارزش های حاکم بر یک جامعه، عادت ها، تقلیدها، و بالاخره معیارها و قوانین را از عوامل مؤثر در انتخاب پوشش ذکر می کند. وی هم چنین در فصل هشتم (ص 179) جلب توجه دیگران، زینت و خودآرایی، احتشام و حیا، برخورد و ارتباط با دیگران، مورد حمایت قرار گرفتن، تحقق ذات و بالاخره مدگرایی را از جمله انگیزه های روحی و روانی افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ پوشش ذکر می کند. برای آگاهی بیش تر ر. ک: دکترعلیه عابدینی، دراسات فی سیکولوجیة الملابس.

پرستاران در محیط کار خود از لباس سفید استفاده می کنند؛ دختران جوان، هنگام عروس شدن لباس سفید می پوشند و سپس آن را کنار می گذارند؛ رهبران دینی و طلابی که از سلسله ی جلیله ی سادات هستند، به طور دائمی از عمامه ی سیاه رنگ استفاده می کنند؛ برای مردان در مراسم احرام حج مستحب است لباس سفید بپوشند، ولی به دلیل حساسیت بیش تر نسبت به حجاب و پوشش زنان، به آنها شرعاً اجازه داده شده از همان لباس معمولی، ولو این که رنگ آن سفید نباشد، استفاده کنند. (1)

علاوه بر این، همه ی افراد، اعم از زن و مرد، از پوشیدن لباس شهرت؛ یعنی لباسی که مطابق شأن افراد نیست و باعث انگشت نما شدن آنان می گردد منع شده اند؛ (2)

و واضح است که رنگ های غیر متعارف یکی از عوامل تحقق لباس شهرت می باشد.

ص: 132

1- . حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، ج 9، کتاب الحج، روایات باب 33 از ابواب احرام، ص 41؛ و صدوق، المقنع، ص 229.

2- . حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الصلاة، ج 3، ص 354؛ و سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی، فصل شرایط لباس مصلی، مسئله ی 42.

حاصل این که ایشان، همانند هر فرد دیگری، خواه به عنوان يك فرد متدين و خواه به عنوان يك شهروند ایرانی، در مورد استفاده از لباس سپید، متأثر از عوامل مختلف یاد شده هستند و این مطلب منحصر به ایشان نیز نمی باشد، بلکه همه ي افراد در همه ي جوامع در انتخاب نوع و رنگ پوشش، متأثر از عوامل و شرایط متعددي شبیه عوامل و شرایط فوق هستند.

این که گفته اند مي خواهند شاد باشند و ديگران را نیز شاد کنند، بسیار مطلوب است. از نظر اسلام عزيز و احكام نوراني و مترقي آن نیز، شاد بودن و شاد کردن ديگران بسیار مورد تشويق و توصيه قرار گرفته است،⁽¹⁾ ولي آنچه در این جا شايسته ي توضيح مي باشد دو نکته ي بسیار مهم است:

نکته ي اول: عدّه اي با پذيرش این پيش فرض که استفاده از لباس مشكي، لزوماً نشانه ي عزا و فقدان شادي است، تلاش مي کنند افراد استفاده کننده از لباس هاي مشكي را افراد غمگين، و افراد استفاده کننده از لباس هاي رنگين را افراد شاد بدانند؛⁽²⁾ حال آن که این تصور و پيش فرض،

ص: 133

1- . به عنوان نمونه ر.ك: ميزان الحكمة، ج 4، ص 438، ذيل واژه ي سرور؛ هم چنين ر.ك. به كتاب هاي احاديث، ذيل واژه هاي سرور، بهجت، نشاط، فرح.

2- . به عنوان نمونه، مجله ي زنان، شماره ي 22، طي مصاحبه اي كوچه و بازاري و عوامانه با عنوان «خانم چرا سياه مي پوشيد؟» با روش تبليغ القايي، تلاش نموده است این تفکر را به مخاطبان خود تلقين نمايد.

نادرست است؛ زیرا نه همه ی افرادی که از لباس های مشکی استفاده می کنند، لزوماً افراد غمگین اند، و نه همه ی افرادی که از لباس های رنگین استفاده می کنند، لزوماً افراد شادی هستند؛ زیرا در جوامع و گروه های مختلف، لباس مشکی علامت و نشانه ی امور مختلفی قرار گرفته است؛ گاهی لباس مشکی علامت و شعار عده ی خاصی بوده است، مثل بنی عباس که پوشش مشکی شعار آنان بوده است، یا مثل سلسله ی جلیله ی سادات روحانی که استفاده از عمامه ی مشکی، علامت سیادت برای آنان است. براساس روایات، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز از عمامه ی مشکی استفاده می کردند. (1)

گاهی از نظر عده ای پوشیدن لباس مشکی نشانه ی زیبایی است؛ (2)

گاهی پوشش مشکی، نشانه ی وقار و سنگینی است، مثل هنگامی که بانوان از این پوشش در بیرون منزل استفاده می کنند؛ پس این که بعضی خیال می کنند التزام به پوشیدن چادر مشکی، منافی با شادمانی و ملازم با غم و اندوه و افسردگی است، تصور صحیحی نیست؛ دین و مذهب و پای بندی به احکام آن، مثل رعایت حجاب برتر و استفاده از چادر مشکی، باعث آرامش روحی و روانی خود بانوان و دیگر افراد جامعه است. قبلاً

ص: 134

1- . حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، کتاب الصلاة، روایت 10، ص 379.

2- . ناصر فرزانه، رنگ و طبیعت، دانش رنگ ها، ص 42.

درباره ي یافته هاي روان شناسي رنگ ها در باب مطلوبيت رنگ مشكي براي حجاب بانوان در بيرون منزل و مطلوبيت اين نوع حجاب از نظر متون ديني مطالبتي نقل شد. دليل كارنگي درباره ي هماهنگي و تناسب بين یافته هاي علوم جديدتي، مثل روان پزشکی و تعاليم پیامبران (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنین گفته است:

امروز جديدترین علم، يعني روان پزشکی همان چیزهایی را تعليم مي دهد که پیامبران به مردم آموختند؛ زیرا آنان در یافته اند که داشتن يك ايمان محکم، نگراني، تشويش، هيجان و ترس را برطرف مي کند. (1)

نکته ي دوم: عدم آگاهی از مفهوم جامع و کامل شادمانی باعث شده است که برخي شادي و نشاط را فقط در بُعد مادي و زودگذر آن منحصر نمایند و از شادمانی هاي اصیل که از اعتقاد به امور معنوي و پایدار به دست مي آید غفلت نمایند.

يکي از پژوهشگراني که ساليان دراز در غرب زيسته و درباره ي شادي تحقيقات فراواني کرده است، به دخالت عنصر معنويت و اعتقادات در ازدياد شادي هاي اصیل و پایدار تأکید فراوان دارد. ايشان معتقد است انسان براي نجات از مشکلات کنوني و دست يابي به شادي هميشگي بايد

ص: 135

1- . مجله ي زندگي، دفتر شادابي، ص 50، بهار 1379، به نقل از کتاب آيين زندگي، ص 37.

اعتقاد و باور خود را تصحیح کند و بپذیرد که در زندگی شادی هایی به مراتب عمیق تر از شادی ها و لذت های جسمانی وجود دارند که دست یابی به آنها نیازمند صرف وقت، تلاش و صبر و حوصله است. وی معتقد است با تقویت ارزش های انسانی، هم چون: عشق خدمت به مردم، خوش بینی، خیرخواهی، سپاس گزاری، رضایت، قناعت، گذشت و زدودن رذایل اخلاقی، می توان به شادی دست یافت. (1)

آیا بانوان مشکی پوش نمی توانند رنگ های غیر مشکی را بشناسند؟

شبهه: پدرم هیچ وقت مرا بیرون خانه نمی شناسد، می گوید همه ی شما سیاه پوشیده اید. راست می گوید، یکدست سیاهیم سیاه... از رنگ ها تنها سیاه را می شناسیم، نه قرمز را، نه آبی را، نه سبز را و نه بنفش را، (2) گوینده ی محترم در عبارت فوق دو ادعا نموده است.

ادعای اول: همه ی زنان در بیرون منزل لباس سیاه می پوشند.

پاسخ ادعای اول: اولاً واقعیت عینی و مشهود روزانه ی همه ی ما حاکی از این است که ادعای سیاه پوش بودن همه ی زنان ادعای درستی

ص: 136

1- . مجله ی زندگی، دفتر شادابی، ص 77، به نقل از مهدی بهادری نژاد، کتاب شادی و زندگی.

2- . مانا دشت گلی، «نکند پدرم مرا نشناسد»، روزنامه ی نوروز، 24 شهریور 1380، ص 8.

نیست. نگاهی به پوشش های رنگین خانم ها در سطح جامعه، اعم از شهرهای بزرگی مثل تهران و غیر آن و پوشش زنان روستایی استان های مختلف، تکذیب کننده ی ادعای مذکور است.

ثانیاً، فرض کنیم همه ی زنان در بیرون منزل و در مواجهه ی با نامحرم از مصادیق مختلف حجاب مشکی، مثل مانتو، مقنعه و چادر مشکی استفاده می کنند، پوشش های یاد شده، به دلیل تأمین حجاب و پوشش بهتر و بیش تر برای زنان، قابل دفاع عقلی و شرعی است. طبق تصریح فقها به عنوان کارشناسان مسائل دینی و اسلامی، بانوان در مواجهه با نامحرم نباید از رنگ های مهیج و تحریک کننده استفاده نمایند. (1) واضح است که یکی از بهترین رنگ های پوشش بانوان که حالت تهییج و تحریک نامحرم در آن وجود ندارد رنگ مشکی است. همان گونه که قبلاً گذشت، در روان شناسی رنگ ها این مطلب از مسلمات است که رنگ مشکی، رنگی صامت و غیرفعال و در مواجهه با نامحرم نگاه شکن است؛ و تردیدی نیست که این ویژگی رنگ مشکی، فلسفه و حکمت حجاب را که عبارت است از عدم تحریک پذیری و ایجاد آرامش روحی و روانی در سطح جامعه، بیش تر تأمین می کند.

ص: 137

1- ر. ک: توضیح المسائل فقها و مراجع تقلید، ذیل مباحث مربوط به پوشش محرم و نامحرم؛ و استفتائات آخر کتاب.

برخی مطبوعات و نویسندگان آنها باید به این پرسش جدی پاسخ دهند که چرا بدون ارائه ی هیچ دلیل معقول و منطقی و با سوء استفاده از زبان شعر و ادب، جنگ روحی و روانی را بر ضد حجاب و چادر مشکی آغاز کرده اند.

ادعای دوّم: استفاده از لباس و حجاب مشکی بانوان در بیرون منزل باعث می شود که استفاده کنندگان از حجاب های مشکی، رنگ های غیر مشکی را نشناسند.

پاسخ ادعای دوّم: اولاً، از نظر منطقی تلازمی بین استفاده از لباس های مشکی به طور مستمر در خارج از منزل و نشناختن رنگ های غیر مشکی نیست؛ زیرا استفاده از لباس های رنگین در مجالس زنانه، در داخل منزل و در مقابل افراد محرم، امکان شناختن رنگ های مختلف را فراهم می کند.

ثانیاً، علاوه بر داخل منزل، در خارج از آن نیز ایشان و دیگر بانوان می توانند از لباس های دارای رنگ های متنوع استفاده نمایند، البته به شرط این که به طریقی، مثل استفاده از چادر مشکی، در مواجهه با نامحرم آنها را پوشانند؛ زیرا تردیدی نیست که لباس های رنگین به دلیل زیبایی خیره کننده، از مصادیق عرفی زینت به شمار می آیند و بانوان و دختران براساس دستور قرآن، از تبرج و نمایش زینت ها به نامحرمان منع شده اند:

ولا تبرجن تبرج الجاهلية الاولى(1) و غير متبرجات بزينة.(2)

البته در مجالسي که افراد نامحرم حضور ندارند، مثل مجالس زنانه و هم چنين در حضور شوهر و افراد محرم، مي توانند از زيورآلات و زينت ها استفاده نمايند: «و لا يُبَدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...»(3)

حتي بالاتر از جواز در روايات به استفاده از زينت ها ترغيب و تشويق شده اند؛(4)

زيرا همان گونه که حجاب و پوشش، نياز فطري انسان، خصوصاً زنان است، استفاده از زيورآلات و خودآرايي نيز نياز فطري انسان، مخصوصاً بانوان است.

اين از امتيازات احكام نوراني و مترقي اسلام است که ضمن توجه و ضرورت پاسخ گويي به دو نياز مذکور، از طرفي با دستور الزامي زنان به رعايت حجاب و پوشش و از طرفديگر با تشويق آنان به استفاده از زيورآلات و زينت ها، به شرط عدم تبرج و نمايش زينت ها به نامحرمان، جلوي سوء استفاده را گرفته است، تا از اين طريق زمينه ي سلامت روحي و رواني افراد جامعه فراهم گردد.

ص: 139

1- . سورة ي احزاب (33)، آيه ي 33.

2- . سورة ي نور (24)، آيه ي 60.

3- . همان، آيه ي 31.

4- . حر عاملي، وسائل الشيعه، كتاب الطهارة، ابواب آداب الحمام باب 52. باب كراهة ترك المرأة للحلي و خضاب اليد.

از مباحث طرح شده در این اثر به خوبی آشکار شد که اسلام طرف دار حجاب بیش تر و حداکثر بانوان، به خصوص زنان و دختران جوان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، و بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس های بلند و گشاد، مقنعه و چادر مشکی، تأمین کننده ی حجاب بهتر و بیش تر و به اصطلاح، پوشش حداکثری هستند. از آن جا که در نوشته ی حاضر در پاسخ گویی به شبهات طرح شده بر ضد چادر مشکی، تأکید فراوانی نسبت چادر مشکی صورت گرفت، ممکن است مخاطبان تصور نمایند که نگارنده ی این اثر برای حجاب در شکل چادر مشکی موضوعیت قایل است؛ به گونه ای که برای انواع حجاب های دیگر بانوان ارزشی قایل نیست، ولی واقعیت غیر از این است؛ زیرا ما برای حجاب با چادر مشکی طریقت قایل هستیم؛ به این معنا که معتقدیم

حجاب با چادر مشکی به دلیل قراین و شواهد فراوان لغوی و تاریخی، دارای اصل و ریشه ی قرآنی است و به همین دلیل، فاطمه زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان بهترین الگوی زن مسلمان از آن استفاده می کرده اند، و لذا این گونه پوشش از مصادیق تأمین کننده ی حجاب برتر است؛ و همان گونه که گذشت هیچ یک از شبهات مخالفان چادر مشکی از کارآمدی و برتری آن نمی کاهد. در واقع یکی از پیام های اصلی نوشته ی حاضر این است که به مخاطبان بگوید که چرا عده ای با استفاده از شبهات و روش های القایی تبلیغ منفی، قبل از این که طرح مشخص و کاملی برای ترویج الگوی دیگری از حجاب برتر ارائه نمایند به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدین و عقیف استفاده کننده از چادر مشکی اقدام می کنند و به جای تبلیغ منطقی از حجاب و پوشش مورد علاقه ی خود، به تخریب چادر مشکی اقدام می کنند. روشن است که نتیجه ی چنین کاری ترویج لیبرالیسم و آزادی در پوشش در سطح جامعه و کاهش مقدار حجاب و پوشش بانوان و روی آوردن آنان به حجاب حداقلی است. با توجه به مطلب فوق و با عنایت به این که از نظر قرآن، مقتضی و زمینه ی نافرمانی از حدود و چهارچوب های الهی در انسان موجود است؛ «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ».(1)

به خوبی می توان نتیجه گرفت که ترویج و تبلیغ حجاب و

ص: 141

1- . سوره ی قیامت (75)، آیه ی 5.

پوشش حداقلي به نفع جامعه نيست؛ زيرا تبليغ و ترويج اين گونه حجاب و پوشش، كم كم حجاب و پوشش اسلامي موجود در جامعه را به سمت بدحجابي و بي حجابي پيش مي برد - كه اكنون بعضي از علايم و آثار آن در برخي شهرهاي بزرگ آشكار گرديده است. با توجه به واقعيت موجود، بايد تمام ابزارهاي فرهنگ ساز جامعه از قبيل كتاب، مطبوعات و صدا و سيما را به سمت ارزش هاي اسلامي كه يكي از بارزترين آنها رعايت پوشش مطلوب است، هدايت نمود؛ لذا در پايان اين اثر به منظور حركت در مسير نهادينه شدن حجاب كامل اسلامي در جامعه، پيش نهادها و توصيه هايي ذكر مي گردد.

ص: 142

1. پیش نهاد می شود در کتاب های درسی دختران دوره های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، به طور سلسله وار مباحث مختلف حجاب و پوشش به ترتیب دوره های تحصیلی و با رعایت سطح بندي مباحث از ساده به پیچیده به شکل صحیح و زیبا طرح شود، تا دختران جامعه از همان خردسالی به عنوان مادران آینده، با مسائل مختلف حجاب، اعم از فلسفه و فواید حجاب، آثار فردی و اجتماعی آن، پیامدهای بدحجابی و بی حجابی و غیره آشنا شوند و نسبت به حجاب، اعتقاد راسخ پیدا نمایند، اگر دختران جامعه از همان سنین کودکی اعتقاد راسخ و عمیقی نسبت به حقانیت حجاب و مسائل آن، به عنوان يك حجاب درونی، پیدا نمایند یقیناً در مرحله ی حجاب بیرونی نیز بر اساس همان اعتقاد درونی عمل خواهند کرد. از آن جا که یکی از سوره های قرآنی که بسیاری از مسائل حجاب و پوشش در آن مطرح شده، سوره ی نور است؛ مناسب است که در مدارس

دخترانه، زمینه‌ی آشنایی عمیق و تفصیلی دختران با معارف قرآنی این سوره درباره‌ی حجاب و پوشش، به طور صحیح و دقیق و کارشناسی شده فراهم گردد.

2. پیش نهاد می‌گردد از برخی محصولات فرهنگی، مثل مجله‌ها به صورت ویژه‌نامه‌های هر چند وقت یکبار برای تبیین علمی و جذاب مسائل حجاب برای دختران استفاده شود؛ به عنوان مثال شماره‌ی ششم مجله‌ی «حدیث زندگی» ویژه‌ی جوانان که توسط موسسه‌ی فرهنگی دارالحدیث چاپ می‌گردد، ویژه‌ی عفاف و حجاب است که مطالعه‌ی آن را به خواهران و بانوان توصیه می‌کنیم.

3. در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها که مقدار آگاهی و توانایی فهم دختران بیش تر است، جلسات پرسش و پاسخ درباره‌ی بعضی مسائل و شبهات جدید حجاب با حضور کارشناسان آگاه و مسلط دینی و اسلامی، با حضور زنان و خواهران مؤمن فرهیخته و دانشمند تشکیل گردد.

4. یکی از مراکز فرهنگی مهم که نقش قابل توجهی در گسترش حجاب کامل دارد، سیمای جمهوری اسلامی است؛ زیرا تمام فیلم‌ها و برنامه‌های آن نقش الگودهی بسیار مهمی برای مردم دارد؛ بنابراین، جا دارد مسئولان سیمای جمهوری اسلامی به الگوپذیری مردم، خصوصاً

زنان و دختران، از حجاب و پوشش هنرمندان و مجریان تلویزیون، توجّه و دقت جدی نمایند.

4. مراکز فرهنگی و رسانه های جمعی، مثل مطبوعات با نگارش آثار و مقالات علمی و استدلالی به تبیین مسائل مهم و اساسی حجاب برتر پردازند؛ زیرا همان گونه که از لابلای اثر حاضر روشن گشت، حجاب حداکثری و بیش تر بانوان یکی از احکامی است که دین اسلام، بانوان را به آن ترغیب و تشویق نموده است. نکته ی فوق به منزله ی یک ملاک و معیار برای ارزیابی فعالیت های مطبوعاتی در ارتباط با ترویج فرهنگ حجاب و پوشش در جامعه اسلامی است؛ به این معنا که اگر نتیجه ی فعالیت های مطبوعاتی در راستای تقویت و تحکیم منطقی حجاب و پوشش بیش تر و برتر باشد، می توان گفت مطبوعات جامعه ی اسلامی، در این مورد به وظیفه ی اسلامی خود عمل نموده اند؛ ولی اگر فعالیت های مطبوعاتی آنان منجر به تضعیف و تخریب مصادیق حجاب برتر باشد در حقیقت به رسالت مطبوعاتی خود عمل نکرده اند.

6. خانواده ها، خصوصاً مادران که مسئولیت سنگین تری در تربیت دختران و ارتباط بیش تری با آنها دارند، خود در مواجهه با نامحرم از حجاب کامل، مثل چادر استفاده نمایند، تا از این طریق فرزندان دختر نیز از همان کودکی با حجاب اسلامی آشنا شوند و با تمرین کردن نسبت به آن انس بگیرند. البته در کنار تمرین و عادت دادن آنان، لازم است مادران

ابعاد مختلف حجاب و پوشش و فواید آن را برای دختران تبیین و آنها را به رعایت پوشش کامل اسلامی تشویق، و در انتخاب دوستان آنها توجه نمایند که به مسائل شرعی و از جمله رعایت حجاب مقید باشند.

7. به دلیل تأثیرپذیری دانش آموزان و دانش جویان از مدیران و معلمان و اساتید، رعایت حجاب کامل از سوی کادر آموزشی مراکز آموزش و پرورش و دانشگاه تأثیر رفتاری و عملی فراوانی روی مخاطبان دارد. برای استمرار و تقویت حجاب کامل در بین کادر آموزشی، مسئولان مراکز مذکور باید با تصمیم گیری قاطع و منطقی اولاً، لزوم استفاده از حجاب کامل اسلامی را قانونمند کنند؛ ثانیاً، افرادی که حجاب کامل را رعایت می کنند به شکل های مختلف مورد تشویق قرار گیرند؛ ثالثاً، پس از تبیین منطقی حکم حجاب با افراد متخلف، به طور قاطع و جدی و قانونی برخورد نمایند.

8. اگر برخی مراکز فرهنگی از شعارنویسی روی دیوارها برای ترویج فرهنگ حجاب کمک می گیرند، در این زمینه باید از شعارهای جذاب و مثبت استفاده کنند، مثل: حجاب سلاح زن است در مقابل نگاه های آلوده؛ حجاب پند است، نه بند.

افراد آشنا به مسائل و کارهای فرهنگی، به خوبی می‌دانند که استفاده از شعارهای منفی و دارای دافعه، نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه بر عکس باعث لجباجت و مقاومت در افراد بی‌حجاب می‌گردد.

9. یکی از روش‌های تبلیغ منفی بر ضد حجاب، خصوصاً در شکل چادر این است که معمولاً افراد باحجاب و چادری را افرادی بی‌سواد و بدون فرهنگ معرفی می‌کنند و در مقابل، زنان بی‌حجاب را افراد با فرهنگ به حساب می‌آورند.

با توجه به این که ادعای فوق توسط بعضی افراد، خصوصاً رسانه‌های خارجی و غربی مطرح می‌گردد، به منظور اثبات نادرستی این ادعا دو پیشنهاد ارائه می‌گردد:

الف) الگوهای برجسته‌ی زنان محجبه و چادری در زمینه‌های مختلف به وسیله رسانه‌ها، مثل صدا و سیما و مطبوعات و ... از طریق بیان جلوه‌های زندگانی، و موفقیت‌های آنها در کسب مدارج علمی و فرهنگی معرفی گردند. یکی از مطبوعاتی که تا حدودی در این زمینه موفق بوده است، مجله‌ی «پیام زن» است. در شماره‌های مختلف این مجله مصاحبه‌هایی با زنان متدین و محجبه که دارای موفقیت‌های علمی و فرهنگی بوده‌اند انجام شده است، که مطالعه‌ی آنها به دختران و بانوان توصیه می‌گردد.

ب) شرکت فعال زنان محجبه و داراي مدارك علمي و فرهنگي سطح بالا در کنفرانس هاي خارجي و بين المللي، در خنثي نمودن تبليغات سوء رسانه هاي خارجي و غربي بر ضد زنان محجبه، نقش بسيار مؤثري دارد. يکي از نمونه هاي بارز آن، شرکت گسترده و عالمانه ي زنان محجبه در اجلاس پکن بود که نقش بسيار مؤثري را در تصحيح افکار جهانيان درباره ي زنان محجبه ايراني داشته است. (1)

10. همان گونه که حکومت هاي لائيک و ضد دين، مثل حکومت رضاخان در ايران و حکومت آتاتورک در ترکيه، با طرح کشف حجاب، به طور برنامه ريزي شده به مقابله با آن برخاستند؛ و رژيم طاغوتي شاه نیز به دليل ماهيت ضد ديني براي مقابله با دين و مقوله هاي ديني، مثل حجاب، داراي طرح و برنامه ي مشخص بود؛ (2) لازم است حکومت هاي ديني، از جمله جمهوري اسلامي نیز براي مقابله با بي حجابي و بدحجابي، که از مظاهر هجوم فرهنگي غرب است، داراي طرح روشن و مشخص و دقيق و کارشناسانه باشد؛ از اين رو، پيش نهاد مي شود شورايي از کارشناسان مسائل شرعي و جامعه شناختي و روان شناختي حجاب، با

ص: 148

1- . براي آگاهي از موقفيّت هاي زنان ايراني در اجلاس مذکور ر.ک: «همراه با زنان در سفرنامه ي پکن»، مجله ي پيام زن، ش 45-57.

2- . به عنوان نمونه، در مجله ي پيام زن، شماره ي 50، ص 18، طرح رژيم شاه در برخورد با حجاب و چادر چاپ شده است.

نظارت و حمایت شوراي عالي انقلاب فرهنگي تشكيل شود و طرحي جامع براي مبارزه ي سنجيده و کارشناسي شده با مقوله ي بدحجابي و راه هاي گسترش حجاب برتر تهيه نمايند. در تهيه ي طرح مذکور لازم است از تجربه هاي زنان محجبه و فرهيخته ي حوزوي و دانشگاهي نيز استفاده شود.

11. به زنان و دختران متدين و عفيف پيش نهاد مي شود به طور مستمر مطالعات و تحقيقات خود را درباره ي فلسفه، فوايد و مسائل حجاب افزايش دهند. اين کار دو فايده ي مهم دارد:

الف) اعتقاد و ايمان آنها به حقانيت احکام متعالي و نوراني اسلام، افزايش مي يابد و در نتيجه التزام عملي آنها به رعايت حجاب برتر بيش تر مي شود. (1)

ص: 149

1- . يکي از مصاديق برجسته و جالب در مورد تأثير آگاهي زنان مسلمان در التزام آنها به حجاب، حادثه ي شگفت انگيز محجبه شدن چند تن از زنان هنرپیشه ي مصري است که در يك اقدام غير منتظره حجاب و پوشش اسلامي را انتخاب نمودند. متأسفانه اين حادثه ي مهم در اثر بايکوت خبري رسانه ها در مطبوعات جهان، خصوصاً رسانه هاي غربي، انعکاس نيافت. مجموع مصاحبه هاي آنان را در شماره هاي 11 و 12 و 13 مجله ي پيام زن مي توانيد مطالعه نماييد.

ب) از طریق فوق بهتر می توانند به تبلیغ و ترویج صحیح و منطقی حجاب برتر اقدام نمایند و حتی در مواقع لازم، از طریق جهاد فرهنگی به پاسخ گویی شبهات مخالفان حجاب نیز اقدام نمایند. (1)

12. متأسفانه برخی مطبوعات، با روش سلبی، یعنی از طریق تخریب حجاب برتر، مثل چادر، به طور غیر مستقیم به ترویج حجاب و پوشش مورد علاقه ی خود می پردازند و چون این روش، روش صحیح و معقولی نیست، به این گونه مطبوعات توصیه می شود به جای پیش گرفتن روش تخریبی و سلبی، با ابزار منطق و دلیل به ترویج حجاب مورد نظر خود پردازند. به نمونه هایی از روش تخریبی و القانات منفی برخی مطبوعات برضد چادر مشکئی و حجاب برتر توجه کنید:

الف) مصاحبه ی عمومی کوچه و بازاری درباره ی مسائل تخصصی.

یکی از مجلات در يك مصاحبه ی عمومی با مردم کوچه و بازار، با طرح این پرسش که «خانم چرا سیاه می پوشید؟» (2)

با القای غیر مستقیم افکار انحرافی، سعی در تخریب حجاب تیره و چادر مشکئی نموده است.

ص: 150

1- . برای آشنایی با جهاد فرهنگی بعضی از زنان فرهیخته با مقوله ی کشف حجاب، به عنوان نمونه ر.ک: زینب بیگم شیرازی، «جوابیه ی ضاله طالبین رفع حجاب»، پیام زن، ش 112، ص 26.

2- . مجله ی زنان، سال سوم، بهمن و اسفند 73، شماره 22، خانم چرا سیاه می پوشید؟ به کوشش لیلی پورزن.

اساساً تردیدي نیست این گونه مصاحبه هاي كوچه و بازاری كه معمولاً نظره‌هاي علمي و كارشناسي در آنها مطرح نمي شود، در مورد مسائل تخصصي، مانند مسئله ي پوشش و لباس، ارزش و اعتبار علمي ندارد.

ب) استفاده ي ابزاري از جوانان. يكي از روزنامه‌ها نیز در عملي مشابه مصاحبه ي مذکور، در يك نشست، به همراه بعضي دختران و پسران، بدون حضور كارشناسان و بدون استناد به نظره‌هاي كارشناسي، به چاپ نظره‌هاي آنها درباره ي لباس پرداخته است. (1)

واضح است كه چنين روشي نیز از نظر علمي و كارشناسي فاقد ارزش و اعتبار است و بيش تر به استفاده ي ابزاري از جوانان شباهت دارد.

ج) استفاده ي ابزاري از ادبيات. روزنامه اي در يك قطعه ي ادبي، با القاي غير مستقيم، به نكوهش بعضي از مصاديق پوشش مشكي در سطح جامعه پرداخته است. (2) روشن

است كه درباره ي مسائل مهم و نیازمند كارشناسي، مثل مسئله ي لباس، نمي توان از نوشته هاي ادبي استفاده نظري و علمي نمود، بلكه بايد با برگزاري نشست هاي علمي و كارشناسي، كارآمدي يا ناكارآمدي يك نوع حجاب و لباس را مشخص نمود.

ص: 151

1- . گيو نمازي، هم انديشي جوانان درباره لباس پوشيدن، روزنامه ي نوروز 18 / 4 / 80، ص 8.

2- . مانا دشت گلي، «نكند پدر مرا نشناسد» روزنامه ي نوروز، 24 شهريور 1380، ص 8.

با توجه به روش های غیر عقلایی یاد شده، به این گونه مطبوعات توصیه می شود برای فرهنگ سازی صحیح و عمیق از روش های عقلایی استفاده نمایند.

13. همان گونه که در ضمن نوشته ی حاضر آشکار شد، علت بسیاری از اظهار نظرهای نادرست و غیر دقیق در زمینه ی ابعاد دینی حجاب، این است که افرادی بدون آشنایی با احکام دینی و بدون مطالعه و تحقیق درباره ی مسائل حجاب دینی و اسلامی، به خود اجازه ی اظهار نظر می دهند. واقعاً جای تعجب است که در عصر پیشرفت علم، بعضی از مطبوعات از مواجهه ی کارشناسانه با مقوله ی حجاب و پوشش گریزانند و با سوء استفاده از آزادی، به روش های غیر علمی و غیر منطقی روی می آورند؛ به رسانه ها و مطبوعاتی که در صدد طرح مسائل دینی و مذهبی هستند پیش نهاد می شود با ایجاد ارتباط صمیمی با حوزه ی علمیة ی قم و مراکز پژوهشی آن، زمینه ی همکاری نزدیک در طرح مسائل دینی به طور علمی و کارشناسانه را فراهم نمایند. شایسته ی ذکر است اکنون با تأسیس مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه، زیر نظر شورای عالی حوزه ی علمیة قم، زمینه ی همکاریهای نزدیک بین فرهیختگان حوزوی و اصحاب رسانه ها و مطبوعات به خوبی فراهم شده است.

14. مشکل دیگر - که در ضمن اثر حاضر موارد متعددی از آن مطرح گردید - این است که اظهار نظرها در زمینه ی حجاب در عرصه ی برخی مطبوعات، بعضاً بدون ذکر سند و مدرک و دلیل صورت می گیرد؛ مثلاً

فردی ادعا می کند که چادر در زمان قاجار جا افتاده است و ریشه ی دینی و مذهبی ندارد،⁽¹⁾

ولی هیچ سند و مدرکی برای ادعای خود نقل نمی کند. روشن است که این گونه اظهار نظرهای بدون سند و مدرک فاقد ارزش علمی است؛ از این رو به مطبوعات توصیه می گردد در بیان ادعاها و اظهار نظرها، علاوه بر استفاده از نظرهای علمی و کارشناسانه، ابتدا از وجود اسناد و مدارک معتبر و کافی برای بیان یک مدعا مطمئن شوند و سپس به چاپ آن اقدام نمایند.

15. افرادی که خود یا یکی از اقوام و دوستانشان به کشورهایی که مروج فرهنگ برهنگی اند، مانند کشورهای اروپایی و غربی، مسافرت نموده اند، به خوبی می دانند که رابطه ی مستقیمی بین کاهش مقدار پوشش افراد، خصوصاً زنان، و افزایش جرایم و مفسد جنسی وجود دارد. یک بانوی تازه مسلمان امریکایی می گوید:

در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانیده و پوشش بیش تری داشته باشند، به طور طبیعی و کاملاً محسوسی در امریکا تجاوز به عنف نسبت به زن کم تر می شود، لکن در تابستان که زنان، علاوه بر گرمای هوا، به پیروی از مدهای جلف و فاسد کننده، خود نیز دنبال بهانه ای هستند تا هر چه ممکن است لباس خود را

ص: 153

1- . پاسخ این ادعا در فصل دوم این اثر آمده است.

سبک نموده و به بهانه‌ی گرما، اعضای حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار دهند، تجاوز به عنف نسبت به زنان حتی پیرزنان نیز افزایش می‌یابد و تا آن جا پیش می‌رود که در این فصل راهبه‌ها نیز مورد حمله‌ی مردان جنایتکار قرار می‌گیرند. (1)

به محققین و پژوهشگران توصیه می‌شود به طور تطبیقی و مقایسه‌ای درباره‌ی مقدار جرایم و مفاسد جنسی در کشورهای اسلامی، که اکثراً مقید به رعایت پوشش در اجتماع هستند، با کشورهایایی که برهنگی در آنها رواج دارد، همانند بسیاری از کشورهای اروپایی و غربی، تحقیقاتی انجام دهند تا برای افرادی که درباره‌ی مطلب یاد شده تردید دارند، به طور علمی آشکار گردد که واقعاً بین افزایش پوشش و کاهش جرایم جنسی و بالعکس، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

16. در ضمن اثر حاضر آشکار شد که استفاده از چادر مشکی دارای ریشه‌های قرآنی و روایی است؛ از این رو به اهل قلم و مطبوعات توصیه می‌شود در مواجهه با سنت و سیره‌های موجود در بین مسلمین، مثل سیره و سنت استفاده‌ی زنان مسلمان از چادر مشکی، که دارای ریشه‌ی قرآنی و اسلامی است با احتیاط و دقت مواجه شوند و این گونه نباشد که به راحتی به نقض سیره و سنت اسلامی اقدام کنند. امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌فرمایند:

ص: 154

لا تتقضى سنة صالحه عمل بها صدور هذه الامة واجتمعت بها الالفه و صلحت عليها الرعية و لا تُحدثنَّ سنة تضرّ بشيءٍ من ماضي تلك السنن فيكون الاجر لمن سنّها و الوزر عليك بما نقضت منها؛⁽¹⁾ آداب پسندیده ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند برهم مزن، و آدابی که به سنت های خوب گذشته زیان وارد می کند پدید نیاور، که پاداش برای آورنده ی سنت و کیفر آن برای تو باشد که آنها را درهم شکستی.

17. در نوشته ی حاضر به طور مستند اثبات گردید که متأسفانه برخی مطبوعات و افراد از آزادی که به برکت جانفشانی صدها هزار شهید گلگون کفن به دست آمده است به نحو شایسته و صحیح در راه تبیین و نشر حقایق استفاده نمی کنند، بلکه برعکس، در راه ترویج اباطیل و شبهه ها و سست کردن ارزش های الهی جامعه اسلامی، همانند حجاب، از آزادی سوء استفاده می کنند. به نظر می رسد یکی از علل این سوء استفاده، عدم تبیین صحیح و علمی محدوده ی آزادی بیان و قلم است که باعث گردیده عده ای تصور کنند به بهانه آزادی، مجاز به تبلیغ و ترویج هر فکر و عملی به هر شکل و قیمتی ولو با شیوه های غیر علمی، مثل ادعاهای بدون دلیل و

ص: 155

1- . نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، نامه ی 53، ص 572.

ترویج دروغ و تهمت می باشند. ثمره ی چنین تصور نادرستی به هر حال این واقعیت تلخ عینی را منجر گردیده است که عده ای با نشر اکاذیب در مورد مبانی حجاب اسلامی، زمینه ی تشویش اذهان عمومی، به خصوص بانوان و دختران جوان در زمینه ی حجاب و پوشش اسلامی را فراهم کرده اند. حال پرسش اساسی این است که مسئولیت تشویش، سرگردانی و در نتیجه سستی آشکار نسبت به رعایت حجاب که در برخی از بانوان و دختران در اثر انتشار شبهه ها در زمینه ی حجاب اسلامی مشاهده می گردد به عهده کیست؟ به نظر می رسد، مسئولیت تشویش و سستی یاد شده، بیش از همه بر دوش افرادی است که به جای تبیین دقیق و عمیق مفهوم و معنای آزادی قلم و بیان و حد و مرزهای آن در یک جامعه اسلامی،⁽¹⁾

پیوسته فریاد به خطر افتادن آزادی سر داده و می دهند. به این گونه افراد و به افرادی که با سوءاستفاده از آزادی، شبهه هایی را در زمینه ی ارزش های اسلامی، مانند حجاب، با ابزار قلم و بیان در جامعه منتشر نموده و می نمایند، توصیه می شود درباره ی حد و مرز آزادی و تفاوت آزادی در جامعه ی اسلامی و جامعه ی غربی به مطالعه و پژوهش عمیق بپردازند.

ص: 156

1- . برای آگاهی بیش تر در زمینه ی محدوده ی آزادی قلم و بیان از دیدگاه اسلام و تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در باب آزادی ر. ک: به آثار ذیل از سردار بزرگ جهاد فرهنگی بر ضد شبهه افکنان در عصر حاضر علامه استاد محمد تقی مصباح یزدی، دین و آزادی، و نظریه حقوقی اسلام، ص 303 - 400، و نیز نظریه سیاسی اسلام، ج 1، ص 63 - 97 و 213 - 224.

پیوست: استفتائات و دیدگاه های مراجع تقلید درباره ی حجاب و لباس

پیوست: استفتائات و دیدگاه های مراجع تقلید درباره ی حجاب و لباس (1)

امام خمینی (ره):

آنها که زن ها را می خواهند ملعبه ی مردان و ملعبه ی جوانان فاسد قرار بدهند، جنایتکارند. زنها نباید گول بخورند. زن گمان نکند این مقام زن است که بزک کرده بیرون برود، با سر باز و لخت؛ این مقام زن نیست، زن باید شجاع باشد، زن آدم ساز است، زن مربی انسان است. (2)

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی:

«حجاب بانوان در اسلام یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران، چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع طبیعی آنها دوختند، مورد حمله ی آنها قرار

ص: 157

1- . به نقل از «مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید» ج 1 و 2؛ تهیه و تنظیم، سید محسن محمودی.

2- . صحیفه ی نور، ج 11، ص 254.

گرفت؛ زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقاء استقلال شخصیت اسلامی کل جامعه ی مسلمانان و حفظ هویت اسلامی آن دیدند و آن را مانع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود شناختند. (1)

حضرت آیت الله خامنه ای:

آیا جنایتی از این بزرگ تر نسبت به زن هست که زن را با آرایش، مد و جلوه گری زیورآلات سرگرم کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیورآلات پر کردن و آرایش و مد و لباس را بت قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ننگ است، چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ی ملی ماست.

* آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی اعتنایی می کنند چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

اصل حجاب ضروری دین محسوب است، ولی بعضی فروع آن ممکن است ضروری نباشد و بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

حضرت آیت الله تبریزی:

ص: 158

1- . حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، پیام به کنگره سراسری حجاب.

اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی نمایند، حکم بی‌اعتنایی به سایر تکالیف دینی است.

حضرت آیت الله صافی:

اصل وجوب حجاب فی الجملة از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است، ولی بی‌اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن باعث فسق است.

حضرت آیت الله سیستانی:

اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است، ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار آنها مستلزم انکار نبوت نیست و بی‌اعتنایی عملی گناه است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

آری حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند، موجب ارتداد نمی‌شود.

حضرت آیت الله بهجت:

بی‌اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.

* پوشیدن جوراب نازک و بدن نما برای خانم ها در بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورت دارد؟ و بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم ها در دید نامحرمان چگونه است؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

پوشانیدن بدن از نامحرمان بر زن واجب است و چنین جوراب هایی برای حجاب شرعی واجب کفایت نمی کند و پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است.

ص: 160

* آرایش زنان در خیابان ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و لباس های محرك چه صورت دارد؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

بر زن واجب است تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

حرام است.

حضرت آیت الله بهجت:

حرام است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بدون شك جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

جایز نیست.

حضرت آیت الله سیستانی:

جایز نیست.

ص: 161

* عده ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه ها و سخنرانی هایشان می گویند: چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگ های متنوع، جایگزین چادر مشکی شود. آیا چنین حرف و اقدامی صحیح است یا نه؟ خواهشمند است نظر شریفتان را مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله خامنه ای:

این صحبت صحیح نیست، و بهترین حجاب، پوشش چادر است، و چادر سیاه هم بی اشکال است و کراهت ندارد.

ص: 162

حضرت آیت الله تبریزی:

زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفین، از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می شود باید آن را هم بپوشاند، و با چادر بهتر می تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه، مثل عبای سیاه کراهت ندارد.

حضرت آیت الله بهجت:

این اقدام باطل است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

نظریه ی مذکور صحیح نیست و مفاسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان عدّه ای اصرار بر آشکار شدن مفاتن زن و خروج او از ستر و عفاف، که حافظ شخصیت و ارزش و متانت اوست دارند و مع الاسف می خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند؛ در حالی که برخلاف اسلام است.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

چادر مشکی بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس هایی که جلب توجه کند حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

با توجه به این که در حال حاضر رنگ مشکی برای حفظ پوشش زنان بهتر است، کراهت آن ثابت نیست.

* امروز يك حرکت خزنده اي عليه چادر، كه يك حجاب مّلي و سنّتي است آغاز گرديده است، خواهشمنديم نظر مبارك را در اين مورد مرقوم فرماييد.

حضرت آيت الله فاضل لنكراني:

سزاوار است خانم ها از چادر استفاده كنند؛ چون چادر در کشور اسلامي ايران از مظاهر و شعائر اسلام مي باشد و با حفظ اين شعار سعي كنند بانوان محترم، حرکت مورد سؤال را خنثي كنند.

حضرت آيت الله صافي گلپايگاني:

چادر بهترین پوشش برای خانم هاست، چون تمامی مفاتن بدن را می پوشاند. خانم های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجددگرایی مضرّ پرهیز کنند.

حضرت آیت الله بهجت:

چادر حجاب پسندیده است.

حضرت آیت الله سیستانی:

چادر حجاب بهتر است و سزاوار نیست زن های مؤمن بدون چادر خارج شوند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

حجاب یکی از قوانین مسلم اسلام است و اساس آن پوشاندن بدن و موها غیر از صورت و دست ها تا میچ است؛ ولی بی شک چادر حجاب برتر است.

حضرت آیت الله تبریزی:

پوشیدن بدن بر زن واجب، و بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زن های مؤمنه خود را با آن می پوشانند.

* نظر جنابعالی در مورد پوشیدن لباس هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن نقش بسته است چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

استفاده از این گونه لباس ها که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمین است، اشکال دارد. (1)

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بهتر است از این نوع لباس ها استفاده نکنند.

ص: 166

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

مسلمین از این گونه لباس ها استفاده نکنند.

حضرت آیت الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زبانی مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هرگاه سبب ترویج فرهنگ بیگانگان گردد اشکال دارد.

تصویر

□

* بعضاً مشاهده می شود که بعضی از افراد در مجالس عقد و عروسی و عده ای در انظار عمومی، اقدام به نصب کراوات و پاپیون بر روی پیراهن خود می نمایند، حکم شرعی استفاده از لوازم مذکور چیست؟

ص: 167

حضرت آیت الله خامنه ای:

بستن کراوات و پاپیون چون تقلید و ترویج از فرهنگ مهاجم غیر مسلمین است جایز نیست. (1)

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

کراوات و پاپیون شعار کفار است و مسلمین نباید از آنها استفاده کنند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

با توجه به این که کراوات و پاپیون در محیط ما ترویج فرهنگ بیگانه محسوب می شود، استفاده از آن اشکال دارد.

حضرت آیت الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زین مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت الله بهجت:

خلاف احتیاط است.

ص: 168

* (1) برخورد زن همراه با چهره ی خندان و متبسم با مردان نامحرم هنگام خرید از مغازه ها و سایر برخوردها چه صورت دارد؟

* (2) خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان و یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه نامحرمان می شود چگونه است؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

(1) صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد جایز نیست.

(2) از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می شود باید پرهیز نمود.

ص: 169

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

1 و 2) به طور کلی دختران و زنان باید در مقابل مردان نامحرم به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و صحبت کنند که موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان نشوند و اگر کردند گناه بزرگ است.

حضرت آیت الله بهجت:

1) هر کاری که معرضیت ریبه و یافتنه در آن است جایز نیست.

2) جایز نیست.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

1) اشکال دارد و هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوز کنند.

2) بهتر است زنان و دختران مسلمان از این گونه کارها بپرهیزند و اگر منشأ فساد شود جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

1) اگر از روی التفات کاری را که موجب جلب نظر اجانب شود انجام دهند اشکال دارد.

2) زن عقیف این کار را نمی کند، بلکه اگر معرض تهییج شهوت برای یکی از طرفین باشد حرام است.

ص: 170

حضرت آیت الله لطف الله صافی:

(1) مخالف نص قرآن است ولا یخضعن بالقول فیطمع الذي فی قلبه مرض.

(2) جایز نیست.

تصویر

□

ص: 171

*برخی در مورد مسائل زنان اظهار نظرهای نامناسبی را ابراز می کنند، مانند بحث دوچرخه سواری یا ورزش بانوان، یا در مورد حجاب اظهار می دارند که به نظر ما گت و دامن جهت حجاب کفایت می کند. نظر حضرتعالی در این زمینه ها چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند جایز نیست؛ و بر مؤمنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند.

حضرت آیت الله تبریزی:

ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا بی عفتی زنان و دختران شود جایز نیست؛ و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی کند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

امور مذکوره معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن پرهیزند.

حضرت آیت الله بهجت:

هر چه باعث فتنه و فساد باشد اشکال دارد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هر چه موجب اشاعه ی مفسد اخلاقی گردد حرام است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

امور مذکوره معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن بپرهیزند.

تصویر

□

* برخی از مادران، فرزندان دختر خود را که به بلوغ شرعی نرسیده اند با سر و پای برهنه در خیابان ها و مجالس در حضور نامحرمان می آورند، مستدعی است وظیفه ی والدین را در قبال فرزندان خود بیان فرمایید و این بی اعتنائی چه صورت دارد؟

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بر پدر و مادر است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنانچه موارد

ص: 173

مذکور موجب تهییج و مفسده شود، اگر چه بچه ممیز نباشد، باید آنان را پوشانند و حفظ کنند تا جامعه آلوده و بی بندوبار نشود.

حضرت آیت الله سیستانی:

بر غیر بالغ، پوشیدن واجب نیست؛ ولی پدر و مادر لازم است که فرزند خود را به رعایت آداب و شئون اسلامی وادار نمایند و در تربیت صحیح شرعی آنان بکوشند.

حضرت آیت الله بهجت:

تمرین اطفال بر وظایف شرعی به عهده ی والدین است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

کار صحیحی نیست و والدین موظف اند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند. در حدیث وارد شده است که در مجلسی که حضرت رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) تشریف داشتند و عده ای نیز حضور داشتند، دختر بچه ای وارد شد؛ حضار در مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند، تا رسید به حضرت رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) آن حضرت از سن دختر سؤال کردند؛ گفته شد پنج سال دارد؛ حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند

ص: 174

نمودند؛ و اعمال آن بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به مسائل اسلامی از زمان طفولیت آشنا کنند.

حضرت آیت الله تبریزی:

پوشش بر دختران نابالغ واجب نیست؛ لکن وظیفه ی والدین است که دخترانشان را به پوشش اسلامی عادت دهند و فرزندان را با احکام اسلامی تربیت نمایند.

تصویر

□

ص: 175

* در صورتی که زن می داند مرد نامحرم به قصد لذت به صورت و دست های معمولی زینت نشده ی او نگاه می کند، در این فرض پوشاندن صورت و دست ها لازم است یا نه؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

در فرض مذکور باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند.

حضرت آیت الله تبریزی:

بلی در این صورت بنا بر احتیاط پوشاندن لازم است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

دست و صورت بنا بر احتیاط واجب باید پوشیده شود. (جامع الاحکام 2/165).

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بلی پوشاندن آن لازم است

حضرت آیت الله بهجت:

پوشاندن دست و صورت مطلقا بنا بر احتیاط لازم است.

تصویر

□

ص: 176

* فهرست گزیده منابع (1)

1. قرآن کریم.

2. نهج البلاغه.

3. آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ غرالحکم و دررالکلم، تحقیق المصطفی الدرایتی و حسین الدرایتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، 1377.

ص: 177

1- . همان گونه که از عنوان آشکار می گردد، آنچه به عنوان منابع ذکر گردیده است، تنها بخشی از منابع است. غیر از منابع یاد شده، نگارنده به منابع فراوان دیگری نیز رجوع نموده است که به دلیل عدم نقل مستقیم، اسامی آنها در فهرست حاضر نیامده است، ولی بعضاً در پاورقی ها نام برخی از آنها آمده است. افراد علاقمند به تحقیق درباره ی حجاب می توانند به آنها و هم چنین به منابعی که در کتاب شناسی های حجاب معرفی شده است مانند دو کتاب شناسی زیر رجوع کنند. الف. رسول جعفریان، «کتاب شناسی حجاب» مجله ی آینه ی پژوهش، شماره ی پیاپی 69 مرداد - شهریور 1380، ص 106. ب. احمد ملک شاهی، «استدراکی بر کتاب شناسی حجاب» مجله ی آینه ی پژوهش، شماره ی پیاپی 72، 71، آذر - اسفند 1380، ص 166.

4. ابن عربي؛ احكام القرآن، بيروت: دارالكتب العلميه، الطبعة الاولى، 1408 هـ - ق.
5. ابن منظور المصري، ابي الفضل جمال الدين؛ لسان العرب، بيروت: دار صادر، الطبعة الاولى، 1410 هـ - ق.
6. ابوالحسني، علي؛ سياه پوشي در سوگ ائمه ي نور، قم: مؤسسه الهادي، چاپ اول، بهار 1375.
7. الأکوسي، ابي الفضل شهاب الدين السيد محمود؛ روح المعاني في تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث، الطبعة الرابعة، 1405 هـ - ق.
8. امين، سيد نصرت بيگم؛ تفسير مخزن العرفان، اصفهان: چاپ نشاط.
9. باقري، خسرو؛ نگاهي دوباره به تربيت اسلامي، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم، زمستان 1374.
10. البحراني، يوسف؛ الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الاسلامي. 1363 هـ - ش .
11. البيضاوي، ناصر الدين ابي سعيد عبد الله؛ انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت: دار صادر.
12. بيگم شيرازي، زينب؛ جوابيه مقاله ي ضالّه طالبين رفع حجاب، به كوشش رسول جعفریان، مجله ي پیام زن، شماره ي 112.
13. پلنگي، محبوبه؛ زنان در الجزاير، مجله ي پیام زن، شماره ي 59.

14. الجوهرى، اسماعيل بن حماد؛ الصحاح، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الرابعة.
15. حداد عادل، غلامعلي؛ فرهنگ برهنگي و برهنگي فرهنگي، تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم. 1374.
16. الحرّاني، ابو محمد الحسن بن علي ابن الحسين ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ترجمه ي احمد جنتي، انتشارات علميه ي اسلاميه، اسفند 1354.
17. الحر العاملي، محمد بن الحسن؛ وسائل الشيعة الي تحصيل مسائل الشريعة، بيروت: چاپ دار احياء التراث العربي.
18. حسينيان، روح الله؛ حريم عفاف، (حجاب، نگاه)، چاپ اول، مركز چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامي، تابستان 1372.
19. الحسيني الزبيدي، سيد محمد بن احمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق علي شيري، بيروت: انتشارات دار الفكر، الطبعة الاولى، 1414 هـ - ق .
20. الخطيب العدناني؛ الملابس و الزينه في الاسلام، مؤسسة انتشار العربي، الطبعة الاولى 1999.
21. خويي، ابوالقاسم؛ شرح عروه الوثقي، كتاب الصلاة.
22. راغب اصفهاني؛ معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقيق نديم مرعشلي، دار الكاتب العربي.

23. رحمانی، حجت الله؛ اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکی، نشریه ی فیضیه، 7 آذر 1379.
24. رفیع، جلال؛ یادداشت ها و رهاوردهای سفر نیویورک در بهشت شداد، آمریکای متمدن، آمریکای متوحش، تهران: مؤسسه ی اطلاعات، چاپ اول، 1370 هـ - ش.
25. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف، عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت: ناشر دار الکتب العربی، الطبعة الثالثة، 1407 هـ - ق .
26. زنجانی، فیاض؛ رساله ی حجابیه، مجله ی کیهان اندیشه، شماره ی 60، خرداد و تیر 1374.
27. زیدان، عبدالکریم؛ المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشریعة الاسلامیة، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة، 1417 هـ - ق.
28. سادات فخر، سید علی؛ حجاب ارزش یا روش، مجله ی کتاب نقد، شماره ی 17، ویژه ی فمینیسم.
29. السجستانی الازدی، ابی داود سلیمان بن الاشعث؛ سنن ابی داود، طبع دار الکتب العربی.
30. الشرتونی، سعید الخوری، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، تهران: دارالاسوة للطباعة و النشر، الطبعة الاولي؛ 1374 هـ - ش.

31. شعراني، ابوالحسن؛ دمع السجوم، ترجمه ي نفس المهموم، تهران: انتشارات علميه اسلاميه، ربيع الاول 1374 هـ - .ق.
32. -----؛ نثر طويي، دائرة المعارف لغات قرآن مجيد، انتشارات اسلاميه.
33. صافي، محمود؛ الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانه، دمشق: دارلارشي، الطبعة الاولى، 1411 هـ - .ق.
34. صبوري اردوباري، احمد؛ آيين بهزيستي اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چاپ اول، تابستان 1367.
35. الصدوق، ابن جعفر محمدبن علي بن الحسين بن بابويه القمي؛ المقنع، قم: مؤسسة الامام الهادي (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، 1415 هـ - .ق .
36. -----؛ الخصال، صححه و
علّق عليه علي اكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرسين، طبع شهريور 1362.
37. -----؛ من لا يحضره
الفقيه، قم: مؤسسه ي النشر الاسلامي، الطبعة الثانية، 1404 هـ - .ق.
38. صفي پور، عبدالرحيم؛ «منتهي الارب في لغة العرب»، چاپ اسلاميه، جمادي الثاني 1377.
39. الطباطبائي، سيد محمد كاظم؛ العروه الوثقي، قم: ناشر مكتبه الوجداني.

40. الطباطبائي، محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن، قم: مؤسسه ي مطبوعاتي اسماعيليان، الطبعة الثانية، 1394 هـ - ق .
41. طبرسي، ابو علي الفضل بن الحسن؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، طبع كتابفروشي اسلاميه.
42. الطبرسي، ابو منصور؛ الاحتجاج، بيروت: منشورات مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
43. طريحي، فخرالدين؛ مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران: انتشارات مرتضوي، چاپ دوّم، شهريور 1362.
44. الطوسي، محمد حسن؛ التبيان في تفسير القرآن، بيروت: داراحيا التراث العربي.
45. طيبي، ناهيد؛ حجاب و عفاف مروري دوباره، مجله ي پیام زن، شماره ي 95 - 96.
46. عابديني، احمد؛ عاشورا، حفظ كرامت و حجاب، مجله ي پیام زن، شماره ي 69.
47. عابديني، عليّه، دراسات في سيكولوجية الملابس، قاهره: دارالفكر العرب، 420 هـ - ق.
48. الفراهيدي، خليل بن احمد؛ العين، تحقيق مهدي محزومي، بيروت: دار الهجره الطبعة الثانية، 1409 هـ - ش.

49. فرزانه، ناصر؛ رنگ و طبيعت، دانش رنگ ها، تهران: چاپ اول، 1375.

50. فضل الله، محمدحسين؛ مصاحبه درباره ي جوانان، ورزش و حجاب، دنياي جوان، مجله ي پيام زن، شماره ي 74، ارديبهشت 1377.

51. فلسفي، محمد تقى؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران: هئيت نشر معارف اسلامي، چاپ دوازدهم، 1344ش.

52. -----؛ كودك از نظر وراثت و تربيت، تهران: انتشارات الحديث، چاپ اول، 1368ش.

53. فيض كاشاني، ملا محسن؛ تفسير صافي، منشورات مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت: الطبعة الثانية، 1402 هـ - ق.

54. -----؛ المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، قم: دفتر انتشارات اسلامي، الطبعة الثانية.

55. فيومي، احمد بن محمد؛ المصباح المنير، بيروت: المكتبة العلمية.

56. قانع، سيد مهدي؛ انسان، پوشش و ريشه هاي تاريخي، مجله ي پيام زن، شماره هاي 18، 19، 20.

57. القمي، شيخ عباس؛ سفينه البحار و مدينه ي الحكم و الآثار، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.

58. كليني، محمد بن يعقوب؛ اصول و فروع كافي، چاپ دارالكتب الاسلاميه.

59. گلي زواره، غلامرضا؛ استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب، پیام زن؛ شماره ي 70.
60. گوهری، سید اسماعیل؛ آرزوی شهادت در بیان معصومین(عَلَيْهِ السَّلَامُ)، تهران: انتشارات امیری، چاپ اول، مرداد 1366.
61. لسان التنزیل، به اهتمام مهدي محقق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم 1362.
62. لوشر، ماکس؛ روانشناسی رنگ ها، ترجمه ي ویدا ابی زاده، چاپ چهاردهم، 1378.
63. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار(عَلَيْهِ السَّلَامُ)، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة، 1403.
ه-ق .
64. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ي علمیة ي قم. الطبعة الاولي، 1362
ه-ش .
65. محمدی نیا، اسد الله؛ آنچه باید يك زن بداند، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ي علمیة ي قم، چاپ دوم، 1371.
66. محمودی، سید محسن؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید. ورامین: انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، چاپ ششم، بهار 1380.

67. مرادي، مرضيه؛ اهداف حاصله از پوشش، مجموعه ي مقالات پوشش و عفاف، دومين نمايشگاه تشخص و منزلت زن در نظام اسلامي، بهمن 1370.
68. مركز مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي؛ صحيفه ي نور، مجموعه ي رهنمودهاي امام خميني (ره)، بهمن ماه 1361.
69. مشهدي، محمد؛ تفسير كنزالدقائق، قم: مؤسسه النشر الاسلامي، الطبعة الاولى، محرم الحرام 1413 هـ - ق.
70. مصطفوي، سيد حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي، الطبعة الاولى، 1368 هـ - ش .
71. مطهري، مرتضي؛ پاسخ هاي استاد به نقدهايي بر كتاب مسئله ي حجاب، قم: انتشارات صدرا، چاپ دهم، خرداد 1379.
72. -----؛ مسئله ي حجاب، انتشارات صدرا، چاپ بهار 1377.
73. معصومي، سيد مسعود؛ احكام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعي آنان، قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه ي علميه ي قم، چاپ اول، زمستان 1372.
74. مغنيه، محمد جواد؛ التفسير الكاشف، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الرابعة، 1990م.

75. مكي العاملي، شمس الدين محمد؛ (الشهيد الاول)، الدروس الشرعية في فقه الاماميه، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.

76. مؤسسه ي فرهنگي قدر ولايت؛ حكايت كشف حجاب، تهران: چاپ اول 1378.

77. مهدي زاده، حسين؛ نقد ادله مخالفين چادر مشكي، روزنامه ي جمهوري اسلامي، 3 و 4 بهمن 1379.

78. -----؛ هم انديشي منطقي با جوانان درباره ي لباس، روزنامه ي جمهوري اسلامي، 19 و 21 شهريور 1380.

79. -----؛ فقر روش و بيش در بعضي مقالات مربوط به حجاب، روزنامه ي جمهوري اسلامي، 26 مهر 1380.

80. مهريزي، مهدي؛ حجاب، تهران: مؤسسه ي فرهنگي دانش و انديشه ي معاصر، چاپ اول، پاييز 1379.

81. ناظم زاده قمي، سيد اصغر؛ جلوه هاي حكمت، قم: مؤسسه چاپ الهادي، چاپ اول، پاييز 1373.

82. نجفي، محمد حسن؛ جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، دار الكتب الاسلاميه، الطبعة السابعة، 1392 هـ - ق.

83. نصرتي، علي اكبر؛ سحر شبهه، ماهنامه ي اطلاع رساني مبلغان، ارم شماره ي 3، ضميمه ي بصائر مهريه 77، (ويژه نامه ي خبرگان سوم).

ص: 186

84. النوري الطبرسي، ميرزا حسين؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق و نشر، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، الطبعة الثانية، 1408 هـ- ق .

85. ویژه نامه ي فرهنگ اسلام، بهار 1379.

86. هاشمي، مينا؛ حجاب زياباي شعار، کارآبي شعور، سالنامه ي زن، ستاد برگزاري نمايشگاه تشخص و منزلت زن در نظام اسلامي، بهمن 1371.

ص: 187

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

